

خبرنامه

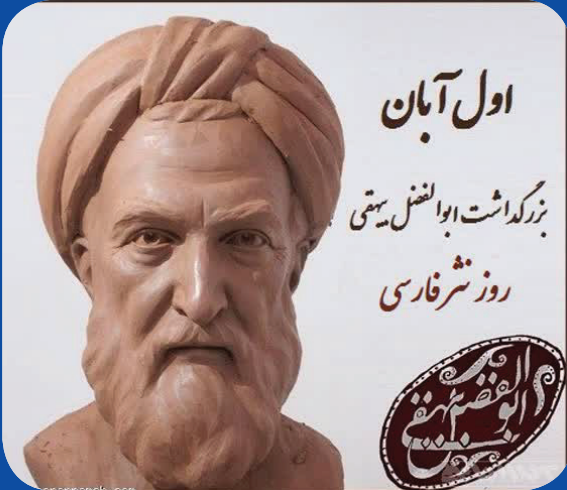


سال دهم، شماره نود و یکم، آبان ماه ۱۴۰۱

اهمیت بازبینی  
اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه  
و ضرورت بررسی و پژوهش  
در تاریخ علم ایرانی



تحلیل و بررسی  
وقایع اخیر ایران  
از منظر علوم انسانی  
(علل و عوامل داخلی و خارجی)



### فهرست

- \* تحلیل و بررسی وقایع اخیر ایران از منظر علوم انسانی (علل و عوامل داخلی و خارجی)..... ۳
- \* گزارش ششمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی..... ۱۲
- \* تصویب آئین‌نامه پیشنهادی ارتقای مرتبه و شیوه‌نامه ترفیع اعضای هیأت علمی پژوهشگاه..... ۱۵
- \* اهمیت بازمبانی اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه و ضرورت بررسی و پژوهش در تاریخ علم ایرانی..... ۱۹
- \* بررسی مبانی و مسائل ناظر به احصاء اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه..... ۲۴
- \* ادغام شوراهای تحصیلات تکمیلی و پژوهشی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در شورای علمی..... ۲۸
- \* برگزاری دومین نشست از دوره پنجم هیأت امنای پژوهشگاه..... ۳۱
- \* گزارش جلسه هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی..... ۳۲
- \* نشست «دین‌تولیزیون»..... ۳۳
- \* نظم بین‌المللی و بحران اوکراین؛ ابعاد و پیامدهای اقتصادی..... ۳۷
- \* مختصات نظم بین‌الملل متأثر از بحران اوکراین و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آن..... ۳۹
- \* اروپا و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین..... ۴۲
- \* نشست «روز جهانی فلسفه»..... ۴۵

### یادداشت‌ها

- \* نقش کتابداران در مدیریت و توسعه محتوای دیجیتال پژوهشی..... ۴۸
- \* تاریخ بیهقی و چند نکته..... ۵۰
- \* علم چگونه می‌تواند در خدمت صلح باشد؟..... ۵۳
- \* بزرگداشت مقام علمی استاد فقید دکتر ناصر تکمیل همایون..... ۶۱



سیزدهم آبان یک روز تاریخی است؛ هم تاریخی است، هم تجربه‌آموز است. «تاریخی است» یعنی اینکه در این روز حوادثی اتفاق افتاده که این حوادث در تاریخ ماندنی است؛ فراموش‌شدنی نیست و نباید هم فراموش بشود. «تجربه‌آموز است» یعنی به‌خاطر همین حوادث، یک واکنش‌هایی به وجود آمده است که آن واکنش‌ها برای ما درس است؛ باید برای آینده کشور، برای آینده عمر خودتان، برای آینده ملت‌تان از این تجربه‌ها استفاده کنید. آینده مال شماها است دیگر.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانش‌آموزان  
در آستانه سیزدهم آبان‌ماه، روز دانش‌آموز و روز ملی مبارزه با استکبار  
۱۴۰۱/۰۸/۱۱



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گزارش نشست دوم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی:

## تحلیل و بررسی وقایع اخیر ایران از منظر علوم انسانی (علل و عوامل داخلی و خارجی)

دومین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با عنوان «تحلیل و بررسی وقایع اخیر ایران از منظر علوم انسانی (علل و عوامل داخلی و خارجی)»، سوم آبان‌ماه با حضور پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث حوزه علوم انسانی در سالن ادب پژوهشگاه برگزار شد.

در این نشست دکتر یحیی فوزی، استاد علوم سیاسی و معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، استادیار تاریخ و رئیس پژوهشکده مطالعات قرآنی؛ دکتر بشیر معتمدی، استادیار علوم ارتباطات؛ دکتر فاطمه طاهرخانی، استادیار علوم سیاسی و مدیر گروه پژوهشی اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی؛ و آقای محمدعلی مینایی، عضو گروه امنیت اجتماعی به سخنرانی پرداختند و از دیدگاه و با رویکرد مختار خود به تحلیل و بررسی علل مختلف وقایع و حوادث اخیر کشور پرداختند.



دبیری این نشست بر عهده دکتر مالک شجاعی جشوقانی، استادیار فلسفه و رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)، بود که در ابتدای جلسه ضمن خوشامدگویی به حاضران و قدردانی از مسئولان برگزاری این نشست (معاونت پژوهشی و معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه) به سوابق پژوهشی و علمی سخنرانان این نشست اشاره کرد. دکتر شجاعی جشوقانی با مروری کوتاه بر مباحث صورت گرفته در جلسه نخست از این سلسله نشست‌ها، با اشاره به فراز دیگری از توصیه امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر (معروف پیه عهدنامه مالک اشتر) مبنی بر اینکه «ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحَكَمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورَ وَلَا تُمَجِّكُهُ الْخُصُومَ وَلَا يَتَمَادَى فِي الزَّلَّةِ وَلَا يَحْضُرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَلَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَلَا يَكْتَفِي بِأَذْنَى فَهْمٍ دُونَ أَقْصَاء...»، (ترجمه: «سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد...»)، گفت: امید است در تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود نیز با تمسک به این آموزه‌های درخشان از حد انصاف و اعتدال خارج نشده و این تعلیمات گران‌بها راهنما و راهگشای مسیر زندگی ما باشد و از این گنجینه عظیم معنوی در سبک زندگی و مشی خود بهره ببریم.

دکتر شجاعی جشوقانی هدف از برگزاری این جلسات را علاوه بر توجه به ابعاد مختلف وقایع و حوادث اخیر، پرداختن به علل و عوامل داخلی و خارجی آنها با نگاهی علمی و کارشناسی، آن‌گونه که در خور شأن یک مرکز پژوهشی است، برشمرد تا امکان بحث و گفت‌وگو و بررسی زوایا و لایه‌های مختلف این وقایع برای مخاطبان و علاقه‌مندان فراهم شود.

### تبیین مسئله وقایع اخیر از نگاه دکتر فوزی



سپس دکتر فوزی با اشاره به اهمیت پرداختن به مسائل مختلف علوم انسانی و اجتماعی روزآمد از سوی پژوهشگران و استادان حوزه علوم انسانی به ویژه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، بررسی وضعیت فعلی کشور را یکی از موضوعات مهمی دانست که پژوهشگران پژوهشگاه باید به آن توجه کرده و به حسب مأموریت و وظایفی که بر عهده پژوهشگاه است، آن را از ابعاد و زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار دهند. وی شناخت یک پدیده و تصویری که از آن داریم را از اولین و مهم ترین مباحث در علوم انسانی برشمرد و گفت: با رویکردهای مختلف و از منظر مختلفی می توان به یک موضوع پرداخت و از آنجا که می توان به این وقایع نگاهی تک علتی یا چند علتی داشت، متذکر شد، باید توجه داشت که علوم انسانی پیچیده بوده و مسائل و مباحث آن ابعاد مختلفی دارد. و در حوزه علوم سیاسی تحلیل مسئله اعتراض و جنبش ها

و شورش های سیاسی، پیشینه طولانی دارد و یک بحث تخصصی است، زیرا این مسئله در بسیاری از کشورها و حکومت ها موضوعیت دارد و بخشی از مسائل مهم در حوزه سیاست در جهان امروز به حساب می آید.

### جامعه ایران جامعه ای در حال تغییر

دکتر فوزی افزود: در وقایع اخیر باید صورت بندی مناسبی از مسئله ارائه داد و به این منظور لازم است به چند نکته توجه شود: در طول یکصد سال اخیر، شاهد این هستیم که تغییر و تحول در ذات جامعه ایرانی قرار دارد. این تغییرات از اواخر دوران قاجار آغاز و در دوره پهلوی ادامه و بعد از انقلاب سرعت بیشتری گرفت به نحوی که در دهه های اخیر می توان گفت، هر ۲۰ تا ۲۵ سال جامعه ایران شکل جدیدی به خود گرفته است. در واقع جامعه ایران را نمی توان در هر بُرهه از زمان، همان گذشته خود دانست که در این ارتباط سیاست های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت ها نقش مهمی در این تغییرات داشته است. جامعه ایران در حوزه جمعیت به خاطر سیاست های بهداشتی و کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش امید به زندگی، با رشد جمعیت مواجه بوده و ساختار جمعیت تغییر یافته است. همچنین، بسط و گسترش سطح تحصیلات و آموزش عالی و شکل گیری مراکز متعدد آموزشی و دانشگاه ها، ارتباط با سایر جوامع و کشورها، افزایش تعاملات در فضای مجازی و استفاده از شبکه های ارتباطی مختلف و رشد علم و تکنولوژی و ... چهره جامعه ایران را تغییر داده است. تغییرات در حوزه رشد اقشار اجتماعی و تحول در خانواده و سبک زندگی و ازدواج از جمله دیگر این تغییرات است. در حوزه سیاست نیز احیاء ارتباط میان سیاست با جامعه از طریق مکانیسم جمهوری در سال های بعد از انقلاب با تأکید بر انتخابات، منجر به مشارکت و گردش کارگزاران سیاسی شد به طوری که بخش مهمی از نیروهای سیاسی از درون طبقات پایین جامعه و روستاها به قدرت رسیدند. و این مسئله همچنین منجر به تأثیرپذیری حوزه سیاست از علائق عمومی شد به طوری که طی چند دهه گذشته شاهد ظهور افکار و گفتمان های سیاسی متفاوت در سیاست گذاری هستیم. همچنین ارتباطات جهانی و گسترش فضای مجازی و ارتباطات و مراودات علمی و گردشگری و ... تغییرات مهمی را در جامعه ایران به وجود آورده که این تحولات عینی منجر به تحول در اذهان و ذهنیت بخش مهمی از مردم در ایران و گفتمان های موجود جامعه شده است که این تغییرات نشان دهنده تحول در ساختارهای جامعه است و اینکه جامعه، جامعه ای را کد و دچار انسداد خاصی نیست؛ تغییر و تحول شکل دهنده ذات و جوهره جامعه ایران در یکصد ساله اخیر به خصوص پس از انقلاب اسلامی است، لذا شناخت این واقعیت متغیر جامعه ایران، جدای از ابعاد مثبت و منفی آن و شناخت دقیق این روندها از اهمیت خاصی برای فهم و تحلیل وقایع در ایران و نوع مواجهه و مدیریت آنها و همچنین آینده پژوهی ویژگی های جامعه ایران در دهه های آینده دارد.

### احساس فاصله و شکاف میان وضع موجود با وضع مطلوب و پتانسیل اعتراض در ایران

این استاد علوم سیاسی شکل‌گیری نوعی احساس فاصله و شکاف میان وضع موجود با وضع مطلوب و نارضایتی از وضعیت موجود را دیگر خصیصه جامعه موجود ایران برشمرد و تأکید کرد: این احساس نارضایتی نه فقط در میان اقشار مختلف مردم، بلکه در سطوح عالی حکمرانی و نزد مسئولین کشور نیز قابل مشاهده است. وی یکی از عوامل مهم این احساس را در مقایسه وضع موجود با شعارهای مهم و بلند انقلاب اسلامی و همچنین مقایسه وضعیت ایران با دیگران ذکر کرد و افزود: یکی از آرمان‌های انقلاب این بود که با نقد لیبرالیسم، مارکسیسم و سایر رویکردهای سیاسی به حیات اجتماعی، عالم جدید و روح جدیدی را خلق کند و ضعف مکاتب مادی را مرتفع و جهانی برای زیست مناسب و تکامل مادی و معنوی انسان بسازد اما در این راه با موانعی مواجه شد. از یکسو گفتمان انقلاب به صورت کامل نتوانست دال‌های خود را تثبیت، تحکیم و اجماع‌سازی کند که این تشتت گفتمانی بر عملکرد زیگزاگی ساختارها و کارگزاران اثر خود را به جای گذارد، لذا شاهد فراز و نشیب‌های مختلف در تحکیم الگوهای مدنظر می‌باشیم. و این امر منجر به ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها در مسائل ساختاری و اداری کشور و احساس نارضایتی‌ها از فاصله بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب شد که ارتباط بیشتر با سایر جوامع و مقایسه وضعیت موجود جامعه با آن جوامع در بین اقشار مختلف این وضعیت را تشدید کرد.

دکتر فوزی افزود: این ویژگی جامعه ایران طی چند دهه اخیر موجب ارائه رویکردهای مختلف برای تغییر و اصلاح وضعیت شده که در این مسیر برخی رویکرد اصلاحی، برخی رویکرد انقلابی و حتی بخش کوچکی با نگاهی دگراندیش رویکرد براندازانه دارند. نکته حائز اهمیت این است که نه تنها مخالفان نظام، بلکه بخش عمده موافقان و طرفداران آن که عمدتاً جزء طبقات پایین و میانی جامعه هستند و حتی مسئولین آن اعم از رهبری، نمایندگان مجلس و ... هم در سخنان خود خواهان تغییر و تحول در وضعیت موجود هستند. و فاصله زیادی بین وضع موجود و آرمان‌های انقلاب قائلند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که خواست اصلاح وضع موجود، یکی از ویژگی‌های غالب و مسلط جامعه امروز ایران است که باید آن را به‌عنوان یک واقعیت جهت مواجهه درست با آن پذیرفت.



### چرایی به خشونت کشیده شدن اعتراضات

وی تصریح کرد: با توجه به این دو ویژگی جامعه امروز ایران، می‌توان گفت، بروز اعتراض و انتقاد ویژگی طبیعی چنین شرایطی است و باید آن را تبدیل به فرصت برای پیشبرد کشور کرد و مسئله‌ای که در مورد این وقایع مطرح است این نیست که چرا جمعی اعتراض می‌کنند، بلکه مسئله این است که چرا این اعتراضات در مسیر قانونی برای رسیدن به اهداف خود پیش نمی‌رود و با سرعت به خشونت می‌انجامد و حتی موجب می‌شود که جمعی با نگرانی از احتمال به خشونت کشیده شدن اعتراض‌های مشروع خود از آن صرف‌نظر کنند. و مسئله دیگر آن است که چگونه می‌توان این اعتراض‌ها را مدیریت کرد و هزینه آن را برای کشور و زمینه‌های بروز آن را کاهش داد؟

دکتر فوزی در ارتباط با چرایی به خشونت کشیده شدن این اعتراضات به سه عامل مهم اشاره کرد و افزود: از یکسو ضعف فرهنگ اعتراض در بین بخشی از معترضان و غلبه احساس شورش‌گری به جای اعتراض هدفمند، در تشدید خشونت نقش دارد و از سوی دیگر نقش دشمنان سیاسی و فکری نظام سیاسی جمهوری اسلامی که با مداخله برنامه‌ریزی شده درصدد رادیکالیزه شدن و به خشونت کشیده شدن این اعتراضات و بهره‌برداری مناسب از آن برای اهداف و منافع خود هستند، از اهمیت برخوردار است که به‌عنوان یک واقعیت نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در این مورد باید گفت، جمهوری اسلامی با طیف وسیعی از دشمنان و مخالفان مواجه است که از جمله آمریکا و اسرائیل و برخی از دولت‌های پرنفوذ منطقه که یا ایران را مانعی برای قدرت هژمونیک آمریکا در منطقه می‌دانند یا به دنبال منافع خود و تضعیف ایران در منطقه هستند و هر سال بودجه خاصی را برای مبارزه با ایران اختصاص می‌دهند. همچنین بخشی از بقایای گروه‌های مخالف در اوایل انقلاب همچون مارکسیست‌ها و لیبرال‌های سکولار که مخالف حکومتند و در گذشته و در دهه اول انقلاب چالش‌های مهمی با جریان اسلام‌گرا داشتند و بخشی کوچکی از مهاجران ایرانی در خارج از کشور که تلاش می‌کنند طی لابی‌گری با قدرت‌های بزرگ و ثوریزگران خشونت و غیریت‌سازی‌های کاذب در جامعه ایران بپردازند. این گروه‌ها با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و تأمین اعتبارات مالی برای مقابله با جمهوری اسلامی و با بهره‌برداری از برخی مشکلات کشور به پمپاژ نفرت و ترویج خشونت در ایران پرداخته و تلاش می‌کنند این اعتراضات مشروع در ایران را مصادره و بر موج آن سوار شوند و کارگزاران این نیروها نقش مهمی در انحراف اعتراضات مشروع در ایران دارند.

وی سومین عامل را برخی ضعف‌ها در مدیریت اعتراضات در کشور دانست و گفت: از آنجا که کشوری با این ویژگی‌ها یعنی با تغییرات درونی وسیع و همچنین احساس فاصله بین وضعیت موجود و مطلوب و تمایل به تحول، نیازمند راهبردهای جامع‌تری برای مواجهه با اعتراضات محتمل‌الوقوع است. اصول این راهبرد باید مبتنی بر قانونمندی، رعایت حقوق مخالفان، ایجاد فضا و بستر مناسب و تقویت گروه‌های واسطه و مدنی و مجامع صنفی و حرفه‌ای به‌عنوان مراکز شناسنامه‌دار و همچنین استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های مختلف مدنی و فرهنگی و سیاسی برای مدیریت و کاهش آسیب‌های این اعتراضات و کم‌هزینه‌سازی آنها برای کشور باشد.

### برخی راهکارها برای کاهش و مدیریت اعتراضات

دکتر فوزی در خاتمه درخصوص برخی راهکارها برای کاهش اعتراضات نیز افزود: باید تلاش کرد تا این بسترهای اعتراضی با برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت کاهش یافته که در این ارتباط تلاش برای تقویت حضور حداکثری مردم در صحنه‌های مختلف و تقویت همبستگی ملت و دولت و توجه به رضایت و پشتیبانی عامه مردم از حکومت از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند حکومت را از درون در مواجهه با چالش‌ها بیمه سازد. وی در بخش پایانی سخنان خود بر ضرورت ارتقاء کارآمدی مخصوصاً اقدامات فوری و میان‌مدت برای حل مشکلات اقتصادی و افزایش قدرت خرید و بهبود معیشت مردم که یکی از بیماری‌های زمینه‌ساز ناهنجاری‌های بخش‌های دیگر جامعه است، اشاره کرد و بهبود حکمرانی و اصلاح سازوکارها و روش‌های موجود مبتنی بر مصالح ملی و فقه‌المصلحه در اجتهاد شیعی و قانون‌مداری و حفظ حقوق شهروندی و به‌صورت ویژه آگاهی‌بخشی به نسل جدید درخصوص تحولات اخیر و توجه مراکز سیاست‌گذار برای اقدامات عملی درخصوص تقویت عناصر هویتی در بین نوجوانان و جوانان و تلاش بیشتر برای حل مشکلات سیاست خارجی مبتنی بر منافع و مصالح کشور و تدوین راهبرد مدیریت و نوع مواجهه با مخالفان و منتقدان را از جمله اقدامات مهم دیگر برای کاهش زمینه‌های این نوع اعتراضات، ذکر کرد.



### دکتر ربانی‌زاده: تدوین برنامه برای آینده‌ای بهتر ضرورت دارد



دکتر ربانی‌زاده به‌عنوان دومین سخنران این نشست، با اشاره به بحث خود مبنی بر تحلیل ساختار اقتصاد نظامی از دید تاریخی، گفت: در میراث تاریخی ما برای حکمرانی و کشورداری متونی به شکل اندرزنامه همچون قابوس‌نامه، سیرالملوک، عهد اردشیر و ... باقی مانده است که جایگاه مهمی در اندیشه سیاسی دارند. وی با اشاره به اینکه حکمرانی و حکومت کردن امری بسیار مشکل است، راهنمایی‌هایی (ابن‌مقفع دیوانسالار خلیفه عباسی) به منصور، و نامه طاهر به فرزندش عبدا... را از نمونه‌های برجسته و مهمی برشمرد که در آنها به اهمیت بهره‌گیری از عناصر کارآمد و شایسته در امر زمامداری به‌ویژه امور مالیاتی و مالی تأکید شده است.

دکتر ربانی‌زاده با تشریح نحوه زمامداری خلفای عباسی در استفاده از نخبگان و افراد برجسته از ادیان

مختلف مانند زرتشتیان، بوداییان، یهودیان، مسیحیان، تصریح کرد: با وجود تجربه نداشتن عباسیان در امر زمامداری، آنان به این نتیجه رسیدند که در انتصاب زمامداران نمی‌توان از عصبیت بهره‌چندانی برد و حتی از فرقه‌های مختلف اسلامی همچون شیعیان، برخلاف امویان که به سرکوب شیعیان پرداخته بودند، در امور سیاسی بهره‌گرفتند. بدین ترتیب وقتی منصور، خلیفه عباسی، با اوضاع اقتصادی نابسامان روبه‌رو شد از ابن‌مقفع راهنمایی خواست. ابن‌مقفع به منظور بهبود شرایط گفت: در زمینه مسائل اقتصادی و به‌ویژه امور مالیاتی هیچ بخشنامه و نظامی در کشور حاکم نیست و کارگزاران هر کدام هر مقدار که بخواهند از مردم مالیات می‌گیرند و ملاک رفتار آنان با مردم مشخص نیست بر چه اساسی است. ابن‌مقفع دستورالعمل‌هایی برای چگونگی استفاده از افراد به منظور اخذ خراج تدوین کرد که مهم‌ترین نکته آن عدم به‌کارگیری نظامیان در اخذ خراج بود. این موضوع از چند جنبه اهمیت داشت چراکه از یک جهت به نظر ابن‌مقفع و از گذشته این باور وجود داشت که اگر افراد نظامی والی و مسئول اخذ خراج شوند، تباه می‌شوند، زیرا فرد نظامی با دشمن جنگیده و رحم ندارد و مواجهه او با مردم به منظور اخذ خراج باعث به‌کارگیری عنصر خشونت در رابطه با مردمی که ناتوان از پرداخت مالیات هستند شده و به این سبب موجب نارضایتی مردم می‌شوند. البته از جهت دیگر نیز عدم به‌کارگیری نیروی نظامی در مباحث مالی اهمیت داشت و آن این بود که جمع قدرت و ثروت علاوه بر اینکه باعث فساد می‌شود، می‌تواند منجر به طغیان و سرکشی نیز بشود.

این پژوهشگر حوزه تاریخ با برشمردن مواردی مشابه همچون وصیت شاهپور به فرزندش یا وصیت طاهر به فرزندش در منع به‌کارگیری فرماندهان نظامی در امور مالیاتی، به نقل قولی از مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری ایشان، در شورای عالی انقلاب فرهنگی از کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک اشاره کرد که در آن خواجه توصیه‌ای به شاه زمان خودش می‌کند و می‌گوید: «زنهار! مردی را دو کار مفرمایی؛ مردی و کاری!»  
دکتر ربانی‌زاده تأکید کرد: می‌توان چنین تفسیر کرد که منظور خواجه شایسته‌سالاری بوده و در اینجا منظور خواجه این است که شخص نظامی را نباید به امور مالیاتی منصوب کرد. وی با برشمردن برخی نمونه‌های تاریخی در به‌کارگرفتن افراد نظامی در امور مالیاتی همچون مغولان، سلجوقیان و ... که در نهایت باعث سقوط و تباهی حکومت‌هایشان شد، افزود: لازم است حکمرانی به سمت کارآمدی پیش برود و با اصلاح ساختارها در جهت رفع نقاط ضعف و کاستی‌ها گام بردارد. در شرایطی که مردم به نوعی احساس اجحاف و ظلم می‌کنند، ضرورت دارد سخن مخالفان و معترضان شنیده شود. البته باید میان معترضانی که دلشان برای کشور می‌سوزد با گروهک و جماعتی که به دنبال به‌خشونت کشیدن و تجزیه کشور هستند تمایز قائل شد و حساب آنها جداست.

وی یادآور شد: توجه به نقد مخالفان و استماع سخن آنان سیره ائمه معصوم علیهم السلام و بزرگان ماست چنان‌که منش و مشی امام علی(ع) در زمامداری چنین بوده است و ما می‌توانیم با تمسک به آموزه‌های آنان، الگویی شایسته و مناسب در زمامداری خود در پیش گیریم. توجه به سخن مخالفان از چند جهت اهمیت دارد: از جهتی شاید آنها درست می‌گویند و با بررسی و ارزیابی‌ها مختلف می‌توان نظر آنان را به شرط صحت پذیرفت و همچنین شنیدن نظرات و دیدگاه‌های مخالفان در کاهش تنش‌ها و چالش‌های اجتماعی نقش محوری و اساسی دارد. وی در پایان تأکید کرد: اگر فرض کنیم امروز اعتراضات تمام شود، باید دید چه برنامه‌ای و راهبردی برای بهبود وضعیت در آینده داریم و ضرورت دارد از امروز ضمن برنامه‌ریزی دقیق و شایسته، نقشه راهی تهیه و نسبت به رفع کاستی‌ها و نقائص موجود اقدام کرد تا منجر به کاهش تنش‌ها در آینده شود.

### دکتر طاهرخانی: پرسش‌هایی پیرامون اعتراضات منجر به اغتشاش



دکتر فاطمه طاهرخانی، استادیار علوم سیاسی و مدیر گروه پژوهشی اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی، به‌عنوان سخنران سوم این نشست گفت: طی یک‌ماه گذشته با اعتراضات عمومی منجر به اغتشاش مواجه شدیم. شاید به دلیل اینکه در حال زیست درون این واقعه هستیم و به‌نوعی این رخداد را زندگی می‌کنیم، امکان تحلیل دقیق و همه‌جانبه آن برای ما فراهم نباشد و در مقطع کنونی تنها بتوانیم پرسش‌هایی را پیرامون چرایی و چگونگی وقوع آن طرح کنیم. همچنین می‌توانیم درباره تحلیل‌هایی که از این اعتراضات ارائه شده، بیندیشیم و آنها را نقد کنیم. به‌عنوان پژوهشگران علوم انسانی می‌توانیم از مناظر گوناگونی و در نتیجه رهیافت‌های متنوع به این اعتراضات بنگریم و بر مبنای مشاهداتمان، پرسش‌هایی را مطرح و این پرسش‌ها را بر مبنای مفروضاتی از پیش موجود، تدقیق کنیم.

سخنانش شامل چهار بخش است؛ طرح مفروضات، طرح پرسش‌ها، رد دو فرضیه و پیشنهاد یک مفهوم. اعتراضاتی که طی یک ماه اخیر به سرعت تبدیل به آشوب شد و خشونت‌گفتاری و فیزیکی وجه بارز آن گشته از منظر اقتصاد سیاسی، تاریخ سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و نشانه‌شناسی الهیات شیعی قابل بحث است. از منظر تاریخ سیاسی، بعد از انقلاب مشروطه و ورود ایران به عصر مدرنیته، طی بازه‌های زمانی ۱۰ الی ۱۵ ساله شکاف در مناسبات دولت و ملت به شکل بروز شورش، کودتا، انقلاب و... به چشم می‌خورد که بعد از انقلاب، نظام انتخابات تاحدودی این شکاف را جبران نمود و طی بازه‌های زمانی ۸ ساله، تغییر گفتمانی در میدان سیاست منجر به کاهش این شکاف شد. طی دهه ۹۰ این وضعیت تغییر یافت و ما از آبان ۹۶ در فواصل دوساله شاهد اوج‌گیری خشونت اجتماعی هستیم. به‌نظر می‌رسد می‌بایست فراز و فرودهای مناسبات دولت و ملت را طی دهه ۹۰ بررسی کنیم.

از منظر نشانه‌شناسی، توجه به نشانه «خون» در ادبیات سیاسی تشیع می‌تواند زمینه تحلیلی مناسبی برای اعتراضات اخیر فراهم آورد. اصولاً نشانه خون به لحاظ تاریخی بار معنایی وسیعی را با خود حمل می‌کند و به گستردگی

تاریخ سیاسی شیعه، بروز و ظهور داشته است و از زمان قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام، زنجیره‌ای از مفاهیم مانند جهاد، شهادت، عاشورا و... را معنا بخشیده. ریختن خون نشانه ظلم بوده و مرز بین حق و باطل را شفاف کرده و اساس سیاست‌ورزی تشیع را شکل داده است، لذا این رویکرد به ما این امکان را می‌دهد که وضعیت کنونی را بر مبنای یک تحلیل بومی توضیح دهیم و نیازمند تکیه بر روایت‌ها و تفاسیر غیر نباشیم.

از منظر اندیشه سیاسی، می‌توانیم به روند سکولاریزاسیون طی یک سده اخیر اشاره کنیم. با لحاظ تمایز بین عرفی‌گرایی/عرفی‌سازی به‌نظر می‌رسد سکولاریزه کردن جامعه ایران به‌عنوان بخش مهمی از سیاست فرهنگی دوره پهلوی نمود داشته است. بعد از انقلاب در دهه ۷۰ شمسی، خواسته و ناخواسته دولت‌های سازندگی و اصلاحات با اجرای سیاست‌هایی نظیر تعدیل ساختاری و تئوری شکاف جمهوریت اسلامیت این فرایند را احیا کردند. در دهه ۹۰ شمسی وجوه فرهنگی عرفی شدن غالباً از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و مجازی به جامعه ایرانی راه یافت. می‌توان بخشی از اعتراضات را در این قالب تحلیل نمود.

از منظر فلسفه سیاسی، می‌توان مبناء را هنگامه وقوع انقلاب اسلامی قرار داد. انقلاب بر محملی از ایده‌های اصیل چون عدالت، آزادی و استقلال مبتنا یافت.

به نسبت قرن‌ها زیستن در فرهنگ استبدادی، ۴۰ سال زمان کوتاهی برای عینیت‌یابی همه این ایده‌های اصیل و سترگ است، شبیه به یک‌روز از عمر یه نوزاد در برابر درازای عمر انسانی ۸۰ ساله. اما در همین چهار دهه نیز نظریه‌ورزی و تلاش برای تولید نظریه‌های میان برد برای تحقق آن ایده‌های کلان خیلی گسترده نیست.

می‌توان از منظر جامعه‌شناسی رسانه‌های جمعی نیز نوع مواجهه شبکه رسانه‌های غربی، عبری، عربی با جمهوری اسلامی و تضعیف چهار مؤلفه به هم پیوسته ایران، اسلام، انقلاب و تشیع را مورد مذاقه قرار داد.

حال با توجه به مجموعه این مفروضات برخاسته از عینیات، می‌توان چند پرسش را مطرح کرد؛

- در دهه ۹۰ شمسی چه اتفاقی برای ساخت دولت افتاد که عملاً شاهد ضعف نظام حکمرانی و در شرایطی بی‌دولتی بودیم؟ و اینکه این ضعف منجر به محدودیت دولت در اعمال منع و کنترل خشونت شد.

- دلیل این سطح خشونت سکولارهای ایرانی چیست؟ ریشه در ذات مدرنیته دارد یا ناشی از شورش احساسات و گرایش بر عقلانیت است؟

- چگونه طی سه دهه اخیر ارزش‌های مورد وثوق طبقه برخوردار جامعه ایرانی به اقشار کمتر برخوردار تسری یافته؟ این مسئله ریشه در کدام یک از سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی اعمال شده دارد؟

- نظام تولید معنا دچار چه کژکارکردی‌هایی است که توان اقناع عامه مردم را از دست داده؟ ناکارآمدی دولت دلیل آن است یا ضعف نظام استدلال‌آوری؟

- چگونه اعتراضات اجتماعی و خواست‌های مردمی در اثر دخالت قدرت‌های استعماری و نیروهای سیاسی وابسته به آنها، امکان اصلاح را از بین می‌برد؟

در سطحی دیگر می‌بایست به دو فرضیه‌ای که طی این مدت طرح شد، توجه داشته باشیم و آنها را نقد کنیم. فرضیه اول در مورد این بود که اعتراضات اخیر، انقلاب است که می‌توان این فرضیه را با تکیه بر تعریف «آرنت» از مفهوم انقلاب و تأکید وی بر دو ویژگی بدیع بودن و غیر قابل پیش‌بینی بودن انقلاب‌ها رد کرد. چه این‌که در اعتراضات اخیر طراحی و اعمال فشار بیگانگان از طریق شبکه‌های اجتماعی، نظام تحریم، کشته‌سازی و... بدیهی است. فرضیه دیگر، اعتراضات را انقلابی فمینیستی می‌داند حال آنکه بخش مهمی از معترضین با دلایلی غیر از مسئله زنان در اعتراضات شرکت کرده و خواست‌هایی با ریشه‌های اقتصادی، قومی و... دارند. درنهایت می‌توان با تکیه بر مفهوم «جامعه‌شناسی سیاسی نفوذ» بسیاری از کنش‌های پارادوکسیکال موجود در سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مورد تحلیل قرار داد.

دکتر معتمدی: محدودیت‌ها مهم‌ترین عامل شکل دهنده اعتراضات است



دکتر بشیر معتمدی، چهارمین سخنران این نشست، با تشریح نسبت میان مدرنیته و سنت و رویکردهای شکل گرفته در مواجهه با ورود مدرنیته به ایران و شکل‌گیری مشروطه، گفت: در مواجهه میان مدرنیته و سنت، یک رویکرد، رویکرد تجددگرایانه بود که معتقد بود باید همه سنت را کنار گذاشت و از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد. رویکرد دوم را می‌توان رویکرد متعجربانه نامید که براساس آن ضرورت داشت سنت را با همه ابعاد و جوانبش حفظ کرد و با تجدد به هر شکلی، حتی تکنولوژی، مخالف بود. وی از نمایندگان این رویکرد را شیخ فضل‌ا... نوری دانست که حتی آزادی بیان یا تدریس دروسی مثل فیزیک و ... را در جهت تضعیف عقاید دینی تلقی می‌کرد. براساس رویکرد سوم که می‌توان رویکرد تقلیل‌گرایانه نامید، اصل مدرنیته است و سنت تاحدودی حفظ شده و اعتقادات دینی به رابطه‌ای فردی با خدا کاسته می‌شود. بسیاری از روشنفکران و بخشی از روحانیت به دلیل نیاز به مدرنیته و محصولات آن به این نگاه تمایل یافتند. اما رویکرد چهارم رویکرد احیاگرانه است که معتقد است از یک طرف باید آموزه‌های غلط و خرافی از دین زدوده شود و دین اصیل شناخته شود و از طرف دیگر با مدرنیته نیز مخالف نیست و به دنبال استفاده از وجوه سیاسی و فرهنگی و .. مدرنیته است. دکتر معتمدی

امام خمینی (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی و ... را از نمایندگان این رویکرد برشمرد. این پژوهشگر علوم ارتباطات در تشریح وضعیت و آرمان‌های وقوع انقلاب اسلامی تأکید کرد: در واقع انقلاب اسلامی با رویکرد چهارم بود که به پیروزی رسید و از آنجا که از این نگاه در اسلام، حق رأی، آزادی بیان، جمهوریت و ... محوریت داشت، مردم به آن تمایل پیدا کرده و با پیروی از اسلام دست به انقلاب زدند. در واقع مردم به این نتیجه رسیدند که در اسلام و در انقلاب ایران آرمان‌ها و ایده‌های مدنظرشان که در حکومت شاهنشاهی وجود نداشت، وجود دارد و به همین جهت به انقلاب تمایل پیدا کردند. اما پس از انقلاب شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد و رویکرد متعجربانه در سیاست کشور حاکم شد. وی از جمله دلایل این امر را محدودیت‌هایی دانست که به دلایل مختلف از جمله ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب، جنگ تحمیلی، و ... پدید آمد.

دکتر معتمدی در تحلیل و ریشه‌یابی علل داخلی وقایع اخیر کشور گفت: انتظار می‌رفت به مرور زمان از محدودیت‌های مختلفی که در کشور ایجاد شده بود، کاسته شود ولی چنین نشد. وی با اشاره به مشیء امام خمینی (ره) در مواجهه با مسائل و محدودیت‌های مختلف، بازی شطرنج و موافقت امام با برگزاری مسابقات آن را، به رغم مخالفت‌های صورت گرفته با آن، از نمونه‌هایی دانست که در جهت رفع محدودیت‌ها بود. وی نمونه دیگر را انتخاب یک زن در ارسال نامه امام به یکی از ابرقدرت‌های دنیا برشمرد.

دکتر معتمدی تأکید کرد: با افراطی که در نگرش‌های سیاسی و فرهنگی شکل گرفت، محدودیت‌های اجتماعی در جامعه بیشتر شد که از جمله نمونه‌های آن ممنوعیت برگزاری کنسرت‌ها و ... بود. این محدودیت‌ها در مورد زنان بیشتر بود، مانند ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها یا حجاب اجباری و ... وی متذکر شد: افزایش این محدودیت‌ها در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه‌های فرهنگی، از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده وقایع اخیر و علل پدید آمدن این اعتراضات است.

میثایی: ضرورت دارد مسئولین به نتایج پژوهش‌های انجام شده در مراکز تحقیقاتی توجه کنند



محمدعلی میثایی، به‌عنوان پنجمین و آخرین سخنران این نشست، با اشاره به رخداد‌های شهریور و مهرماه گفت: رویکرد بنده، رویکرد واکاوی واقع‌گرایانه، عینی، پژوهشی و علمی به زمینه‌ها و روندهای پدیدار شدن این بحران است. وی افزود: در بحث مدیریت بحران نظریه‌ای به نام اثر پروانه‌ای مطرح شده است که بنا بر آن اگر مثلاً در خلیج مکزیک یک پروانه‌ای بال بزند، تأثیرش در اقیانوس هند می‌تواند ایجاد طوفان باشد. آقای میثایی وقایع پس از درگذشت مهسا امینی را نمونه‌ای از این نظریه دانست و گفت: در جامعه التهابات با دلایل و زمینه‌های متعددی همچون کاستی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... وجود داشت که این حادثه، جرقه‌ای بود که باعث شعله‌ور شدن آنها شد.

این پژوهشگر حوزه امنیت اجتماعی با ضروری برشمردن داشتن رویکرد انتقادی و صریح‌تر نسبت به مسائل مختلف به‌ویژه مباحث اجتماعی و فرهنگی، گفت: باید شرایط را به گونه‌ای که هست بررسی کنیم و دچار افراط و تفریط نشویم. افراط و تفریط هر دو مضر و مخل فهم درست یک مسئله هستند. موضوع حجاب و گشت ارشاد از سال ۷۵ وارد نظام قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور شد و در مجلس قانونی به تصویب رسید که مطابق ماده ۶۳۸ و تبصره آن عدم رعایت حجاب، جرم تلقی می‌شود. این مصوبه با ابهام‌ها و نکات مختلفی همراه بود که از جمله آنها می‌توان به عدم توجه به نیت سوء در عمل مجرمانه اشاره کرد که در مورد حجاب شاید بتوان گفت وجود ندارد. تداوم مصوبه و تصویب مصوبات کلی‌تر در شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه حجاب، به‌ویژه در مورد تعیین ارگان و مرکز مجری و مسئول اجرای قوانین مصوب شده درباره آن، بر ابهام‌های این مسئله افزود و ابعاد و زوایای مختلف اینکه آیا باید حجاب اجتماعی شود یا اینکه چه دستگاهی و چگونه به این جرم رسیدگی کند، مورد بررسی دقیق‌تری قرار نگرفت.

وی در ادامه سخنرانی خود با اشاره به عدم تصویب طرحی دیگر در مورد حجاب در سال ۹۳، اظهار داشت: طرحی در سال ۹۳ در مجلس مورد بررسی قرار گرفت که به تصویب نرسید اما بند ۶ آن به اجرا درآمد که شکل‌گیری گشت ارشاد در نیروی انتظامی نتیجه آن بود. اگرچه در قوانین پیشین مصوب شده در کشور مراکز و نهادهای مختلفی مسئول اجرای آن بودند اما با وجود اینکه این طرح به تصویب نرسید، نیروی انتظامی تحت فشارهای مختلف در مسیر اجرایی ساختن آن قرار گرفت و مجری این قانون شد در حالی که نیروی انتظامی به‌عنوان نیرویی که مسئولیت و مأموریت آن مقابله و برخورد با مجرمان و تأمین امنیت است و در نهایت بحرانی که شاهد آن هستیم، در کشور پدید آمد.

میثایی در پایان سخنان خود، تنها عامل وضعیت موجود را ناکارآمدی در بخش‌های مختلف از جمله کاستی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور را از جمله عوامل شکل‌دهنده اعتراضات اخیر برشمرد و گفت: با وجود پژوهش‌های صورت گرفته مختلف در مورد بحران‌های امنیتی مختلف کشور در سال‌های پیشین توسط گروه امنیت اجتماعی پژوهشگاه و ارسال آنها به نهادها و مراجع ذی‌ربط به‌ویژه مراجع سیاسی و امنیتی، متأسفانه توجهی به نتایج این پژوهش‌ها نشده است. بسیاری از اتفاقات رخ داده در بحران‌ها و اعتراضات گذشته در اعتراضات و اغتشاشات اخیر نیز تکرار شده است. وی با انتقاد از عدم توجه مسئولین به نتایج پژوهش‌ها، بر ضرورت طرح ملموس‌تر و عرفی‌تر تحقیقات جهت بهره‌برداری عموم مسئولین و مردم نیز تأکید کرد و افزود: مهم است که مسائل و موضوعات از سوی پژوهشگران و اندیشمندان به‌شکلی قابل فهم‌تر برای مخاطبان به‌ویژه نهادها و مردم بیان شود تا ضمن حفظ سطح علمی، مورد استفاده عموم قرار گرفته و راهکارها و نتایج مطرح شده در آنها نیز قابل بهره‌برداری باشد. در بخش پایانی این نشست پژوهشگران و دانشجویان حاضر به طرح دیدگاه‌های خود ناظر به مطالب ارائه شده از سوی سخنرانان و موضوع نشست، پرداختند.

## ششمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی

ششمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی، ۲۸ مهر ماه از سوی انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پایگاه استنادی جهان اسلام با حضور علاقه‌مندان به صورت حضوری و غیرحضوری در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سخنرانی‌های این همایش در چهار نشست صبح و عصر ارائه شد و مقالات ارائه شده حوزه‌های مختلفی چون ترجمه ماشینی به‌خصوص ترجمه گویش به فارسی معیار، ارائه مدلی برای تخمین کیفیت ترجمه ماشینی، نویسه‌گردانی، معناشناسی و شبکه معنایی و بررسی گفتار را پوشش دادند.

دبیران علمی همایش، دکتر مسعود قیومی و دکتر علی رضاقلی‌فامیان و دبیران اجرایی بیتا قوچانی و آزاده شکری بودند. نخست دبیران علمی همایش ضمن خوشامدگویی به حاضران با اشاره به اینکه زبان‌شناسی رایانشی امروزه در جامعه علمی ایران حوزه‌ای تخصصی شده که علاقه‌مندان بسیاری دارد، گزارشی از مقاله‌های رسیده به همایش ارائه دادند. به گفته دبیران علمی همایش، ۱۴ مقاله به دبیرخانه همایش ارسال شد که ۸ مورد برای ارائه و چاپ انتخاب شد.

### ترجمه ماشینی زبان لری و گویش یزدی به فارسی معیار و منابع زبانی رایانشی مرتبط

اولین سخنرانی از دانشگاه صنعتی شریف با عنوان: «ترجمه ماشینی زبان لری و گویش یزدی به فارسی معیار و منابع زبانی رایانشی مرتبط» ارائه شد. به نظر نویسندگان نبود یک مجموعه داده زبانی استاندارد و دیجیتال چالشی بزرگ و مهم در کارهای رایانشی محسوب می‌شود؛ از اینرو آنان در این پژوهش برای اولین بار از دو مجموعه داده تک‌زبان و موازی بر روی زبان لری و گویش یزدی در مقابل زبان فارسی معیار استفاده کردند. برای ارزیابی داده‌ها نیز از مدل ترجمه ماشینی با معیار BLUE استفاده شد. در پایان نویسندگان یادآور شدند برای دست یافتن به نتایج مطلوب‌تر لازم است دادگان را گسترش و پژوهش‌های بیشتری انجام داد.

ارائه یک مدل تخمین کیفیت مترجم ماشینی انگلیسی به فارسی با استفاده از یادگیری انتقالی عنوان سخنرانی دوم از دانشگاه تهران بود. به گفته این سخنران امروزه، ترجمه ماشینی کاربرد وسیعی پیدا کرده است. از اینرو ارزیابی کیفیت ترجمه ماشینی بدون داشتن ترجمه مرجع، از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از چالش‌های موجود در این زمینه، مخصوصاً برای زبان‌های کم‌منبع، عدم وجود داده‌های آموزشی مناسب است.



برای این منظور می‌توان از روش‌های مبتنی بر شبکه عصبی که قبلاً روی مدل‌های زبانی چند زبانه آموزش دیده شده استفاده کرد و با کمک یادگیری انتقالی کیفیت ترجمه برای یک جفت زبان جدید را تخمین زد. براساس نتایج تحقیق نگارندگان می‌توان گفت که دادگان آموزشی تهیه‌شده از کیفیت مناسبی برای بهبود مدل تخمین کیفیت ترجمه برخوردار بوده و می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

سومین سخنران دانشگاه تهران پژوهش خود را با عنوان Dialogue Management in Persian Chatbots using Rasa داد. او ابتدا به معرفی سامانه گفت‌وگو پرداخت که توانایی مکالمه به زبان انسان را داراست و طی سال‌های اخیر کاربردهای مختلفی پیدا کرده است و در بخش‌های مهمی چون مؤسسات آموزشی، مراکز بهداشتی و ... به کار می‌رود. سخنران در ادامه توضیح داد که اندازه‌گیری میزان موفقیت این سامانه براساس شباهت به عملکرد انسان در زبان فارسی در مقایسه با کارهای مشابهی که روی سایر زبان‌ها انجام شده است قابل قبول بوده است، اما نیاز به جمع‌آوری داده‌های بیشتر و دقیق در حوزه‌های خاص همچنان احساس می‌شود.

### مقاله دوم نشست دوم

مقاله دوم نشست دوم، نیز پژوهش دیگری از دانشگاه تهران با عنوان: On the use of BERT for Intent classification and slot filling for customer support dialogue system in the Persian language. هدف نگارندگان بررسی توسعه واحد درک زبان طبیعی در سامانه گفت‌وگو فارسی با استفاده از برنامه BERT بود. نگارنده به طبقه‌بندی سامانه گفت‌وگو به دو دسته وظیفه‌محور و غیر وظیفه‌محور (که از آن به‌عنوان چت‌بات یاد می‌شود) اشاره کرد و افزود هدف چت‌بات ایجاد گفت‌وگو و ارائه پاسخ مناسب است. بنابراین درک زبان طبیعی برای دستیابی به این هدف از اهمیت بالایی برخوردار است. «پر کردن شکاف» و «تشخیص قصد» دو بخش مهم در درک زبان طبیعی و سامانه‌های گفت‌وگو هستند. این پژوهش نشان داد تشخیص قصد و پر کردن شکاف در انگاره پیشنهادی نگارندگان در مقایسه با انگاره‌های سنتی از دقت بالایی برخوردار است. در سخنرانی‌های نوبت بعد از ظهر، نخست از دانشگاه صنعتی شریف مقاله‌ای با عنوان «نویسه‌گردانی میان تاجیکی و فارسی به کمک یادگیری عمیق» ارائه شد. سخنران با اشاره به این که مهم‌ترین تفاوت فارسی ایرانی با فارسی تاجیکی در سیستم نوشتار است که موجب ایجاد گسست فرهنگی بزرگی میان دو ملت شده است، هدف از نگارش این مقاله را ساخت سامانه‌ای برای تبدیل این دو نوشتار عنوان کرد. به گفته او در این خصوص طی سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما نتیجه کار با خطاهای قابل توجهی همراه بوده است. در این پژوهش از روش‌های مبتنی بر یادگیری عمیق بهره گرفته شده است تا سامانه‌ای دقیق برای نویسه‌گردانی بین این دو زبان ایجاد شود.

انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

پیشگامان مطالعات زبانی

مجلس تخصصی زبان

ISC

## روانشناسی

### ششمین همایش ملی زبان‌شناسی

<b>تاریخ برگزاری:</b> ۲۸ مهر ۱۴۰۱	<b>موضوعات همایش:</b> پردازش واژه ماشین ترجمه پردازش گفتار تجزیه نحوی خودکار سامانه پرسش و پاسخ استانداردسازی داده زبانی تهیه پیکره‌های دو یا چندزبانه برچسب‌دهی نقش معنایی
<b>مهلت ارسال مقالات:</b> ۳۱ خرداد ۱۴۰۱	یافتن خودکار ارجاع ضمیر برچسب‌دهی مقوله دستوری تهیه شبکه‌های معنایی واژگان تشخیص موجودیت‌های نامدار استخراج اطلاعات از داده زبانی موتورهای جستجو و بازیابی اطلاعات پردازش ساخت اطلاعاتی در جمله و متن
<b>دبیران علمی:</b> دکتر مسعود قیومی دکتر علی رضاقلی فامیان	
<b>دبیر اجرایی:</b> ازاده شکری	

لطفاً مقالات به رایانامه [hamayesh@isi.ir](mailto:hamayesh@isi.ir) ارسال شود.

خواهشمند است برای نگارش مقاله از شیوه‌نامه انجمن زبان‌شناسی ایران که از طریق آدرس [www.isi.ir](http://www.isi.ir) در دسترس است استفاده گردد.

### پردازش بدون مرز آذری: نویسه‌گردانی خودکار آذری با استفاده از یادگیری عمیق

سخنران دوم این نشست از دانشگاه شریف مقاله خود را که به‌صورت مشترک به نگارش درآمده بود با عنوان «پردازش بدون مرز آذری: نویسه‌گردانی خودکار آذری با استفاده از یادگیری عمیق» ارائه داد. وی با اشاره به پیشرفت مدل‌های زبانی و تحولات چشم‌گیری که در زمینه تکنولوژی‌های درک زبان‌های طبیعی رخ داده است، یادآور شد این تکنولوژی‌ها تنها برای تعداد محدودی از زبان‌ها که از نظر منابع دیجیتال غنی هستند، شکل گرفته است. در این میان زبان ترکی جزو زبان‌هایی با منابع کم محسوب می‌شود. هدف از این پژوهش جمع‌آوری و پیش‌پردازش داده‌های آذری با خطوط پارسی و خط لاتین است، مدل نویسه‌گردانی با استفاده از روش یادگیری عمیق رشته به رشته آموزش داده شد. نگارندگان با کمک این مدل به تولید منابع زبان ترکی با خط فارسی از روی خط لاتین و بالعکس پرداختند. نتایج پژوهش با توجه به منابع محدود بسیار قابل قبول بوده است.

### توصیف جانیشینی و هم‌نشینی شبکه معنایی واژه «دنیا» در نهج البلاغه

آخرین نشست با عنوان پژوهش «توصیف جانیشینی و هم‌نشینی شبکه معنایی واژه «دنیا» در نهج البلاغه با استفاده از روش N-gram» از دانشگاه جهرم بود. سخنران توضیح داد: تنوع معانی واژه‌ها در نهج البلاغه از ساده تا بسیار عمیق، باعث شد که شبکه معنایی واژه «دنیا» در محتوای عربی نهج البلاغه محور پژوهش قرار گیرد. بدین ترتیب واژه دنیا در دو محور هم‌نشینی و جانیشینی مورد بررسی قرار گرفت. از روش N-Gram نیز برای احتمال وقوع واژه‌ها در محور هم‌نشینی استفاده شد. در کل ۹۴ مورد استخراج شد که ۲۹ مورد روی محور جانیشینی و ۶۵ مورد نیز در محور هم‌نشینی قرار گرفت. هم‌نشینی‌ها در روش N-Gram در سه زیر مجموعه؛ سه پشته و چهار پشته و پنج پشته مورد بررسی قرار گرفت.

### بازشناسی جنسیت گوینده گفتار بر پایه ضرایب کپسترال فرکانس مل با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی

عنوان سخنرانی ششم و پایانی این همایش، «بازشناسی جنسیت گوینده گفتار بر پایه ضرایب کپسترال فرکانس مل با استفاده از شبکه‌ی عصبی مصنوعی» از پژوهشگاه مطالعات علوم شناختی بود. به گفته سخنران، گفتار به‌عنوان مهم‌ترین روش ارتباطی حاوی اطلاعات فراوانی همچون سن، حالت هیجانی و جنسیت گوینده گفتار است. هدف نگارنده در این پژوهش بازشناسی جنسیت گوینده گفتار است. وی در ادامه افزود: این پژوهش از نمونه‌های گفتاری موجود در پایگاه داده گفتاری برلین به‌عنوان داده خام استفاده کرده است. سپس ۱۳ ضریب نخست ضرایب کپسترال فرکانس مل برای هر نمونه محاسبه شد. در گام بعد، براساس هفت مقدار آماری شامل کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف معیار، میانه، چولگی و کشیدگی که برای هر یک از این ۱۳ ضریب محاسبه شده است، بردار ویژگی برای هر نمونه گفتاری شکل گرفته است. این بردارها به‌عنوان ورودی به دسته‌بندی‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرند. این پژوهش از یک شبکه عصبی مصنوعی پیش‌خور با یک لایه پنهان برای بازشناسی جنسیت گوینده گفتار استفاده کرد. در ادامه با تغییر در تعداد نورون‌های لایه پنهان، جنسیت گوینده گفتار بازشناسی و دسته‌بندی شد. پیاده‌سازی این دسته‌بندی‌کننده در نرم‌افزار Matlab R2021b انجام گرفت. نتایج بدست آمده از بازشناسی‌ها با تعداد نورون‌های مختلف در لایه پنهان، جنسیت گوینده گفتار را با نرخ صحت بالا بازشناسی و دسته‌بندی کرد. براساس نتایج حاصل شبکه‌های عصبی مصنوعی، روش کارآمدی برای بازشناسی جنسیت گوینده گفتار هستند. ششمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی با سخنرانی اختتامیه دبیران علمی پایان یافت.



در بیست و دومین جلسه شورای پژوهشی صورت گرفت:

## تصویب آئین‌نامه پیشنهادی ارتقای مرتبه و شیوه‌نامه ترفیع اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

بیست و دومین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه، دوم آبان‌ماه، در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا تشکیل شد. در این جلسه ضمن تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی و گروهی پیشنهادی اعضای هیأت علمی، مفاد و بندهای پیش‌نویس‌های پیشنهادی آئین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی و شیوه‌نامه اجرایی اعطای پایه ترفیع سالیانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، پس از بحث و تبادل نظر اعضاء به تصویب شورا رسید.

### تأکید بر سیاست بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اعضای داخلی پژوهشگاه

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، ضمن سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلّٰ علیّه و آله و سلّم و اهل بیت علیهم السّلام و خوشامدگویی به اعضای شورا، گفت: نزدیک به یک سال از دوره مسئولیت ریاست پژوهشگاه توسط بنده گذشته است و در این مدت تلاش کرده‌ام تا پژوهشگاه با شرایط و نگاهی جدید مدیریت شود. با توجه به سیاست مدیریتی جدید، که مبتنی بر نگاه به داخل و استفاده از ظرفیت‌ها، امکانات و اعضای پژوهشگاه برای انتخاب و تصدی مدیریت‌های مختلف پژوهشگاه بوده است، طبیعی بود که جایجایی‌هایی در مدیریت‌های ستادی، علمی و اجرایی پژوهشگاه اعم از معاونان، مدیران و رؤسای پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف صورت پذیرد. دکتر نجفی با قدردانی از همکاری و همدلی اعضای پژوهشگاه در یاری رساندن به ریاست پژوهشگاه و پذیرش مسئولیت‌ها، متذکر شد: با وجود امکانات محدود داخلی و سهولت بهره‌گیری از نیروهای بیرونی برای تصدی پست‌ها از اعضای خارج از پژوهشگاه، تلاش شد تا این سیاست به صورت حداکثری اجرا شود. وی اظهار امیدواری کرد: با توجه به تغییرات صورت گرفته از جمله بازطراحی شیوه‌نامه پژوهشی و تصویب آن، برنامه‌ها و فرایندهای مختلف علمی، اداری و اجرایی در پژوهشگاه با سرعت و سهولت بیشتری صورت پذیرد.

رئیس پژوهشگاه همچنین با اشاره به بودجه انقباضی دستگاه‌ها و نهادهای مختلف با توجه به شرایط کشور و تشریح وضعیت بودجه پژوهشگاه در طول یک‌سال گذشته، با اشاره به مهم‌ترین محورهای مسائل مرتبط با وضعیت مالی پژوهشگاه در این مدت، گفت: مدیریت پژوهشگاه تلاش کرد تا با برنامه‌ریزی مناسب علاوه بر تأمین منابع مالی هزینه‌های جاری پژوهشگاه همچون حقوق اعضای هیأت علمی و کارکنان پژوهشگاه، نوسازی و تجهیز فیزیکی ساختمان‌های پژوهشگاه، تجهیز امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز پژوهش‌های پژوهشگران و دانشجویان و ...، نسبت به تأمین و پرداخت بخشی از بدهی‌های سالیان گذشته پژوهشگاه نیز اقدام کند که در این ارتباط بدهی‌های مرتبط با حق‌التدریس‌ها و حق‌الزحمه راهنمایی و مشاوره رساله‌ها تا پایان سال ۱۴۰۰ پرداخت شد.



وی با اشاره به اقدامات صورت گرفته در حوزه نشر آثار و پژوهش‌های اعضای هیأت علمی متذکر شد: کوشش شده است تا با پرداخت هزینه‌های مختلف انتشار کتاب‌ها، علاوه بر تسریع در انجام فرایندهای مرتبط با آماده‌سازی کتاب‌ها، آثار و پژوهش‌های اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به شکلی منظم منتشر شود. بر این اساس با توجه به انجام فرایندهای مختلف مربوط به انتشار ۴۵ کتاب در مدیریت نشر و ویرایش، در هفته‌های آتی ضمن اطلاع‌رسانی عناوین آثار منتشر شده، شاهد انتشار و توزیع این کتاب‌ها به شکلی مناسب و درخور شأن نام پژوهشگاه خواهیم بود.

دکتر نجفی در ادامه سخنان خود با اشاره به درخواست ادامه فعالیت و تداوم همکاری با کارکنانی که زمان بازنشستگی آنان فرارسیده است، گفت: با توجه به محدودیت‌ها و وضعیت بودجه پژوهشگاه و دشواری‌های تأمین منابع مالی حقوق و مزایای اعضای پژوهشگاه از یکسو و همچنین قوانین اداری و استخدامی موجود در این زمینه، با نظر کارگروه کارشناسی مقرر شده است تا با اتخاذ رویه‌ای واحد در این زمینه، به شکلی مناسب و شایسته از زحمات و خدمات این عزیزان متناسب با شأن و جایگاه علمی و فرهنگی پژوهشگاه قدردانی شود و امید است در دوران بازنشستگی، پژوهشگاه بتواند از این سرمایه‌های خود بهره مناسب برده و از راهنمایی‌ها و تجارب آنان استفاده کند.

#### تصویب شیوه‌نامه اجرایی اعضای پایه ترفیع سالیانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در ادامه جلسه و پس از بررسی و تبادل نظر اعضای شورا، شیوه‌نامه اجرایی اعطای پایه ترفیع سالیانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به تصویب رسید. با توجه به مباحث هفته گذشته اعضای شورا، پس از تشریح نکات متمایز و اصلاحات صورت گرفته در شیوه‌نامه پیشنهادی با شیوه‌نامه پیشین توسط دکتر سیدروح... شهابی از اعضای کمیته ترفیع، اعضای شورا ضمن بررسی مفاد و بندهای مختلف شیوه‌نامه پیشنهادی، پیشنهادها و دیدگاه‌های مختلف خود را مطرح کردند.

علاوه بر پیشنهادها مطرح شده در جلسه پیشین شورا درباره امتیاز فعالیت‌های مرتبط با کسب حداقل امتیاز لازم جهت ترفیع (امتیاز بندهای وتویی)، براساس نظر مطرح شده از سوی اعضای شورا اصلاحاتی در سایر بندهای مرتبط با شرایط دریافت پایه استحقاقی مطرح شد که تعیین مدت زمان مهلت ارسال درخواست ترفیع از مهم‌ترین محورهای مورد بحث اعضا بود. انتخاب یک عضو هیأت علمی به پیشنهاد شورای پژوهشی پژوهشگاه جهت عضویت در کمیته منتخب ترفیع پژوهشگاه؛ اصلاح برخی از بندهای ماده ۳ شامل امتیازها و افزودن برخی از فعالیت‌های پژوهشی و فناورانه به جدول مرتبط با فعالیت‌هایی که مطابق با آیین‌نامه ارتقاء مرتبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شیوه‌نامه پژوهشی پژوهشگاه امتیاز به آنها تعلق خواهد گرفت و اصلاح امتیازات ماده ۵ شامل فعالیت‌هایی که هدف آنها تقویت مدیریت اجرایی پژوهشگاه است، از دیگر محورهایی بود که اعضای شورا به بحث و تبادل نظر درباره آنها پرداختند.



### تصویب برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی

در ادامه جلسه دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع الف پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه شامل پژوهشکده‌های مطالعات اجتماعی و تاریخ ایران را قرائت کرد و اعضای شورا با تصویب و تفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی موافقت کردند. همچنین با توجه به تصویب انجام طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران»، درخواست ترجمه یکی از کتاب‌های مرتبط با این طرح از سوی یکی از اعضای هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات مطرح و به تصویب رسید.

### انتخاب اعضای شورای کمیته دستگاهی کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره

در ادامه جلسه شورا براساس آیین‌نامه کمیته دستگاهی برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ابلاغی از سوی دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی، با نظر اعضای شورا دکتر محمدعلی فتح‌اللهی، رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی و حقوقی؛ دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، رئیس پژوهشکده مطالعات قرآنی؛ دکتر سیده زهرا اجاق، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، خانم مهندس زهره عطایی آشتیانی، رئیس مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا به‌عنوان اعضای کمیته دستگاهی کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره پژوهشگاه انتخاب شدند.

یادآور می‌شود مطابق بند دوم از ماده چهارم این آیین‌نامه، که به ترکیب کمیته دستگاهی برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره اشاره دارد، علاوه بر رئیس و معاون پژوهشی پژوهشگاه چهار نفر از رؤسای پژوهشکده‌ها یا گروه‌های علمی مراکز نیز از اعضای تشکیل‌دهنده این کمیته هستند.



### تصویب آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی

در بخش پایانی جلسه شورا، پیش‌نویس پیشنهادی آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی، که توسط دبیرخانه هیأت ممیزه پژوهشگاه تدوین شده است، به تصویب اعضای شورا رسید. دکتر حمیدرضا دالوند، دبیر هیأت ممیزه پژوهشگاه، با اشاره به مباحث صورت گرفته در جلسات پیشین شورا، گفت: با هدف گسترده‌تر کردن سهم پژوهش و به‌ویژه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه علوم انسانی و برجسته‌تر کردن اهمیت آن در روند توسعه و پیشرفت کشور اصلاحاتی در آیین‌نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی اعضای پژوهشگاه پیشنهاد و بر اساس آن آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی تدوین شد. وی اظهار امیدواری کرد با تصویب این آیین‌نامه در مراجع و نهادهای بالادستی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی زمینه‌های بسط و گسترش فعالیت‌های علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی فراهم شود.

سپس اعضای شورا، در ادامه مباحث جلسات پیشین، به بحث و تبادل نظر در خصوص بندهای مرتبط با بندهای ماده سه (فعالیت‌های پژوهشی علوم انسانی) آیین‌نامه پیشنهادی پرداختند. بر این اساس و با توجه به نکات و مباحث مطرح شده از سوی اعضای شورا، مقرر شد ضمن اصلاح فعالیت‌های مندرج در بند مرتبط با انجام فعالیت‌های پژوهشی نوآورانه و کاربردی مطابق با فعالیت‌های احصاء شده در شیوه‌نامه پژوهشی پژوهشگاه، امتیاز لازم به هریک از فعالیت‌ها مطابق با اهمیت آنها اختصاص یابد. در خاتمه جلسه، با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مطرح شده از سوی اعضا و اعمال اصلاحات پیشنهادی، متن نهایی آیین‌نامه به تصویب شورا رسید.



در بیست و سومین جلسه شورای پژوهشی تأکید شد:

## اهمیت بازبینی اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه و ضرورت بررسی و پژوهش در تاریخ علم ایرانی

بیست و سومین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه در دوره جدید، ۹ آبان‌ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا تشکیل شد.

در این جلسه علاوه بر تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف و ب» پیشنهادی اعضای هیأت علمی، ضمن بحث و تبادل نظر اعضاء درباره محورهای پژوهش‌های صورت گرفته اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در طول ده سال گذشته، بر تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه در ارتباط با مسائل و موضوعات روزآمد کشور تأکید شد.

لزوم برنامه‌ریزی رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز برای فراخوان جذب آبان‌ماه اعضای هیأت علمی در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، ضمن سلام و درود بر پیامبر خاتم صلّ... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم‌السلام، با اشاره به فراخوان جذب اعضای هیأت علمی در آبان ماه سال جاری و اخذ مجوز جذب از سوی پژوهشگاه، از رؤسای پژوهشکده و مراکز خواست تا ضمن ارزیابی وضعیت نیروی انسانی گروه‌ها و پژوهشکده‌ها و مراکز تحت مدیریت خود، برنامه‌ریزی لازم برای جذب عضو جدید را به دبیرخانه هیأت اجرایی جذب پژوهشگاه اعلام کنند تا فرایندهای مرتبط از طریق این دبیرخانه پیگیری و اقدام‌های لازم صورت گیرد.

**ضرورت مشارکت و حضور اعضاء با دیدگاه‌ها و سلائیق مختلف در شوراهای پژوهشکده‌ها و مراکز**  
رئیس پژوهشگاه همچنین با اعلام صدور احکام مدیران گروه‌های پژوهشی پژوهشکده‌ها و مراکز، بر لزوم تشکیل هرچه سریع‌تر شوراهای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشکده‌ها و مراکز تأکید و از رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز خواست تا اعضای هر یک از شوراهای خود را به معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی معرفی کنند تا با صدور احکام اعضاء، فرایندهای مختلف مربوط به برنامه‌های پژوهشی، آموزشی و اداری مرتبط با اعضای هیأت علمی و دانشجویان دچار اختلال و وقفه نشود.

رئیس پژوهشگاه در این زمینه با تأکید و یادآوری سیاست خود مبنی بر بهره‌گیری از مشارکت اعضاء مختلف پژوهشگاه با نگاه‌ها و سلائیق مختلف سیاسی و فرهنگی و... در مدیریت پژوهشگاه، گفت: از رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز درخواست می‌کنم تا حداقل یک نماینده از اعضای که به لحاظ نگرش‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی، فکری و فرهنگی و... متفاوت با اکثریت هستند نیز در شوراهای مختلف پژوهشکده‌ها و مراکز حضور داشته باشد تا اداره امور با مشارکت همه اعضاء صورت گیرد و تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای خرد جمعی باشد. وی ادامه داد: این روند علاوه بر افزایش همدلی و همکاری در انجام فعالیت‌های مختلف، هم‌افزایی لازم در پیشبرد اهداف و مأموریت‌های پژوهشکده‌ها و مراکز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در پژوهشگاه را ممکن می‌سازد.



### قدردانی از برگزاری سلسله نشست‌های گفت‌وگویی انتقادی و لزوم تداوم آنها

رئیس پژوهشگاه با اشاره به استقبال از برگزاری سلسله نشست‌های گفت‌وگویی انتقادی و بازتاب آن در سطح ملی، از پیگیری‌های صورت گرفته از شبکه‌های مختلف سیما برای تداوم برگزاری این نشست‌ها خبر داد و اظهار امیدواری کرد: با همکاری و مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، در ایام هفته پژوهش نیز نشست دیگری با همین موضوع و در ارتباط با تحلیل و بررسی ابعاد مختلف وقایع اخیر یا موضوع دیگری به پیشنهاد اعضای پژوهشگاه و شورای پژوهشی و ناظر بر مسائل و چالش‌های اجتماعی کشور برگزار شود. دکتر نجفی بر اهمیت برنامه‌ریزی در این زمینه تأکید کرد و گفت: توجه به مسائل مهم و موردنیاز کشور و بررسی، تحلیل و پژوهش در ابعاد و لایه‌های مختلف آنها به‌ویژه از سوی اصحاب علوم انسانی از جمله مأموریت‌هایی است که انتظار می‌رود در پژوهشگاه به آن پرداخته شود تا علاوه بر تحقق بخشی از اهداف و رسالت‌های پژوهشگاه و انتظاری که از مراکز علمی و پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی می‌رود، این مراکز و به‌ویژه پژوهشگاه بتوانند در سیاست‌گذاری‌ها و ارائه راهکارها و راهبردهای مختلف در مواجهه با مسائل و موضوعات مختلف کشور، به مسئولین یاری رسانند.

### تلاش برای نقش‌آفرینی هرچه بیشتر پژوهشگاه در سیاست‌گذاری‌های کشور

سپس دکتر مالک شجاعی جشوقانی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) و دبیر سلسله نشست‌های گفت‌وگویی انتقادی، ضمن اشاره به برگزاری دو نشست از نشست‌های مذکور در پژوهشگاه، گفت: نشست اول از سلسله نشست‌های گفت‌وگویی انتقادی با عنوان «تحلیل نظریه‌پردازانه وقایع اخیر ایران (ریشه‌ها و روایت‌ها)» ۱۲ مهرماه با حضور اعضای هیأت علمی به‌ویژه اعضای شورای پژوهشی و پژوهشگران و دانشجویان پژوهشگاه برگزار شد که در سطح جامعه علمی و کشور با استقبال مناسبی مواجه شد. نشست دوم با عنوان «تحلیل و بررسی وقایع اخیر ایران از منظر علوم انسانی (علل و عوامل داخلی و خارجی)» نیز سوم آبان ماه در سالن ادب پژوهشگاه برگزار شد که در این نشست دکتر یحیی فوزی با نگاهی به تاریخ سیاسی انقلاب، دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده با بازخوانی تاریخ اسلام و مناسبات میان نظامیان و مشارکت آنها در حکمرانی، دکتر بشیر معتمدی از منظر دین و تجدد و محدودیت‌ها و مقاومت‌های ایجاد شده در این زمینه، دکتر فاطمه طاهرخانی براساس مسائل و موضوعات الهیات و فرهنگ شیعی و آقای محمدعلی مینایی نیز براساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مسائل امنیتی و مصوبات مختلف کشور در امر حجاب، به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود درباره علل مختلف وقایع اخیر کشور پرداختند.



دکتر شجاعی با بیان برخی نقاط ضعف و قوت مطرح شده در برگزاری این نشست‌ها و اظهار امیدواری برای رفع نقائص و کاستی‌های مختلف در نشست‌های بعدی، از اعضای شورای پژوهشی خواست تا پیشنهادها و دیدگاه‌های خود را به‌منظور برگزاری هرچه بهتر نشست‌های آتی مطرح کنند. اعضای شورای پژوهشی نیز با قدردانی از مدیریت پژوهشگاه در برنامه‌ریزی برای طرح مسائل مختلف درباره وقایع اخیر از منظر دیدگاه‌ها و سلائق مختلف سیاسی و فرهنگی، برگزاری این نشست‌ها را در چارچوب اهداف و مأموریت‌های پژوهشگاه برشمردند که به ایجاد ارتباط مؤثرتر و عمیق‌تر میان فعالیت‌های پژوهشگاه با مسائل مختلف جامعه، افزایش نقش‌آفرینی هرچه بیشتر پژوهشگاه در سیاست‌گذاری‌های کشور و ارتقاء جایگاه پژوهشگاه در میان مراکز و مؤسسات علمی مسائل اجتماعی کشور منجر می‌شود.

### تصویب برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی

در ادامه جلسه شورا، دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف و ب» پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشگاه‌ها، مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی مختلف پژوهشگاه شامل پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی و حقوقی؛ پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی و گروه پژوهشی مدیریت را اعلام و فرایندهای مختلف بررسی آنها در کمیسیون منتخب شورای پژوهشی را تشریح کرد. پس از بحث و تبادل نظر اعضای شورا در مورد ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوعات مطرح شده، با تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی موافقت شد.

### لزوم بازبینی در اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه بر اساس مسائل اجتماعی روزآمد

بخش پایانی جلسه، به بررسی اولویت‌های پژوهشی و محورهای پژوهشی پژوهش‌های انجام شده در طول ده سال گذشته از سوی اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه اختصاص داشت. ابتدا دکتر یحیی فوزی به ارکان مختلف پژوهش اشاره کرد و گفت: به‌طور کلی می‌توان چنین در نظر گرفت که پژوهش دو رکن دارد: ۱. نیروی انسانی که اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه است و پژوهشگاه سعی کرده است تا در دوره مدیریتی جدید با فراهم کردن محیطی آرام و به دور از تنش، شرایط را برای انجام پژوهش‌های آنان فراهم کند. ۲. سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری برای پژوهش‌ها که تصویب آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مختلف از جمله بازطراحی شیوه‌نامه پژوهشی با رویکرد تحول در پژوهش‌های علوم انسانی، شیوه‌نامه اجرایی اعطای پایه ترفیع اعضای هیأت علمی، آئین‌نامه فرصت پژوهشی پسادکتری پژوهشگاه، اصلاح آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی



مؤسسه‌های پژوهشی علوم انسانی و... بدین منظور صورت گرفته است. دکتر فوزی تأکید کرد: این‌ها، سیاست‌ها و ریل‌ها هستند که پژوهشگر را پیش می‌برند و سعی شده است تا ریل‌هایی باشند که ما را به اهداف برسانند. وی با تکیه بر بهره‌گیری از خرد جمعی و مشارکت همه اعضای هیأت علمی و اخذ دیدگاه‌ها و نظرات آنان در اصلاح و روزآمدسازی آئین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مختلف پژوهشگاه، گفت: اگر تصمیم‌گیری‌ها و پیشبرد کارها براساس عقل جمعی و دیدگاه بین‌الذهانی باشد، علاوه بر ماندگاری و اثرگذاری بیشتر، عملیاتی‌تر و اجرایی‌تر نیز خواهند بود و عموماً تصمیم‌های یک‌جانبه و فردی به نتیجه نمی‌رسند. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه بر ضرورت بازبینی و تکمیل برنامه راهبردی پژوهشگاه براساس مسائل روز کشور تأکید کرد و گفت: تاکنون در پژوهشگاه دو برنامه راهبردی در دوره ریاست مرحوم دکتر آئینه‌وند و دوره ریاست دکتر قبادی تدوین شده است که برنامه راهبردی دوم برای اجرا در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ به تصویب رسیده است. اما با وجود نقاط قوت، در قسمت اولویت‌ها و راهبردها دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که این امر در کنار تحول و تغییر در مسائل اجتماعی کشور و موضوعات روزآمد دیگر، نیاز به اصلاح و تکمیل این برنامه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. وی ادامه داد: بدین منظور از یکسو تمام پژوهش‌های صورت گرفته در ۱۰ سال اخیر در پژوهشگاه بررسی و در قالب ۲۱ محور دسته‌بندی شد و از سوی دیگر اینکه پژوهشکده‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه عمدتاً در چه محورهایی فعالیت داشته‌اند نیز مشخص شد. دکتر فوزی با اشاره به ضرورت تعیین شده از سوی نهادها و مراکز بالادستی همچون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای تعیین و اعلام اولویت‌ها و برنامه‌های پژوهشی پژوهشگاه‌ها و مؤسسات علمی، گفت: براین اساس ضرورت دارد در جلسات شورا محورهایی پیشنهاد و مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا در چارچوب مأموریت‌ها و رسالت‌های پژوهشگاه، جهت‌گیری پژوهش‌های آتی پژوهشگران مشخص شود.

#### دانشگاه نباید صرفاً با علم موجود سروکار داشته باشد

سپس دکتر معین‌زاده نیز با بیان تمایز و تفاوت مأموریت‌ها و وظایف دانشگاه‌ها در غرب به‌ویژه در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و اینکه وظیفه دانشگاه‌ها تربیت ارباب حرف همچون وکیل یا پزشک بوده، گفت: در آن دوران پژوهش در کالج‌ها، که عموماً سلطنتی بودند، صورت می‌گرفت ولی پس از مدتی بدین نتیجه رسیدند که دانشگاه نباید صرفاً با علم موجود سروکار داشته باشد بلکه باید در مرزهای دانش جست‌وجو کرده و به گسترش آنها بپردازد. دکتر معین‌زاده براین اساس بر اهمیت تمرکز فعالیت‌های پژوهشی بر مرزهای دانش و ارائه مطالب جدید و نوآورانه در پژوهش‌ها تأکید کرد. وی از رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز خواست تا در شوراهای خود ضمن مشورت با اعضای هیأت علمی، امکان تمرکز بر چند موضوع و محور اصلی را بررسی و چند اولویت را مشخص و به معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی اعلام کنند.





در ادامه جلسه اعضای شورای پژوهشی نیز به طرح مسائل و دیدگاه‌های خود در زمینه ابعاد، دشواری‌ها و چالش‌های این موضوع پرداختند که ارتباط یا عدم ارتباط برنامه‌ها و مآوریت‌های تعیین شده برای برخی پژوهشکده‌ها و مراکز با موضوع حرکت در مرزهای دانش از جمله آنها بود. ظرفیت‌های موجود در پژوهشکده‌ها و مراکز برای تحقق این امر؛ نیاز به نیروی انسانی متخصص در موضوعات و اولویت‌های تعیین شده؛ تجربه‌های مشابه در تعیین اولویت‌ها و حصول یا عدم حصول به نتایج مطلوب؛ جایگاه و اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای در انجام پژوهش‌های نوآورانه؛ تجارب مشابه جهانی و سوابق فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه در کشور؛ اهمیت تعیین محورهای کلی برای انجام پژوهش‌ها در سطح کلان و ملی؛ سهم و نقش هر پژوهشکده یا مرکز در پیشبرد این محورها؛ اهمیت هم‌گرایی فعالیت‌های پژوهشکده‌ها و مراکز در پیشبرد اولویت‌های پژوهشی و... از دیگر محورهای مورد بحث و تبادل نظر اعضا بود.

### تمایز دانشگاه و پژوهشگاه؛ ضرورت پرداختن به تاریخ علم ایرانی

در بخش پایانی نشست نیز دکتر نجفی با اشاره به اهمیت پرداختن به تمایز ماهیت دانشگاه و پژوهشگاه، گفت: ضرورت دارد با تقویت آنچه یک مرکز پژوهشی را از دانشگاه متمایز می‌کند، چرایی و چیستی وجود یک پژوهشگاه از جمله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مشخص شود. بدین منظور از مهم‌ترین مسائل، تبیین و تشریح منطق ایجاد پژوهشکده‌ها و مراکز موجود در پژوهشگاه با یکدیگر از اهمیت بسیاری برخوردار است. همچنین نسبت و ارتباط این واحدها با خود پژوهشگاه به‌عنوان یک کل نیز باید مورد توجه قرار گیرد. وی یادآور شد: تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه نیز با این موضوع نسبت دارد چراکه نسبت میان پژوهشکده‌ها و مراکز با پژوهشگاه و «انفرادی و جزیره‌ای عمل نکردن» هریک از آنها را مشخص می‌کند و اینکه هریک از آنها ذیل یک کل واحد چه مأموریت و رسالتی را باید به انجام برسانند.

رئیس پژوهشگاه تأکید کرد: موضوع تقسیم‌بندی علوم انسانی و تاریخ علم نیز در تبیین ساختار کنونی پژوهشگاه می‌تواند مؤثر باشد و این مسئله می‌تواند از جایگاه ویژه‌ای در بازبینی و تعیین اولویت‌ها و برنامه‌های پژوهشی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه برخوردار باشد. می‌توان با بررسی ابعاد و زوایای مختلف این موضوع، در تقسیم‌بندی گروه‌ها و پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه نیز بازبینی کرده و به انسجام و هم‌گرایی بیشتری دست یابیم.

در خاتمه نشست، اعضای شورا نیز با برشمردن برخی اولویت‌ها و محورهای پژوهشی همچون هویت، تمدن نوین اسلامی-ایرانی، آینده‌پژوهشی مسائل اجتماعی کشور، نسبت و ارتباط ایران و غرب، ابعاد و مسائل مختلف فضای مجازی و...، به مسائل و ابعاد مختلف موضوع تاریخ علم و تقسیم‌بندی علوم پرداختند و بر اهمیت توجه به موضوع تحولات علوم به‌عنوان موضوعی اساسی تأکید کردند. با توجه به مباحث و مسائل مطرح شده مقرر شد رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پیشنهادها و نظرات خود را دربارهٔ محورها و اولویت‌های پژوهشی در جلسه آتی شورا مطرح کنند تا ضمن بحث و تبادل نظر اعضا، امکان بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر موضوع فراهم شود.



در بیست و چهارمین جلسه شورای پژوهشی صورت گرفت:

## بررسی مبانی و مسائل ناظر به احصاء اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه

بیست و چهارمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه، ۱۶ آبان ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا تشکیل شد.

در این جلسه پس از تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف و ب» پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاهها و مراکز مختلف پژوهشی پژوهشگاه، اعضای شورا ضمن گفت‌وگو و تبادل نظر درباره مبانی، مسائل و ابعاد مختلف ناظر به احصاء و تعیین اولویت‌های پژوهشی، محورها و موضوعات پیشنهادی خود را مطرح کردند.

### ضرورت چابک‌سازی فرایندهای مختلف مرتبط با فعالیت‌های اجرایی و اداری پژوهشگاهها و مراکز

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از سلام و درود و صلوات بر پیامبر خاتم صلأ... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، با اشاره به مباحث جلسه گذشته شورای پژوهشی درباره ضرورت معرفی اعضای شورای پژوهشی پژوهشگاهها و مراکز پژوهشی به معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی جهت صدور احکام آنان، مجدداً بر اهمیت مشارکت و حضور اعضا با دیدگاه‌ها و سلائق مختلف تأکید کرد. دکتر نجفی همچنین با اشاره به ضرورت چابک‌سازی فرایندهای مختلف مرتبط با فعالیت‌های اجرایی و علمی اعضای هیأت علمی پژوهشگاهها و مراکز، با توجه به مشابهت اعضای شورای تحصیلات تکمیلی و شورای پژوهشی پژوهشگاهها، پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه مربوطه و ادغام این دو شورا را مطرح کرد که مقرر شد در جلسات بعدی شورا و پس از اعلام نظر و اخذ دیدگاه‌های اعضای شورا موضوع ادغام یا تفکیک این دو شورا در پژوهشگاهها و مراکز مورد بررسی قرار گیرد.

رئیس پژوهشگاه در ادامه با بیان صدور احکام رئیسان پژوهشگاهها و مراکز و گروه‌های پژوهشی مستقل، حضور اعضای جدید در شورا را تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد: مدیریت پژوهشگاه بتواند با بهره‌گیری از دیدگاهها و پیشنهادها اعضای مختلف، در پیشبرد برنامه‌ها، انجام مأموریت‌ها و تحقق اهداف خود توفیق روزافزون داشته باشد. رؤسای جدید پژوهشگاهها و گروه‌های مستقل پژوهشی نیز ضمن ابراز مسرت از حضور در جمع اعضای شورای پژوهشی، از اعتماد مدیریت پژوهشگاه به آنان قدردانی کردند.



### تأکید بر اهمیت مدیریت سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی

دکتر نجفی با اعلام برنامه‌ریزی صورت‌گرفته برای برگزاری سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی در اولین سه‌شنبه هر ماه، از اعضای شورای پژوهشی خواست تا پیشنهادها و دیدگاه‌های خود را درباره موضوع و یا نحوه برگزاری نشست‌های آتی به معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی یا معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی اعلام کنند. وی تأکید کرد: با توجه به اینکه این گفت‌وگوها در سطح داخل پژوهشگاه برگزار می‌شود، انتخاب و معرفی سخنرانان از اعضای پژوهشگاه از اهمیت برخوردار بوده و حضور مخاطبان خارج از پژوهشگاه جهت استماع دیدگاه‌های مطرح شده در این نشست‌ها بلامانع است.

### نسبت میان هویت پژوهشگاه و پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی با تعیین اولویت‌های پژوهشی

رئیس پژوهشگاه با تذکر تصویب آئین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مختلف در شورای پژوهشی، این بخش از فعالیت‌های صورت گرفته در جلسات شورا را بحث‌های شکلی و صوری خواند که مقدمه و بستر بحث‌های محتوایی و علمی در شورا بوده است. وی گفت‌وگو و تبادل نظر اعضاء درباره اولویت‌های پژوهشی را از جمله موضوعاتی دانست که مقدمه بحث‌های عمیق‌تر درباره هویت و ماهیت پژوهشگاه از یکسو و هویت و ماهیت پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی از سوی دیگر است که در واقع با طرح این مسائل، می‌توان نسبت و رابطه میان فعالیت‌های صورت گرفته در پژوهشکده‌ها و مراکز به‌عنوان اجزاء با مأموریت‌ها و اهداف مورد انتظار از پژوهشگاه به‌عنوان یک کل را مشخص کرد.

دکتر نجفی با یادآوری درخواست نهادها و مراجع بالادستی همچون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای اعلام اولویت‌های پژوهشی گفت: در برنامه راهبردی پنج‌ساله دوم پژوهشگاه که در دوره مدیریت پیشین تدوین شد، شش معیار به‌عنوان اولویت‌های پژوهشی مطرح شده است که در جلسات گذشته شورا به ابعاد مختلف ضرورت بازبینی و اصلاح آنها اشاره شد و اهمیت دارد این موضوع به‌عنوان یکی از مسائل اساسی پژوهشگاه در جلسات شورا مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. به این منظور از دکتر علیرضا ملایی‌توانی، معاون پژوهشی سابق پژوهشگاه دعوت شده است تا در یکی از جلسات آتی شورا حضور یابد تا ضمن تشریح فرایند احصاء این اولویت‌ها، اعضای شورا از منظر حاکم بر این فرایند آگاهی یابند تا با توجه به ضرورت اصلاح و بازبینی این اولویت‌ها، از نکات و ابعاد مختلف فرایندهای پیشین غفلتی صورت نگیرد.

رئیس پژوهشگاه در خاتمه سخنانش تأکید کرد: چنانکه در جلسه پیشین نیز از رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی خواسته شد، اگر خود یا اعضای هیأت علمی آنان، پیشنهادی درباره اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه داشته باشند در جلسه مطرح کنند تا با بهره‌گیری از خرد جمعی و با مشورت و مشارکت همه اعضاء فرایند تعیین اولویت‌ها صورت گیرد.



### تصویب برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی

در ادامه جلسه شورا، دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف و ب» پیشنهاد اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌ها، مراکز و گروه‌های مستقل پژوهشی مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده مطالعات قرآنی؛ پژوهشکده زبان و ادبیات؛ و گروه پژوهشی مدیریت را اعلام و فرایندهای مختلف بررسی آنها در پژوهشکده‌ها یا کمیسیون منتخب شورای پژوهشی را تشریح کرد. براساس نکات مطرح شده اعضای شورای پژوهشی با تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی موافقت کردند.

در این بخش از جلسه با توجه به ابهام مطرح شده از سوی برخی اعضای هیأت علمی در مورد پیشنهاد ترجمه کتاب به‌عنوان برنامه پژوهشی و اینکه از نوع «الف یا ب» لحاظ خواهد شد - که بنا بر آن مرجع تصویب آن نیز متفاوت خواهد بود (شورای پژوهشکده در نوع الف و کمیسیون منتخب در نوع ب) - بر این نکته تأکید شد که مطابق با بندهای مصرح در شیوه‌نامه پژوهشی، اگر تعداد صفحات ترجمه پیشنهادی از حد تعیین شده برای نوع الف دانستن ترجمه کمتر باشد، به‌عنوان برنامه پژوهشی نوع ب و همراه با سایر دستاوردهای پژوهشی امکان بررسی و تصویب خواهد داشت. براین اساس بر اهمیت بررسی و دقت نظر رؤسای پژوهشکده‌ها و مراکز در بررسی برنامه‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی تأکید شد.

### بازبینی و تبادل نظر درباره اولویت‌های پژوهشی پیشین پژوهشگاه

در ادامه جلسه شورا، دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، با اعلام شنش اولویت احصاء شده در برنامه راهبردی پنج ساله دوم پژوهشگاه شامل: ۱. تأکید بر نقش میراث فرهنگی، تاریخی، تمدنی، ادبی و زبانی در تقویت و تداوم هویت ملی ایرانیان؛ ۲. به‌دست دادن راهکارهای ارتقای کارآیی، اثربخشی و اعتلای علوم انسانی؛ ۳. بررسی آسیب‌های اجتماعی در ایران با تأکید بر حوزه خانواده؛ ۴. تبیین ماهیت و کارکرد رسانه‌ها و فضای مجازی با تأکید بر حوزه مناسبات بین نسلی؛ ۵. بازیابی رابطه بین علوم انسانی و سرمایه‌های فرهنگی با توسعه پایدار؛ و ۶. پژوهش در ابعاد سرمایه اجتماعی با تأکید بر تقویت اعتماد متقابل بین مردم و حاکمیت، گفت: این اولویت‌ها چکیده و نتیجه برنامه راهبردی دوم هستند که راهبردها و برنامه‌های پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه براساس آنها مشخص شده بود.

معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه اظهار امیدواری کرد: با حضور دست‌اندرکاران تدوین برنامه راهبردی دوم، روندها و فرایندهای مختلف احصاء این اولویت‌ها مشخص شود تا با روشنگری و رفع ابهام‌هایی که صورت خواهد گرفت، با مشارکت و تبادل نظر و بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و پیشنهادها اعضای هیأت علمی و رفع نقاط ضعف و کاستی‌ها، تقویت و اصلاح لازم در این اولویت‌ها مطابق با مسائل و موضوعات مختلف و روزآمد صورت گیرد.



سپس اعضای شورای پژوهشی نیز به طرح مسائل و دیدگاه‌های خود درباره اولویت‌های پژوهشی مطرح شده در برنامه راهبردی دوم و سایر ابعاد و مسائل مختلف ناظر به احصاء و تعیین این اولویت‌ها پرداختند. بحث از مبنای تعیین اولویت‌های پژوهشی براساس طرح‌های پژوهشی صورت گرفته اعضای هیأت علمی پژوهشگاه با تشخیص و تعیین این اولویت‌ها بر مبنای اسناد بالادستی، یا روندهای کلان مدیریت پژوهش، یا مسائل جامعه، یا جریان‌های پژوهشی کلان جهانی و... از مهم‌ترین محورهای مورد بحث و تبادل نظر اعضا بود. از دیگر محورهای مورد بحث در مورد اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه عبارت بود از: ضرورت یا عدم ضرورت پیشنهاد برنامه‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی براساس این اولویت‌ها؛ اهمیت توجه به علائق و دغدغه‌های اعضای هیأت علمی در تدوین اولویت‌ها؛ لزوم توجه به مسائل اساسی کشور در تعیین آنها؛ اهمیت حفظ پویایی و امکان تغییر در این اولویت‌ها براساس مسائل مختلف و...

بحث و تبادل نظر درباره موضوعات اساسی و بنیادی ناظر به جامعه و مسائل و چالش‌های آن از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگوی اعضا بود. در این زمینه موضوعاتی همچون بحران هویت؛ فضای مجازی؛ مسئله تعلیم و تربیت و سایر مسائل نوجوانان و جوانان؛ فناوری و علم در ایران؛ نسبت علوم انسانی با جامعه؛ نسبت ایران با غرب و مسئله استعمارشناسی ایرانی؛ و... از جمله موضوعاتی بودند که به‌عنوان مسائل کلی و کلان از سوی اعضای شورای پژوهشی مطرح و مقرر شد ضمن تدقیق آنها، موضوع بررسی و تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه در جلسات آتی شورا ادامه یابد.



در بیست و پنجمین جلسه شورای پژوهشی مصوب شد:

## ادغام شوراهای تحصیلات تکمیلی و پژوهشی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی در شورای علمی

بیست و پنجمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه، ۲۳ آبان ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تشکیل شد.

در این جلسه ضمن تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف» پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌های پژوهشگاه، اعضای شورا درباره آئین‌نامه شرح وظایف رؤسای پژوهشکده‌ها و مدیران گروه‌های پژوهشی و شوراهای مرتبط پژوهشگاه به بحث و تبادل نظر پرداختند و مقرر شد، شورای پژوهشی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه و شورای تحصیلات تکمیلی آنها، در پژوهشکده‌هایی که دارای شورای تحصیلات تکمیلی هستند، ادغام و «شورای علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی» جایگزین آنها شود.

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از سلام و درود بر پیامبر خاتم صلّٰا... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، با اشاره به حدیثی از پیامبر خاتم صلّٰا... علیه و آله و سلم مبنی بر: «مُدَارَةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ، وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ» (مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و ملاحظت با آنان نیمی از زندگی است)، اظهار امیدواری کرد: با بهره‌گیری از معارف عمیق و گنجینه‌های ارزشمندی که از ائمه اطهار علیهم السلام برای ما به یادگار باقی مانده است، بتوانیم حیات دینی و دنیوی خود را سامان داده و در مسیر سعادت و بهروزی گام برداریم.

### تصویب برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی

سپس عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع «الف» پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده مطالعات اجتماعی؛ پژوهشکده زبان و ادبیات؛ و پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی و حقوقی توسط دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، قرائت و به تصویب اعضای شورا رسید.

### تصویب ادغام شوراهای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشکده‌ها در شورای علمی

در ادامه مسائل و موضوعات مطرح شده در جلسه گذشته شورا، موضوع ادغام یا عدم ادغام شوراهای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشکده‌هایی که دارای این شورا هستند، مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گرفت. دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه، با اشاره به تشابه اعضای این شوراهای و برخی فعالیت‌های آنها پیشنهاد ارائه شده برای اصلاح آئین‌نامه «شرح وظایف رؤسای پژوهشکده‌ها و مدیران گروه‌های پژوهشی و شوراهای مرتبط» پژوهشگاه، و ادغام شوراهای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشکده‌ها در یک شورا را مطرح کرد. عدم تشکیل جلسات موازی با اعضای مشابه و تسریع و انسجام در بررسی برنامه‌ها و مسائل مختلف اعضای هیأت علمی و دانشجویان از مزایای این ادغام برشمرده شد.



سپس اعضای شورا دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را در مورد ادغام یا عدم ادغام این شوراها و همچنین اعضای حقوقی و حقیقی تشکیل دهنده شورای علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی مطرح کردند. مسئله ضرورت یا عدم ضرورت حضور نماینده‌ای از معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه در شورای علمی پژوهشکده‌ها و مراکز با توجه به امکان تداخل وظایف رئیس پژوهشکده با وظایف نماینده معاونت از مهم‌ترین محورهای مورد بحث اعضای شورا در این بخش بود.

براساس مباحث صورت گرفته مقرر شد، به مدت سه ماه به صورت آزمایشی شوراهای مختلف پژوهشکده‌ها و مراکز در شورای علمی ادغام و این شورا با حضور همه اعضای آن پژوهشکده یا مرکز برگزار شود و معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی یا مدیر پژوهشی پژوهشگاه نیز در صورت ضرورت در این جلسه حضور یابد. همچنین مقرر شد پس از اتمام مدت مقرر و با توجه به بازخوردهای صورت گرفته و بررسی ابعاد و جوانب مختلف موضوع، تداوم این مصوبه یا تغییر و اصلاح آن مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد.

### تشریح فرایند احصاء اولویت‌های پژوهشی در برنامه راهبردی دوم پژوهشگاه با حضور دکتر ملایی توانی

در بخش پایانی جلسه شورا و در ادامه مباحث صورت گرفته در جلسات پیشین شورا، درباره تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه و ضرورت آگاهی از منطق حاکم بر احصاء شش اولویت پژوهشی در برنامه راهبردی دوم، دکتر علیرضا ملایی توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی سابق پژوهشگاه، در جلسه شورا حاضر و به تشریح فرایند تدوین برنامه راهبردی دوم و نحوه احصاء اولویت‌های پژوهشی پرداخت.

دکتر ملایی توانی با اشاره به پیشینه شکل‌گیری پژوهشگاه گفت: مجموعه پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از نظر مأموریت به دو دسته قابل تقسیم هستند: ۱. برخی مأموریت تعریف شده دارند مانند؛ پژوهشکده‌های صلح یا حقوق بشر یا جنگ که معلوم است مأموریت‌شان چیست و ۲. مراکزی که مأموریت تعریف شده نداشتند هرچند برخی از این مراکز از ادغام مراکزی تشکیل شدند که مأموریت مشخصی داشتند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز از ادغام مراکزی همچون بنیاد شاهنامه یا بنیاد فرهنگ و... شکل گرفت که هریک از آنها مأموریت خاص خود را داشتند و با توجه به تنوع مأموریت‌های این مراکز، مأموریت مشخصی برای پژوهشگاه تعریف نشد. براین اساس در هر دوره خود اعضا یا رئیس با توجه به مسائل موردنظر در نهادهای بالادستی اقدام به انجام پژوهش می‌کردند.

معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی سابق پژوهشگاه با بیان ضرورت تعریف مأموریت برای پژوهشگاه براساس خواست نهادها و مراجع بالادستی گفت: در دوره ریاست دکتر آیت‌اللهی، تلاش‌های برای تدوین برنامه صورت گرفت و سرانجام در دوره ریاست مرحوم دکتر آئینه‌وند اولین برنامه راهبردی پژوهشگاه تدوین شد. براین اساس از پژوهشکده‌ها و مراکز مختلف پژوهشگاه خواسته تا محورهای فعالیت‌ها و پژوهش‌های خود را اعلام کنند اما محورهای اعلامی به قدری فراگیر و کلی بودند که همه موضوعات و مسائل در حوزه علوم انسانی را دربرمی‌گرفت.



در نتیجه در برنامه راهبردی دوم این مسئله مطرح شد که آیا از بالا و ریاست پژوهشگاه برنامه کلانی برای مجموعه تعریف شود یا از پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی برنامه‌های کلان دریافت شود که با توجه به مباحث صورت گرفته و ابعاد مختلف موضوع، مقرر شد هر یک از اعضای هیأت علمی برای یک دوره پنج ساله و تدوین برنامه راهبردی دوم، سه موضوع و محور معرفی کنند. در مجموع ۴۵۰ موضوع دریافت و برای تصویب در جلسه هیأت امنای مطرح شد اما براساس نظر اعضای محترم هیأت امنای وقت پژوهشگاه مقرر شد این موضوعات در محورهایی با تعداد کمتر ارائه شوند. بر این اساس تعداد ۶۰ محور احصاء و مجدداً در جلسه هیأت امنای مطرح و مجدداً برای ارائه و احصاء اولویت‌های محدودتر به پژوهشگاه عودت شد. در نهایت و در فرایندهای مختلف ۱۷ محور و سپس شش محور مندرج در برنامه راهبردی دوم به‌عنوان اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه احصاء شدند. دکتر ملایی توانی تأکید کرد: این محورهای احصاء شده فراترکیبی از عناوین پیشنهادی پژوهش‌ها و فعالیت‌های اعلام شده از سوی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه بوده و اگرچه جهت‌دهنده فعالیت‌های پژوهشی پژوهشگاه هستند، اما ضرورت و الزامی در آن وجود ندارد و می‌توان با خوانش دیگری، مفاهیم و اولویت‌های موجود را اصلاح، توسعه و یا تغییر داد و مفاهیم و اولویت‌های دیگری را جایگزین کرد.

سپس اعضای شورای پژوهشی با بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادها خود درباره اولویت‌های پژوهشی و مسائل مطرح شده درباره فرایند احصاء این اولویت‌ها به بحث و تبادل نظر در این باره پرداختند. کلی و فراگیر بودن اولویت‌های یاد شده و شامل شدن هر فعالیتی در حوزه علوم انسانی؛ تهی شدن از معنای این اولویت‌ها با به‌کارگیری مفاهیم بسیار کلی؛ امکان احصاء اولویت‌ها براساس بررسی مزیت رقابتی فعالیت‌های صورت گرفته در پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی؛ توجه به مأموریت‌گرایی در احصاء اولویت‌ها؛ ضرورت ارتباط این اولویت‌ها با اسناد و برنامه‌های بالادستی؛ و... از محورهای مختلف گفت‌وگوهای اعضای شورا بود.

#### بازبینی و تبادل نظر در اولویت‌های پژوهشی براساس بیانیه چشم‌انداز پژوهشگاه

با توجه به مسائل مطرح شده، اهمیت جایگاه چشم‌انداز و مأموریت پژوهشگاه در تعیین اولویت‌ها از سوی اعضای شورا مورد تأکید قرار گرفت و با توجه به بیانیه چشم‌انداز و بیانیه مأموریت برنامه راهبردی و کلی و ایده‌آل بودن آن بر ضرورت توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در پژوهشگاه برای تعیین اولویت‌های پژوهشی از یکسو و امکان عملیاتی و اجرایی شدن و به تحقق رسیدن آنها از سوی دیگر، تأکید شد. بر اساس مباحث صورت گرفته، اهمیت و ابعاد مختلف موضوع و مسائل طرح شده، مقرر شد در جلسات آتی شورا نیز بررسی موضوع اولویت‌های پژوهشی و فرایند تعیین و احصاء آنها براساس مأموریت‌گرایی پژوهشگاه، توجه به مزیت‌های رقابتی پژوهش‌ها و فعالیت‌های صورت گرفته، پویایی و روزآمد بودن اولویت‌ها، توجه به علائق و جهت‌گیری‌های علمی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و... ادامه یابد.





## برگزاری دومین نشست از دوره پنجم هیأت امنای پژوهشگاه

دومین نشست از دوره پنجم هیأت امنای پژوهشگاه، ۳۰ مهر ماه، در سالن اندیشه برگزار شد. این نشست با حضور دکتر محمد سلیمانی (قائم مقام محترم وزیر و رئیس مرکز هیأت‌های امناء و هیأت‌های ممیزه)، دکتر عبدالحسین کلانتری، (رئیس محترم کمیسیون دائمی هیأت امناء)، دکتر موسی نجفی، (رئیس محترم پژوهشگاه و اعضای محترم هیأت امناء و دیگر اعضا برگزار شد.

در این جلسه دستور کارهای مربوط به حوزه‌های مختلف پژوهشگاه از جمله: بخشنامه‌های وزارتی، گزارش حسابرس منتخب هیأت امناء درباره عملکرد مالی سال ۱۴۰۰ پژوهشگاه، موارد مربوط به امور اداری و پرسنلی اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی پژوهشگاه مورد بحث و بررسی اعضا قرار گرفت و مقرر شد، مصوبات جلسه، پس از تأیید از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شود. یکی از دستورهای مصوب این جلسه تصویب «آیین‌نامه فرصت پژوهشی پسادکتری» پژوهشگاه است که به منظور ارتقای توان علمی پژوهشگران، پرورش نیروهای پژوهشی کارآمد و انتقال مهارت‌های لازم پژوهشی از محققان باتجربه به پژوهشگران تازه‌کار است.



## گزارش جلسه هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دومین جلسه از دوره نهم هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ریاست دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، اول آبان‌ماه، با حضور اعضای هیأت ممیزه در سالن اندیشه پژوهشگاه تشکیل شد. در این جلسه پرونده‌های ارتقاء مرتبه اعضاء مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با ارتقاء مرتبه ۱۱ عضو هیأت علمی به شرح ذیل، موافقت شد:

### ارتقا مرتبه از دانشجویی به استادی:

دکتر سیدجواد میری منیق (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر اسداله فلاحي (عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)؛

### ارتقا مرتبه از استادیاری به دانشجویی:

۱. اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: دکتر آتوسا رستم‌بیک تفرشی، دکتر حوریه احدی، دکتر فرج‌اله علی‌قنبری و دکتر عبدالرحمن حسنی فر  
 ۲. اعضا هیأت علمی سایر مؤسسات: دکتر لیلا فلاحتی (عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)، دکتر ولی‌اله رستمعلی‌زاده (عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیتی کشور)، دکتر علی نعیمی صدیق (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران-ایران داک)، دکتر لیلا نامداریان (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران-ایران داک)؛

### ارتقاء مرتبه از مربی به استادیاری:

دکتر حمید افشار (عضو هیأت علمی بنیاد ایران‌شناسی).



## نشست «دین تلویزیون»

نشست «دین تلویزیون» اول آبان ماه، با سخنرانی حجت الاسلام دکتر محمدرضا زائری، رئیس اندیشگاه فرهنگی کتابخانه ملی و دکتر بشیر معتمدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار شد.

در تولید برنامه دینی باید تفاوت‌های مخاطبان در نظر گرفته شود



در ابتدای این نشست حجت الاسلام والمسلمین زائری گفت: هر صنف ادبیات و واژگان تخصصی دارد که همه متوجه نمی‌شوند. رسانه ملی و سراسری نباید ادبیات محفلی داشته باشد.

دکتر زائری ضمن تأکید بر اینکه نیازمند مرور عملکرد رسانه ملی و آکاوی نقاط منفی و مثبت بازنمایی دین در آن هستیم، گفت: چند ماه پیش یکی از مؤسسات مطالعات در رژیم صهیونیستی گزارشی درباره نهادهای امنیتی ایران منتشر کرد و به این پرداخته بود که چرا در نهادهای ایران اختلال و به تعبیری نفوذ اتفاق افتاد. نتیجه مطالعه، علت را غلبه نگاه ایدئولوژیکی دانسته بود که افراد متخصص به‌مرور کنار گذاشته شده‌اند و به‌شکل ناخواسته افرادی متصدی امور شده‌اند که بر کار تسلط ندارند و این باعث ایجاد چنین اختلال‌هایی شده است.

او تأکید کرد: درباره صداوسیما هم همانند هر جای دیگر چنین مسئله‌ای صدق می‌کند. آنجایی که نگاه تخصصی ضعیف می‌شود و فرد بدون تخصص و صرفاً با ریش گذاشتن و چفیه انداختن و... راهش را باز می‌کند، مشکلات شروع می‌شود. اتفاقی هم که در صداوسیما افتاد از همین جنس بود. جالب اینجاست که باورهای دینی ما می‌گوید فردی که بدون آگاهی و تخصص، کاری را برعهده می‌گیرد مانند فردی است که راه را اشتباه می‌رود.

زائری ادامه داد: مشکل اینجاست؛ وقتی انقلاب شد فرصت تئوریزه کردن و تطبیق نداشتیم و در جریان شلوغی و آشفتگی هرکسی متصدی کاری شد و عمدتاً چهره‌های شاخص و فهیم مثل شهید مطهری، شهید بهشتی و... از دست رفتند، دیگرانی هم که مانده بودند درگیر کارهای لحظه‌ای و آنی بودند و مجال برای تطبیق پیش نیامد. یکی از خلاءهای جدی ما این بود که روایت و مبانی معرفتی مان را نتوانستیم از حوزه فردی با حوزه اجتماعی تطبیق کنیم. چون قرن‌ها زندگی ما در حوزه دین، زندگی فردی بود. این حوزه یکی از حوزه‌هایی است که جای پژوهش بسیار عمیق دارد.

او با اشاره به روایت‌های دینی و عدم تطبیق رسانه با آن‌ها گفت: در روایت بر محاسبه فردی تأکید فراوان شده است ولی هیچ وقت این را تطبیق ندادیم که اگر هر سازمانی خودش را بازرسی نکند از ما نیست. به عبارتی تطبیق نکردیم که سازمان، نهاد و مؤسسه دینی باید چندماه یکبار خودش را بازرسی کند. تطبیق ندادیم که ملاک دین‌داری طول رکوع و سجود افراد، ریش، جای مهر بر روی پیشانی و... نیست بلکه ملاک دین‌داری این است که فرد چقدر راستگو و امانت‌دار باشد. تطبیق آن با حوزه اجتماعی این‌گونه است؛ سازمان دین‌دار، سازمانی نیست که زمان محرم بر سر درش کتیبه محرم بگذارند یا بر روی سربرگ‌هایش شعار دینی بگذارند، بلکه سازمانی است که به مشتری راست می‌گوید و امانت‌دار است. یکی از مباحث ما این است که نهاد رسانه در کجا دینی به شمار

می‌آید، آنجا که ۲۴ ساعته برنامه دینی پخش کند یا در آنجایی که حقیقت را بگوید و مردم به اخبارش اعتماد کنند؟ اگر بخواهیم روایت را تطبیق کنیم؛ رسانه دینی این نیست که ۲۴ ساعته از دین بگوید بلکه رسانه‌ای است که اخبار درست بیان کند.

زائری با اشاره به اهمیت انصاف در تعالیم دینی گفت: در تعالیم دینی ما انصاف بالاترین فضیلت اخلاقی است. علاوه بر آن از نگاه غیر اسلامی، اندیشمندان حوزه اخلاق وقتی می‌خواهند به یک قاعده طلایی ثابت در بین همه انسان‌ها با هر مکتب و عقیده‌ای برسند، به تعبیر پیامبر اکرم (ص)، امیرالمومنین (ع) و امام حسن مجتبی (ع) رسیده‌اند. از چشم دیگری نگاه کردن، با کفش دیگری راه رفتن، خود را به جای دیگری گذاشتن و... انصاف است. اگر این روایت را با انصاف رسانه‌ای تطبیق دهیم، دنیای از حرف است. ما روایت‌های متعددی داریم که تأکید می‌شود، کاری کنید که مردم شما را دوست داشته باشند. این روایت‌ها قابل تطبیق است. البته اگر بخواهیم روایت مرتبط با حوزه ارتباطات و رسانه را تطبیق کنیم، حرف‌های ناگفته بسیاری وجود دارد.

او ادامه داد: در روایت داریم وقتی امام زمان (عج) ظهور کنند امتداد سمع و بصر به وجود می‌آید. مارشال مک لوهان هم می‌گوید، تلویزیون امتداد چشم است و رادیو امتداد گوش است. روایت داریم خداوند در آخرالزمان گوش و چشم مردم را امتداد می‌دهد.

زائری با اشاره به لزوم تطبیق روایت‌های دینی در حوزه رسانه گفت: در روایت‌ها داریم که تأکید شده است؛ کاری کنید تا مردم شما را دوست داشته باشند. چون اگر مردم شما را به‌عنوان نماینده دین، به‌عنوان کسی که ریش دارد یا چادری است و... دوست داشتند، دین را هم دوست خواهند داشت. اگر صداوسیما می‌کند که متناسب به یک نظام دینی است کاری کند تا بچه ۵ الی ۴ ساله او را دوست داشته باشد، طبیعتاً آن نظام دینی را هم دوست خواهد داشت. ولی اگر عملکرد صداوسیما به‌گونه‌ای باشد که فرد بعد از دیدن برنامه‌ها با عصبانیت تلویزیون را خاموش کند، به آن نظام دینی ضربه زده است.

او یکی از مشکلات بعد از انقلاب اسلامی در رسانه ملی را خلط حوزه‌ها دانست و گفت: سرگرمی را با لهو و لعب خلط کردیم در حالی که سرگرمی اساسی‌ترین کارکرد رسانه بود و با لهو و لعب فرق دارد. سرگرمی گاهی در خدمت آموزش و اطلاع رسانی قرار می‌گیرد.

زائری تصریح کرد: در روایت و تعالیم دینی ما کاملاً به تمایزها و تفاوت‌ها تأکید شده است. هر کسی اقتضای ضرورت‌ها و نیازهای متناسب خودش را دارد. انسان این تفاوت‌ها را می‌بیند، تازه متوجه می‌شود ما چرا به‌خاطر کارهای خودمان به دین ضربه می‌زنیم. دین می‌گوید اصلاً قرار نیست همه مثل هم و یک‌شکل باشند.

او ضمن بیان روایتی از امام صادق (ع) توضیح داد: خداوند این تفاوت‌ها را قرار داده تا همه مثل هم نشوند این در حالی است که ما می‌خواهیم همه را مثل هم ببینیم. در تولید برنامه چون الگوی ثابت و به غلط در نظر گرفتیم، ادبیاتمان هم ثابت شده است. در حالی که این ادبیات به اقتضای مخاطب باید فرق می‌کرد. به‌عنوان مثال شبکه اول سیما یک برنامه‌ای را برای مخاطبین در سراسر کشور با همه علائق و اعتقادات پخش می‌کند، اما شبکه چهار سیما برای مخاطب خاص و نخبه پخش می‌شود. ممکن است یک مضمونی را من ساعت ۱۰ شب از شبکه قرآن بتوانم پخش کنم که همان را در ساعت ۷ صبح نتوانم از شبکه یک سیما پخش کنم. چون همه چیز را قاطی کردیم ادبیات محفلی خود را سراسری کردیم و این امر یکی از بزرگترین اشتباهات و خیانت‌هایی بود که بعد از انقلاب در صدا و سیما اتفاق افتاد. ادبیات محفلی چیز پنهان و رازآلودی نبود.

زائری تأکید کرد: مذهب شیعه می‌گوید، درک مخاطب و سطح فهم او را در نظر بگیر. یکی از اشتباهاتی که در فهم تقیه صورت می‌گیرد همین جا است. درحالی که تقیه یعنی شما میزان فهم و درک مخاطب را در نظر بگیرید. به‌عنوان مثال ساعت ۴ بعدازظهر که طرف خسته از اداره به خانه برمی‌گردد و می‌خواهد در کنار همسر و فرزندان یک برنامه شاد و متنوع ببیند، نباید برای او یک برنامه خسته‌کننده دینی پخش کنیم که حالش از دین بر هم بخورد، بلکه باید حال مخاطب را درک کنیم.

او با بیان اینکه پیامبر (ص) با مردم به اندازه ظرفیت‌هایشان صحبت می‌کردند، گفت: صداوسیما در این ۴۳ سال این مسئله را درک نکرد. ای کاش! فرصتی داشتیم که به‌صورت مستقل درباره برنامه‌های کودک و نوجوان و شبکه امید، نهال و پویا صحبت کنیم. گاهی این عملکردها فاجعه است و من با خودم فکر می‌کنم اگر کسی عمداً بخواهد کودکان را از دین بیزار کند، آیا بهتر از این می‌توانست؟ در روایت‌ها و دین افرادی که اذاعه اسرار می‌کنند، مورد لعنت و نفرین قرار گرفته‌اند. به‌عبارتی اذاعه اسرار به‌منظور گفتن چیزی که برخی از مردم ظرفیتش را ندارند، یا اینکه ساعت ۸ در شبکه سراسری سخنرانی پخش شود که فلان عالم دینی برای طلبه‌هایش آن را بیان کرده است. در این ساعت شبکه سراسری باید طنز یا سریال پخش کند و صحبت‌های تخصصی دین در این ساعت باید در شبکه‌های قرآنی پخش شود. هر صنف ادبیات و واژگان تخصصی دارد که همه متوجه نمی‌شوند. رسانه ملی و

سراسری نباید ادبیات محفلی داشته باشد.

زائری با تأکید بر اینکه مدیریت خوب در رسانه دینی در آوردن اجزاء در خدمت هدف است، گفت: هدف باید این باشد که پیامی را با تأثیر بیشتر به مخاطب برسانیم. در حوزه نظری مطالعات کاربردی رسانه دینی همچنان در کشور ما به شدت ضعیف است. در حوزه عملی هم تأسیس و راه اندازی کارگاه تولید برنامه سازی دینی لازم و صداوسیما بعد از ۴۳ سال همچنان فاقد آن است.

### در برنامه های دینی قسمت هایی از دین پررنگ می شود که سلطه هژمونی را گسترش دهد



در ادامه نشست دکتر معتمدی به عنوان پژوهش خود که در قالب کتاب «دین تلویزیون» منتشر شده، اشاره کرد و گفت: ارزیابی رسانه ها را از سه منظر می توان انجام داد، یکی مخاطبان و گرایش های آنان، منظر بعدی محتوای رسانه ها و منظر سوم هم ساختار تولید برنامه های تلویزیونی است، در رویکرد سوم در اینجا باید ببینیم که قبل از تولید، رویکردها، بودجه، مالکیت، نحوه کنترل و نظارت و... منجر به تولید چه برنامه هایی می شود که در کتاب «دین تلویزیون» از منظر سوم به ارزیابی برنامه های تلویزیون پرداخته ام.

معتمدی ادامه داد: در تئوری های تولید برنامه چند مبحث وجود دارد، یکی از آنها اقتصاد سیاسی است در واقع باید به شناسایی بودجه و سیاست های یک پدیده پرداخت و از این طریق به نوع محتوای تولید شده پی برد. او بیان کرد: یکی دیگر از تئوری ها، ایدئولوژی است. یعنی رسانه را عاملی در انتقال یک ایدئولوژی به مخاطبان در نظر می گیرند. تئوری بعدی هژمونی است که «گرامشی» آن را اول مطرح کرد و معتقد است، رسانه ها ابزار سلطه فرهنگی برای طبقه حاکم هستند. هژمونی به معنای نوعی اجماع فرهنگی ایجاد کردن است. طبق پیش فرض ها و مصاحبه هایی که انجام دادم به این تحلیل رسیدم که اساس تولید برنامه های دینی به دنبال آن هژمونی است که بتواند سلطه طبقه حاکم را بر جامعه مسلط کند. علت این کار هم به نوع حکومت مربوط می شود در واقع چون حکومت دینی سر کار هست، در این نوع حکومت ها به دنبال این هستند که مشروعیت حکومت از طریق دین باشد. طبیعتاً برنامه های دینی یکی از ابزارهایی است که تلاش دارد، برای تداوم مشروعیت خود سلطه هژمونی را حفظ کند.

این عضو هیأت علمی با توضیح درباره رویکردهای صداوسیما در تولید برنامه های دینی بیان کرد: در برنامه های دینی قسمتی از دین پررنگ می شود که بتواند این سلطه هژمونی را حفظ کند و آن قسمتی از دین نادیده گرفته می شود و پخش نمی شود که امکان دارد به سلطه هژمونی خدشه وارد شود. بر این اساس سازمان صداوسیما رویکردهایی را در تولید برنامه های دینی خود دنبال کرده است. در این فرصت به پنج رویکرد طی نتایج پژوهشم اشاره می شود؛ یکی از آنها رویکرد مناسب گرای است. به این معنا که گروه های معارف در تلویزیون، برنامه های مناسبی اعم از غم و شادی را پوشش می دهند. این رویکرد تبعات زیادی داشته است. یکی اینکه چهره غم آلودی از دین اسلام در این سال ها و در این برنامه ها تولید و ساخته شد. از طرفی دیگر چون در مناسبات غمگین شکل آن را بلد بودیم و به شدت آن را رواج دادیم، طبیعتاً مناسبات شادی در دین کم رنگ شد به همین خاطر وقتی از یک مخاطب پرسیده می شود دین چیست؟

بیشتر بر عزاداری و... اشاره می‌کند. به واسطه این رویکرد، دین چهره‌ای غم‌آلود پیدا کرد که این رویکرد با کارکرد اصلی رسانه تفریح و سرگرمی در تضاد قرار گرفت. به همین خاطر مخاطب خیلی رغبتی به برنامه‌های دینی نداشت. در چنین فضایی، فرصتی شد که هژمونی دینی خود را بسط دهند چرا که شاهد تولید مناسبت‌های جدید هم بودیم.

این پژوهشگر با اشاره به دیگر رویکردها توضیح داد: رویکرد بعدی در برنامه‌های دینی مناسک‌گرایی است که در ادامه همان مناسبت‌گرایی است. مناسک مربوط به احکام دینی است. در این مورد هم تمرکز بر مناسکی چون پرداختن به نماز، عزاداری، سینه‌زنی، روضه‌خوانی است که این برنامه‌ها را مدام در تلویزیون می‌بینیم. در رویکرد مناسک‌گرایی، اعمال آیینی بدون درنگ و تأمل پخش و تولید می‌شود. در حالی که مناسک زمانی می‌تواند از تلویزیون پخش شود که مخاطب مناسب آن، پای برنامه نشسته باشد و به نوعی مخاطب آمادگی آن برنامه را داشته باشد در غیر این صورت اثر عکس دارد.

او گفت: هدف این رویکرد این است که جلوه دینی بودن را هر چه بیشتر نمایش دهد برای اینکه بتواند در نهایت هژمونی را ثبت، بسط و تثبیت کند. رویکرد سوم، دین مبتنی بر ایمان صرف است. ما در تعبیر قرآنی یک ایمان و یک عمل صالح داریم خود ایمان شامل دو بخش است. یک آگاهی و دانش به علاوه یک عشق و علاقه. این دو در کنار هم ایمان را می‌سازند. اما آنچه در برنامه‌های دینی تلویزیون هست فقط به بخش احساس دینی می‌پردازد. در واقع به خاطر آن رویکرد مناسبت‌گرایی و مناسک‌گرایی که وجود دارد، فقط احساس دینی را جلو می‌برد و بعد عقلانی دین را کمتر نشان می‌دهد چون اگر در اینجا شک و شبهه‌ای برای مخاطب پیش بیاید، ممکن است هژمونی را دچار خدشه کند. دلیلش هم باز همان سلطه هژمونی است.

این عضو هیأت علمی با توضیح درباره دیگر کارکردهای تلویزیون تصریح کرد: صداوسیما ادعا می‌کند که دین ما دین حداکثری است و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و... دارد ولی وقتی در عمل و برنامه‌هایش فقط به احساس دین پرداخته می‌شود، این است که دین عرفی می‌شود.

معمدی توضیح داد: در دین اسلام گفته شده تقلید به هیچ عنوان جایز نیست، تلویزیون ما بر خلاف این گفته، مدام در حال نمایش و اشاعه یک احساس صرف به مخاطب است. بدون آنکه فهم و آگاهی مخاطب را افزایش دهد. که نتیجه آن چیزی جز سکولاریسم نیست و این بر خلاف ادعایی است که دارند. رویکرد چهارم نگاه کارکردی به دین است. زمانی که ایمان صرف را تبلیغ کردید و به احساس بها دادید در این موقعیت مجبورید برای این ایمان کارکردهای مختلف درست و تعریف کنید. کارکرد فردی و اجتماعی. مثلاً مدام گفته می‌شود، دین باعث آرامش فردی و ذهنی می‌شود، کارکرد اجتماعی هم همان نظم بخشیدن به جامعه است. در واقع نوعی نگاه کارکردی را مسلط می‌کند. هر چند ما منکر کارکردهای دین نیستیم.

این استاد دانشگاه با انتقاد درباره رویکرد کارکردی دین گفت: اشکالات این رویکرد این است که اگر پدیده دیگری بیاید و همان کارکرد دین را داشته باشد، به راحتی آن دین کنار گذاشته می‌شود و جایگزین دین می‌شود. به طور مثال گفته می‌شود انرژی درمانی همان آرامش را به شما می‌دهد که این مسئله هم به شدت در حال رواج در جامعه است. خطر تکیه صرف بر کارکرد دین اینجاست. در واقع چون بر منطق و اصل دین تأکید نمی‌شود، این اتفاق می‌افتد.

او ادامه داد: رویکرد آخر نسبت برنامه دینی با حکومت دینی است که به نظر من یکی از خطرناکی است که در برنامه‌های دینی اتفاق می‌افتد و آن هم دین حکومتی است. در این رویکرد چون نقد حکومت دینی اتفاق نمی‌افتد، پس نمی‌توان از برنامه دینی حرف زد. برنامه دینی باید با معیارهای دینی نقد حکومت کند. اگر غیر از این باشد یا مجبور به سکوت یا مجبور به توجیه است. وقتی توجیه شود اعمال حکومت توجیه نمی‌شود، بلکه آن دین است که بین مخاطبان از بین می‌رود و مخدوش می‌شود. در این رویکرد هم سیاست حفظ سلطه هژمونی دیده می‌شود. این پنج رویکرد باعث شده تا رویکرد بسیار ضعیفی از دین بر جای بماند. البته باید به عوامل دیگری هم اشاره کرد، از جمله فشار آنتن که حتماً باید در یک ساعت برنامه‌ای پخش شود و همین مسئله بر کیفیت کار اثرگذار است. یا وجود ضوابط‌های بی‌شمار که در برنامه‌های دینی این ضوابط بسیار زیاد و غیرشفاف است. فشارهای خارج از سازمان هم مزید بر علت می‌شود.

دکتر معمادی در پایان پیشنهاد داد: متأسفانه در برنامه‌های دینی تنوع مخاطب از نظر جنسیت، گروه سنی، قومیت، تحصیلات در نظر گرفته نمی‌شود. و مهم‌تر از همه اینکه سطح دینداری‌های مختلف را در نظر نمی‌گیرند. اگر خواهان تغییر در این برنامه‌ها هستیم، باید سازمان، رویکرد سلطه هژمونی را کنار بگذارد. یکی از راه‌های آن اجازه و فرصت تولید برنامه به رسانه‌های خصوصی در کنار رسانه ملی است تا تنوع دیدگاه ایجاد شود.

## اروپا و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین

چهارمین پیش‌نشست همایش بین‌المللی «نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «اروپا و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین» با سخنرانی استادان و صاحب‌نظران مطالعات اروپا و حضور جمعی از تحلیل‌گران و علاقه‌مندان روابط بین‌الملل، ۲۳ مهرماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست بعد از اعلام خیرمقدم دکتر محمدعلی فتح‌اللهی (ریاست پژوهشگاه مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق) و بیان مقدمه‌ای از سوی دکتر علی اکبر اسدی (مدیر نشست و سرپرست گروه مطالعات منطقه‌ای)، دکتر عبادالله مولایی (مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد مطالعات اروپا) و دکتر داود کیانی (عضو هیأت علمی دانشگاه و از صاحب‌نظران و کارشناسان ارشد حوزه اروپا) به ایراد سخنرانی پرداختند.

### اروپایی‌ها بر این باور بودند که می‌توان روسیه را از طریق تعامل و تجارت مهار کرد



دکتر مولایی به‌عنوان سخنران نخست نشست ضمن تشریح ابعاد و تحولات جنگ اوکراین به تبیین تأثیرات این جنگ بر وضعیت اروپا و قدرتهای اروپایی پرداخت. به اعتقاد دکتر مولایی بحران اوکراین به نقطه‌عطفی در روند تحولات اروپا تبدیل شده است، با این حال با توجه به سیالیت جنگ اوکراین هنوز چشم‌انداز روشنی درمورد تأثیرات نهایی این جنگ بر شرایط اروپا در ابعاد مختلف وجود ندارد. در حالی که تاریخ اروپا در قرون اخیر سرشار از رقابت و نزاع بوده است، از زمان جنگ سرد می‌توان شاهد سطحی از ثبات و همگرایی در این منطقه بود. در حالی که کشورهای اروپایی در حال کمرنگ ساختن تصورات ژئوپلیتیک و امنیتی از سیاست خارجی و روابط بین‌المللی بودند، داعیه‌های جدیدی مانند مطرح ساختن الگوی همگرایی منطقه‌ای اروپا به‌عنوان الگوی جهان‌شمول برجسته شد. با این حال مؤلفه‌های مختلف باعث شد تا اروپایی‌ها در تبدیل الگوی منطقه‌ای خود به الگوی جهانی با ناکامی مواجه شوند. چالش‌های داخلی، بروز مشکلات در روابط فرآتلانتیک و توجه آمریکا به اولویت مهار چین، ظهور قدرتهای جدید، بحران مالی به‌خصوص در سال ۲۰۰۸، شکاف‌های بین جنوب و شمال اروپا، بحران پناهندگان و مهاجرت و بحران کرونا از مهمترین عوامل ناکامی اروپایی‌ها در این راستا بود. با این حال جنگ اوکراین به‌عنوان مهمترین بحرانی بود که تصورات، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های راهبردی اروپا را به‌شدت تغییر داد و باعث شد تا مسائل امنیتی و ملاحظات ژئوپلیتیک در صدر اولویتهای اروپا قرار گیرد.

دکتر مولایی افزود: در حالی که اروپایی‌ها خواستار اثرگذاری بر سیاست‌های روسیه از طریق وابستگی متقابل اقتصادی بوده و بر این باور بودند که می‌توان روسیه را از طریق تعامل و تجارت مهار کرد و مسکو را از تهدید امنیتی به شریک اقتصادی تبدیل کرد، جنگ اوکراین تصورات اروپایی از روسیه را به شدت دگرگون کرد. تهاجم روسیه به اوکراین به منزله تلاش مسکو برای بازتعریف نقشه اروپا از طریق قوه قهریه تلقی شد و در نتیجه اروپا وارد چرخه جدید از جنگ و بی‌ثباتی شد، لذا این ایده پررنگ شد که اروپا همچنان می‌تواند میدان رقابت‌های ژئوپلیتیک در سطح بین‌المللی باشد. در شرایط نوین در حالی که جنگ باعث تقویت آتلانتیک‌گراها در اروپا شد،

اجماع کاملی مبنی بر مهار روسیه از طریق کمک نظامی به اوکراین تا تحریم اقتصادی روسیه شکل گرفت. به گفته این کارشناس ارشد اروپا دیگر پیامدهای کلیدی جنگ اوکراین برای کشورهای اروپایی عبارتند از: تقویت منطق ژئوپلیتیک و قدرت در اروپا؛ تلاش برای کاهش وابستگی به روسیه در عرصه انرژی؛ ضعف تدریجی اروپا در برابر بحران‌های مختلف؛ بحران مفهوم لیبرالی و وابستگی متقابل؛ چرخش در سیاست خارجی اتحادیه اروپا و انتقال مرکزیت به شرق قاره؛ بازگشت انگلستان به معادلات اروپا بعد از برگزیت؛ بازگشت آمریکا به صحنه اروپا؛ و بازسازی موقعیت ناتو. نتیجه کلی اینکه در حالی که اروپا درصدد بازتعریف و به عهده گرفتن نقشی مستقل در نظم بین‌المللی در سال‌ها و دهه‌های اخیر بود، جنگ اوکراین باعث به حاشیه رانده شدن بیشتر اروپا در نظم بین‌المللی و تلاش برای بهره‌گیری بیشتر از حمایت‌های آمریکا شده است.

### اروپایی‌ها تمایلی به فرسایشی شدن جنگ ندارند



سخنران دوم نشست، دکتر کیانی نیز در سخنان خود ضمن تبیین اثرات جنگ اوکراین بر اروپا به خصوص موضوع مسئله وحدت و همگرایی اروپا، به تشریح نگرش‌ها و سیاست‌های خاص آلمان به‌عنوان قدرتمندترین اقتصاد اروپایی در خصوص این بحران پرداخت. به باور دکتر کیانی مهمترین پرسش در خصوص تأثیرات جنگ اوکراین بر اروپا این است که آیا این جنگ باعث می‌شود که اروپا به کنش‌گر بین‌المللی قوی‌تر یا ضعیف‌تری تبدیل شود؟ در این راستا هر چند عدم قطعیت‌های مختلف و سیالیت جنگ مانع از هرگونه پیش‌بینی قطعی می‌شود اما تا حدی می‌توان تأکید کرد که این جنگ باعث پیدایش چشم‌اندازی از جایگاه ضعیف‌تر اتحادیه اروپا در عرصه جهانی خواهد شد. در شرایط جاری در حالی که روسیه به‌دنبال پایان دادن بحران بوده و فرسایشی شدن جنگ را به نفع خود نمی‌داند، اما آمریکا متمایل به فرسایشی شدن جنگ و در نتیجه تضعیف بیشتر مسکو است. اروپایی‌ها با وجود برخی ابهامات تمایلی برای فرسایشی شدن جنگ ندارند و نمی‌خواهند به بازیگری بی‌اهمیت و وابسته به آمریکا تبدیل شوند. به گفته این کارشناس ارشد اروپا با وجود پول واحد، کشورهای اروپایی در عرصه سیاست خارجی تابع منافع ملی هستند و این رویکرد در بحران‌های مختلف بروز یافته است. لذا در شرایطی که اتحادیه اروپا با چالش‌های مختلفی روبه‌روست و رقابت‌های عمیق ملی در حال تشدید است، بعید است که بحران اوکراین بتواند زمینه‌ساز وحدت اروپا در درازمدت باشد.

دکتر کیانی در بخش دیگری از سخنان خود به تبیین سیاست خارجی آلمان و نگرش‌های آن در خصوص جنگ اوکراین پرداخت و گفت: از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۴ آلمان نگاه به شرق را در سیاست خارجی خود تقویت کرد که با پاسخ صادقانه روس‌ها نیز مواجه شد. در واقع آلمان در پی تغییر روابط و مناسبات خود با روسیه از طریق مرادفات مختلف بود تا بتواند شرایط صلح‌آمیزی را بر روابط حاکم کند. با بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ آلمان‌ها عنوان کردند که روسیه در پی نفوذ ژئوپلیتیکی هستند و بر این اساس بود که نگاه جدید در مقابل روسیه شکل گرفت که از جمله شامل اعمال تحریم‌هایی علیه مسکو بود. جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ به‌عنوان تحولی اساسی بود که به بازنگری جدی آلمان در سیاست‌هایش در قبال روسیه منجر شد. هر چند کاهش روابط با روسیه هزینه‌های بالایی برای آلمان دارد، اما در صورتی که اروپا بتواند به تداوم حیات اقتصادی خود بدون اتکای اساسی بر انرژی روسیه پردازد، زمینه‌هایی برای سوق دادن این منطقه به سمت نوعی هویت ژئوپلیتیک مستقل تقویت خواهد شد.



## مختصات نظم بین‌الملل متأثر از بحران اوکراین و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آن

پژوهشکده مطالعات سیاسی و بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پنجمین پیش‌نشست از پیش‌نشست‌های همایش «نظم جدید بین‌المللی، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» را با موضوع «مختصات نظم بین‌الملل متأثر از بحران اوکراین و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آن» در تاریخ ۲۷ مهرماه برگزار کرد.

این پیش‌نشست با حضور و سخنرانی دکتر حیدرعلی مسعودی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر علیرضا نوری (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) و با مدیریت دکتر طیبه محمدی‌کیا (عضو هیأت علمی پژوهشگاه) برگزار شد.

### راه حل «مرشایم» این است که اوکراین به یک منطقه بی‌طرف تبدیل شود

در ابتدا این نشست، دکتر مسعودی رصد گفتمان‌های آمریکایی در ارتباط با بحران اوکراین را برای بیان ویژگی‌های نظم بین‌الملل آینده لازم دانست و گفت: دو دسته گفتمان رسمی و دانشگاهی را در فضای کنونی بحران اوکراین می‌توان ملاحظه کرد؛ در درون گفتمان رسمی که نشان‌دهنده موضع‌گیری‌های مقام‌های رسمی ایالات متحده است، طولانی‌تر شدن بحران اوکراین و گفتمان «روس‌گرایی شکست‌گرایانه» رشد می‌کند. به باور مقام‌های دولتی ایالات متحده، جنگ اوکراین به دلیل نگاه امپراتوری‌گرایانه روسیه است. رویکرد دولت بایدن نیز توقف ماشین جنگی روسیه از یک‌سو و ضربه‌زدن به آن از سوی دیگر است. تصویب کمک نظامی به اوکراین را باید در همین جهت تفسیر کرد. اقدام دیگر دولت ایالات متحده بازنمایی اقدام‌های روسیه به مثابه نسل‌کشی و جرائم جنگی است. وزارت خارجه ایالات متحده بر این باور است که روسیه در دستیابی به اهدافش ناتوان بوده و طرف شکست‌خورده جنگ است! مصادیق گفتمان شکست‌گرایی روسی را در بیان مقامات و سناتورهای آمریکا می‌بینیم. خانم لیز چینی بر این باور است که آمریکا باید تسلیحات سنگین به اوکراین صادر کند. تلاش هواداران این گفتمان نمایش و معرفی روسیه به‌عنوان یک بازیگر شرور در عرصه بین‌الملل است.

دکتر مسعودی افزود: گفتمان آکادمیک در ایالات متحده در دو دسته طرح می‌شود: گفتمان «واقع‌گرایی تعهدگرای» و گفتمان «لیبرالیسم جنگجو». تبارشناسی گفتمان نخست در نگرش کیسینجر و مرشایم و جرج کنان قابل پیگیری است. این دسته از اندیشمندان بر این باورند که ما باید واقعیت قدرت روسیه را در دوران پساجنگ سرد بررسی کنیم. مرشایم با ایده Back to Future از نظام موازنه قدرت در اروپا دفاع می‌کند. بریتانیا و ایالات متحده به‌عنوان دو متحد باید در فضای برهم خوردن موازنه ایفای نقش داشته باشند. اگر روسیه نظم موجود را بپذیرد در برابر آلمان موازنه‌گرا خواهد بود. مرشایم در مقاله سال ۲۰۱۶ میلادی، وظیفه ایالات متحده را مقابله با هژمونی‌های بالقوه با در نظر داشتن منافع مشروع روسیه در اروپای شرقی می‌داند.



مرشایمر آمریکا را علت جنگ می‌داند که می‌کوشد اوکراین را به خاکریز آمریکا در اروپا و مرزهای ناتو تبدیل کند. راه حل مرشایمر این است که اوکراین به یک منطقه بی‌طرف تبدیل شود. مرشایمر بر این باور است که اگر آمریکا بخواهد کمک به اوکراین را تشدید کند، می‌تواند وضعیت وخیم‌تر شود و روسیه به سمت بمب اتم برود. والت به ناکارآمدی نظم وابستگی متقابل اشاره دارد. جرج کنان در ۱۹۹۹ پیش‌بینی کرد که پیشروی ناتو به شرق سرنوشت غم‌انگیزی برای غرب است. این گفتمان بر این باور است که ما باید نهادهای وجودی روسیه را به رسمیت بشناسیم و در راستای کم‌اثر ساختن آن‌ها بکوشیم. گفتمان دیگر از سوی جوزف نای و فوکویاما مطرح شده است. بحران اوکراین جنگ اقتدارگرایی و دموکراسی است و علت اصلی جنگ، سامان سیاسی یک تن‌سالار در روسیه است. اگر غرب شکست بخورد، بازگشت از دموکراسی در کشورهای دیگر هم دیده خواهد شد. باید از مکانیزم Check and balance بهره بگیریم. در این فضا باید مانع اقدام چین شد. مسائل داخلی روسیه و عدم ثبات سیاسی علت جنگ است که یک Other برای تضمین مشروعیت سیاسی است که دشمن‌سازی کرده است. در این گفتمان جنگ آوردگاه ایده‌های دموکراسی و اقتدارگرایی است.

وی گفت: بحث ایران در نظم بین‌الملل جدید را باید از چشم‌اندازی نو نگریست. بحران اوکراین پایه‌های نظم بین‌الملل لیبرال مانند حقوق بین‌الملل را متزلزل ساخته است. در این بحران ما شاهد بازگشت رویکرد ژئوپلتیک به عرصه سیاست جهانی هستیم. ایده وابستگی متقابل میان بازیگران نیز متزلزل شده است. نشانه‌های توزیع قدرت بین‌الملل جدید در کنار نظم بین‌الملل لیبرال نشان از آغاز تضعیف این نظم دارد. در این فضا آمریکا نتوانست امکان یاریگری پیشین را داشته باشد. در ارتباط با تحریم‌ها نیز درسی که روس‌ها از تحریم ایران گرفتند این است که وقتی مقاومت ایران را در برابر ایالات متحده و متحدانش می‌بینند به این نتیجه می‌رسند که پس روسیه هم می‌تواند مقاومت بورزد. در گروه ۷ هم فقط دو کشور کانادا و بریتانیا با آمریکا همکاری کردند که نمونه‌ای از تضعیف قدرت و توان همراه‌سازی آمریکا بود. در این فضا مهم‌ترین متغیر توضیح‌دهنده سیاست بین‌الملل پیش‌رو رقابت چین و ایالات متحده است. آمریکایی‌ها ایده تضعیف روسیه در نظم بین‌المللی را در نظر دارند. در این فضا ایران نیز با تعیین استراتژی مبتنی بر آگاهی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده قدرت رویکرد خود را برگزیند. تلاش ایالات متحده به سوی کمرنگ کردن روسیه است اما در رقابت با قدرت‌های نوظهور امکان توفیق او محل تردید است.



دانشگاه آزاد اسلامی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق برگزار می‌کند:

**پیش نشست پنجم همایش**

**«نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران»**

**مختصات نظم بین‌الملل متأثر از بحران اوکراین  
و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آن**



**دکتر علیرضا نوری** (مبات علمی دانشگاه شهید بهشتی)

**دکتر حیدر علی مسعودی** (مبات علمی دانشگاه شهید بهشتی)

مدیر جلسه: دکتر طیبه محمدی کیا

**چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱ ساعت: ۱۲ تا ۱۰**

**به صورت حضوری و مجازی**

حضور: یزرگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند (۶۴ غربی)،  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب  
لینک ورود مجازی به نشست: <https://b2n.ir/j00160>

### روسیه مایل نیست مفهوم «جهان روسی» خدشه دار شود

در ادامه نشست دکتر نوری به طرح ایده و سخنان خود پرداخت و گفت: دکتر نوری جنگ اوکراین در واقع جنگ روسیه با ناتو و آمریکا است. در روسیه این انگاره مسلم انگاشته می‌شود که روس‌ها با ناتو می‌جنگند. برخاستن قدرت‌های نوظهور مانند چین و روسیه بهم خوردن نظم بین‌الملل را به دنبال دارد. کارگزارهایی مانند روسیه خواهان سهم‌خواهی بیشتری از یک قدرت در عرصه بین‌الملل هستند. اهمیت روسیه را می‌توان در سندهای بالادستی ایالات متحده دید. در سند پایانی ۷۱ بار نام روسیه آمده است در مقدمه سند در صفحه ۸ بحث جنگ اوکراین مطرح شده و روسیه تهدیدی برای نظم بین‌الملل آزاد است. روسیه در این سند یک نیروی تجدیدنظر طلب است. روس‌ها بر این باورند که آمریکا روسیه را مهار می‌کند. مهار در قالب‌هایی مانند تحریم، گسترش ناتو و ... مطرح می‌شود. در این میان در روسیه بحث مهار و سیاست‌های ضد مهار مطرح می‌شود. انقلاب‌های رنگی و ترویج هنجارهای غربی نیز در شمار سیاست‌های مهار غرب قرار می‌گیرند. روسیه همه تلاش‌های ایالات متحده را در قالب سیاست‌های مهار می‌فهمد. روسیه در جنگ گرجستان، کریمه و اوکراین اظهار می‌دارد که آمریکا در صدد گسترش ناتو بوده و سیاست روسیه سیاست دفاع تهاجمی است. پوتین اظهار می‌دارد روسیه ناگزیر از حمله بود. حمله به اوکراین برای روسیه سیاست ضد مهار است. سه هدف با گسترش ناتو تحت تأثیر قرار می‌گیرد: الف-هدف استراتژی روسیه و تبدیل شدن روسیه به ابرقدرت است. ب-هدف هویت روسی: تجربه تاریخی در جنگ‌های روسیه و فرانسه، کنسرت اروپا، جنگ سرد و ... نشان می‌دهد که روسیه قدرت بزرگ است و برای روس‌ها باید قدرت بزرگ باقی بماند. ج-هدف ژئوپلیتیک: روس‌ها اگر تسلیم شوند تأثیر جهانی‌شان را از دست خواهند داد و اگر آمریکا جلو بیاید احتمال واکنش سخت از سمت روسیه می‌رود.

دکتر نوری تأکید کرد: در این فضا نباید از نظر دور داشت که مفهوم جهان روسی بسیار مهم است و روسیه مایل نیست این مفهوم خدشه دار شود. روسیه نگاه هویتی و پرستیژی و ژئوپلیتیک به بحران اوکراین دارد. در دیدگاه روسی، روسیه در سوریه، گرجستان و کریمه توانست به‌خوبی پیش برود پس می‌تواند در اوکراین هم پیش برود. آنچه به شکلی غیرمنتظره بود این که در این فضا بحران اوکراین به نزدیک‌تر شدن چین و روسیه انجامید. این نزدیکی پیام‌آور نظم جدید است. در پردازش پایانی باید به این مؤلفه توجه داشت.

از چشم انداز روسی شکست روسیه سناریوی خطرناکی است، زیرا برای روسیه این جنگ حیثیتی است و برای پوتین شکست در داخل روسیه به‌شمار می‌رود. لذا روسیه به سمت به‌کارگرفتن سلاح‌های سنگین حرکت می‌کند. پیروزی روسیه سناریوی دوم این نبرد است. سناریویی که احتمال آن بسیار اندک می‌نماید. ممکن است روسیه با حفظ چهار منطقه‌ای که به تصرف درآورده است جنگ را پایان دهد. روسیه در هر دو سناریو تضعیف خواهد شد و موقعیت آن در نظم جدید تحت تأثیر سرنوشت جنگ اوکراین است. باید توجه داشت که پیروزی روسیه بسیار پایین است. اقتصاد این کشور در بلندمدت تضعیف خواهد شد و منابع قدرت آن در نظم آینده و نیز در نظم موجود تضعیف می‌شود. احتمال قدرت‌یابی روسیه به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظم آینده اندک است. ایران باید سیاست بی‌طرفی فعال را در پیش بگیرد

نوری در خاتمه سخنانش شرح داد: مؤلفه دیگری که باید در سرنوشت بحران اوکراین مدنظر قرارگیرد داینامیک داخل روسیه و گردش نخبگان درون این جامعه است. بحث تهاجم زرد از سوی چین به روسیه نیز مؤلفه دیگری است که باید محل دقت واقع شود. نکته این جا است که آیا آمریکا همچنان به تضعیف روسیه ادامه خواهد داد، در حالی که می‌تواند از گزینه رفتاری دیگری نیز بهره گیرد و از روسیه به ضرر چین استفاده کند؟ در هر دو حالت در آینده ما با یک روسیه ضعیف روبه‌رو هستیم. روسیه در اقتصاد و مصرف دنباله‌رو غرب است. در جامعه روسیه، ایده یوروآتلانتیسم ایده‌ای قوی است. وارد شدن ایران به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای به بازی قدرت‌های بزرگ جهانی می‌تواند خطر ساز باشد. در جهان پس از بحران اوکراین ما با نظم چندقطبی روبه‌رو نخواهیم شد. ما با یک دوره تنش و بی‌ثباتی روبه‌رو خواهیم شد. در این فضا مؤلفه دیگری که نباید از نظر دور داشت نقش پررنگ رسانه‌هاست که از روسیه چهره‌ای منفی ساخته‌اند و جنگ روایت‌ها را ایجاد کرده‌اند. جنگ روایت‌ها در کنار بده بستان‌های نظامی و تسلیحاتی باید مورد توجه قرار گیرد. در جمع‌بندی پایانی می‌توان گفت که ایران باید سیاست بی‌طرفی فعال را در پیش بگیرد و در راستای منافع ملی حرکت کند.

در پایان این پیش‌نشست به پرسش‌هایی مانند چیستی فضای نظم بین‌الملل برخاسته از بحران اوکراین، چندوچون ترتیبات قدرت در ارتباط میان روسیه و چین، ارتباط غرب و کشورهای شرق اروپا و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظم متشکست پسا بحران اوکراین و ... از سوی سخنرانان پاسخ داده شد.

## نظم بین‌المللی و بحران اوکراین؛ ابعاد و پیامدهای اقتصادی

ششمین پیش‌نشست همایش بین‌المللی «نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «نظم بین‌المللی و بحران اوکراین؛ ابعاد و پیامدهای اقتصادی» با سخنرانی استادان و صاحب‌نظران اقتصاد سیاسی بین‌المللی و حضور برخی از تحلیلگران و علاقه‌مندان روابط بین‌الملل، ۱۱ آبان‌ماه برگزار شد. در این نشست بعد از عرض خیرمقدم دکتر محمدعلی فتح‌الهی (رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق) و بیان مقدمه‌ای از سوی دکتر علی‌اکبر اسدی (مدیر نشست و سرپرست گروه مطالعات منطقه‌ای)، دکتر مسعود موسوی‌شفایی (دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس) و دکتر عبدالله قنبرلو (دانشیار روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به ایراد سخنرانی پرداختند.

### نقش روسیه و اوکراین در اقتصاد جهانی



دکتر موسوی‌شفایی به‌عنوان سخنران نخست نشست ضمن اشاره به دو روایت کلان در مورد ریشه‌های جنگ اوکراین به تبیین ابعاد و پیامدهای اقتصادی این جنگ پرداخت و با اشاره به جایگاه و نقش روسیه و اوکراین در اقتصاد جهانی گفت: این دو کشور در مجموع حدود دو درصد صادرات و ۱/۷ درصد واردات جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال این دو کشور با داشتن سهمی بالا و تعیین‌کننده در حوزه‌هایی خاص مانند تولید غلات و انرژی یا تولید محصولات دیگری نظیر زغال سنگ، کود شیمیایی و آلومینیوم تأثیرات مهمی در اقتصاد جهانی دارند. بر این اساس جنگ اوکراین باعث شده تا در سه موضوع غذا و امنیت غذایی، انرژی و مسائل مالی جهان با چالش‌های جدیدی مواجه شود و حدود ۱/۷ میلیارد نفر در جهان به صورت جدی تحت‌تأثیر این نوع چالش‌ها قرار گیرند.

هر چند بحث‌هایی در خصوص تأثیرگذاری سلبی جنگ اوکراین بر وضعیت اقتصادی و انرژی کشورهای اروپایی در جریان است، اما تأثیرات جنگ وسیع بوده و سطح گسترده‌ای از کشورها از جمله خود روسیه را متأثر ساخته و در مجموع برای جهان پیامدهای منفی داشته است. این تأثیرات منفی به‌خصوص برای کشورهای فقیر و در حال توسعه بیشتر بوده و بر بازارهای در حال ظهور فشارهای مالی قابل توجهی داشته است.

### آسیب‌ها و ضررها و هزینه‌های جنگ

دکتر موسوی ادامه داد: جنگ باعث وارد شدن صدها میلیارد دلار آسیب به زیرساخت‌های اوکراین، آوارگی بیش از ۱۲ میلیون اوکراینی و نیازمندی حدود ۱۳ میلیون نفر به کمک‌های فوری شده است. ضمن اینکه جنگ به انقباض ۴۵ درصدی اقتصاد اوکراین انجامیده و با تداوم جنگ هزینه‌های اقتصادی و انسانی اوکراین در حال افزایش است. در سوی مقابل روسیه نیز با آسیب‌های جدی به لحاظ اقتصادی و فناوری روبه‌رو شده است و با تحریم‌هایی مواجه شده که اقتصاد این کشور را در تنگناهای جدی قرار داده است. روسیه در طول سال‌های گذشته سعی کرده است با تکیه بر درآمدهای نفتی ذخایر ارزی خود را به شدت توسعه دهد تا بتواند بر چالش‌های احتمالی پیش‌رو غلبه کند، با این حال تحریم‌ها، دسترسی روسیه به ۵۰ درصد ذخایر ارزی این کشور را محدود کرده است. تعلیق عملیات شرکت‌های بزرگ نفتی در روسیه، محدودیت دسترسی روس‌ها به محصولات با فناوری بالا، کاهش رشد اقتصادی به منفی ده درصد، تورم ۲۵ درصدی و افزایش میزان بیکاری از ۴ درصد به ۸ درصد بخشی از آسیب‌های وارد شده به اقتصاد روسیه از زمان آغاز جنگ با اوکراین بوده است.

### اشتباه روسیه

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تأکید کرد: با وجود مشکلات اروپا در حوزه انرژی، این وضعیت باعث ایجاد بازدارندگی در برابر اروپایی‌ها نشد و کشورهای اروپایی به تشدید تحریم‌های خود ادامه دادند با این حال نظم بین‌المللی از وضعیت گذار عبور کرده و وارد مرحله جدیدی شده است که ترکیبی از نظم موازنه قوا قرن نوزدهمی به لحاظ سیاسی-امنیتی و یک لایه اقتصادی متفاوت است. لایه سیاسی و نظامی-امنیتی نظم بین‌الملل بر مبنای جایگاه و روابط دولت‌های وستفالیایی است و با توجه به سیالیت موازنه قوای کنونی می‌توان شاهد برخی برخوردهای نظامی در مناطقی خاص و به خصوص حوزه‌های گسل ژئوپلیتیک بود. اما لایه اقتصاد جهانی در این نظم با متصل نگه داشتن اقتصادهای جهانی بر پایه زنجیره‌های ارزش افزوده و جریان‌های پولی و مالی مانع از بروز جنگ‌های گسترده بین قدرت‌های بزرگ می‌شود.

دکتر موسوی در بخش پایانی سخنان خود تصریح کرد: با این وضعیت به نظر می‌رسد چین عاقل‌ترین بازیگر بین‌المللی است که هر دو لایه سیاسی-امنیتی و اقتصادی نظم بین‌المللی را در محاسبات و سیاست‌های خود لحاظ می‌کند. در جنگ اوکراین شاید اشتباه روسیه تمرکز بر لایه سیاسی-امنیتی نظم و توجه به نتایج سیاست‌های پیشین خود در مورد گرجستان و کریمه بود. ضمن اینکه به نظر می‌رسد برای اوکراین نیز بهترین سیاست، بی‌طرفی فعال و توجه به ملاحظات سیاسی-امنیتی روسیه بود. در حالی که رهبران اوکراین بر تمرکز بر منافع و شرایط اقتصادی پیوند با غرب و اتحادیه اروپا در لایه اقتصادی نظم بین‌الملل با جنگی ویرانگر روبه‌رو شدند.



## جنگ اوکراین برای تمامی جهان بازی باخت باخت است



در بخش دوم این نشست دکتر قنبرلو به تبیین ابعاد و تأثیرات اقتصادی جنگ اوکراین پرداخت و جنگ کنونی بین اوکراین و روسیه را واجد ابعاد بین‌المللی مهمی عنوان کرد و گفت: در صورتی که مسئله سلاح‌های هسته‌ای در کار نبود، بحران کنونی می‌توانست به جنگی بسیار گسترده‌تر و با هزینه‌های بیشتر در سطح بین‌المللی منجر شده و فشارها بر شرق و غرب را به شدت افزایش دهد.

این صاحب‌نظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل در ادامه افزود: تحریم‌های کنونی غرب علیه روسیه هر چند هنوز به صورت جدی وارد عرصه انرژی نشده، اما در تاریخ بی‌سابقه است و هزینه‌ها و فشارهای جدی را برای مسکو ایجاد کرده است. هر چند ممکن است این تحریم‌ها در کوتاه‌مدت اثر کمتری داشته باشند، اما در بلندمدت فشارهای ایجاد شده برای روسیه بسیار جدی‌تر خواهد بود. در این راستا می‌توان رهیافت نظری «پل کندی» را مورد اشاره قرار داد که روند افول قدرت‌های بزرگ با مداخله آنها در خارج و ایجاد فشارهای اقتصادی مسئله‌ای قابل تأمل است.

دکتر قنبرلو در بخشی دیگر از سخنان خود گفت: جنگ کنونی در اوکراین به لحاظ اقتصادی برای تمامی جهان بازی باخت باخت محسوب می‌شود و به جز کشورهای معدودی مانند عربستان سعودی که شامل تولیدکنندگان اصلی انرژی یا مواد غذایی هستند، اکثر کشورها از این جنگ دچار زیان‌های اقتصادی شده‌اند. ضمن اینکه چین نیز به‌عنوان بزرگترین برنده این بحران محسوب می‌شود. چرا که چینی‌ها با وجود تلاش برای حمایت نسبی از روسیه در مقابل تحریم‌های غرب رویکرد هوشمندانه و محتاطانه‌ای را در پیش گرفته و بر اساس محاسبات و منافع اقتصادی و سیاسی بلندمدت عمل می‌کنند.

دکتر قنبرلو تأکید کرد: بحران اوکراین اثرات مختلفی در عرصه بین‌المللی داشته است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعمیق شکاف شرق و غرب و مرکزیت بیشتر چین و آمریکا در عرصه بین‌المللی که از جمله در وابستگی بیشتر کشورهای اروپایی به آمریکا و همچنین وابستگی بیشتر روسیه به چین نمود یافته است:

کاهش همکاری‌ها در عرصه بین‌المللی که به خصوص به تضعیف گروه بیست منجر شده است؛ آسیب دیدن هژمونی آمریکا با استفاده بیش از حد از تحریم‌ها در عرصه بین‌المللی؛ تبدیل شدن روسیه به بزرگترین بازنده اقتصادی جنگ با تنزل ۵۰ درصدی رشد اقتصادی؛ کاهش ۵۰ درصدی رشد اقتصادی اوکراین و مشکلات اقتصادی و مالی جدی اوکراین برای ادامه جنگ با توجه به نیاز به بودجه ۵ میلیاردی در هر ماه و نیاز به ۳۵۰ میلیارد بودجه برای بازسازی تا مقطع زمانی کنونی و آسیب دیدن اقتصاد اروپا با توجه به وابستگی به روسیه در عرصه انرژی؛ از جمله موارد مهمی هستند که باید روی آن تأمل کرد.

## گزارش نشست «روز جهانی فلسفه»

به مناسبت روز «حکمت و فلسفه» نشست با عنوان «روز جهانی فلسفه» به میزبانی پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز سی‌ام آبان‌ماه، برگزار شد. در ابتدای این نشست، سیدمصطفی دکتر شهرآیینی، رئیس پژوهشکده فلسفه و دبیر این نشست، پیام استاد کریم مجتهدی را به مناسبت روز فلسفه، برای حضار قرائت کرد که متن آن از نظر تان می‌گذرد:

### پیام دکتر کریم مجتهدی به مناسبت روز حکمت و فلسفه

تفکر یک سنت دیرینه است که به‌مرور، مشخصه انسان شده و او را از حیوانات دور کرده است. برای نشان‌دادن این تحول بی‌سابقه، فیثاغورس انسان را موجود عاقل تعریف کرده، یعنی موجودی که فکر می‌کند و دامنه فکر خود را به تمام موضوعات تعمیم می‌دهد. این سنت نزد انسان عصر جدید فلسفه نامیده می‌شود که یک لغت مرکب یونانی است که نه فقط به معنای دوستداری حکمت است بلکه کوششی همه‌جانبه برای شناخت آن است. این فعالیت باستانی، عملاً تعمیم‌یافته و موجب شده انسان از توجه به فئونی که جنبه انتفاعی دارند، کم‌کم به مفاهیمی توجه کند که نفع آن را به‌سرعت نمی‌توان تعیین کرد ولی همین مشغله ذهنی موجب پیشرفت و عمق تفکر انسان می‌شود. بدون فلسفه هیچ علمی پیشرفت نمی‌کند و انسان اسیر صرف امور انتفاعی می‌شود. منظور این‌که از رهگذر فلسفه، انسان تکامل خاص می‌یابد که درجات انسانیت او را افزایش می‌دهد. فلسفه از این رهگذر فقط یک شناخت ساده و ابتدایی نیست بلکه مسئولیت کل علوم را اعم از عقلی و نظری به دوش می‌کشد. بدون شک مراکز علمی و حتی دانشگاه‌های یک مملکت متمدن اگر به فلسفه توجه نداشته باشند و نسبت به جنبه تعلیماتی و تربیتی آن غافل بمانند عملاً دریچه‌های پیشرفت واقعی رشته‌ها و علوم رایج آنها را از دست خواهند داد. فلسفه اگر ظاهر علم را هم به خود نگیرد، خواه ناخواه روح واقعی علوم است.



### فلسفه و زندگی متعارف

سپس دکتر شهرآیینی سخنان خود را با عنوان «فلسفه و زندگی متعارف» به شرح زیر مطرح کرد: «پیر آدو» نویسنده سرشناس فرانسوی می‌گوید، فلسفه در سنت یونانی، سبک زندگی بوده است نه اینکه تنها منحصر در مباحث نظری و محدود به جمعی خاصی از فرهیختگان و نجبگان باشد و اگر بخواهیم این دیدگاه آدو را به ذهن نزدیک سازیم، فلسفه‌ورزی مانند دینداری بوده است که پیوستاری از باورهای نظری تا التزام عملی را در برمی‌گیرد. برخی بر این باورند که از زمان رویارویی فلسفه یونانی با ادیان ابراهیمی، فلسفه این کارکرد خود را از دست داده و به ساحت نظر فروکاسته است. آنها علت اصلی را در این می‌بینند که دین در ساحت زندگی عملی حضور فلسفه را در مقام رقیب بر نمی‌تابد و مشی فیلسوفانه اساساً با مشی دینی نمی‌خواند. ما در این مجال کوتاه می‌کوشیم این دیدگاه را طرح و در معرض بررسی قرار دهیم که اگر دین در وادی نظر به ساحت الهیات و کلام فروکاسته نشود و قرائت نظری واحدی را قرائت معیار از دین قرار ندهد، می‌تواند با فلسفه در مقام حکمت عملی کنار بیاید و بی‌آنکه تنش پیش بیاید دین و فلسفه همزیستی داشته باشند. چنانکه این امر در روزگاری دراز چه در عالم مسیحیت تا پیش از تأسیس دانشگاه‌ها و چه در عالم اسلام، هرچند با فراز و نشیب، رواج و رونق داشته است. پس از صحبت‌های دکتر شهرآیینی، سخنرانان به ترتیب: دکتر سید امیر اکرمی، دکتر طاهره کمالی‌زاده، دکتر مهدی بنایی جهرمی، دکتر مهدی اصفهانی و در آخر دکتر هادی وکیلی نیز، مباحث خود را پیرامون فلسفه بیان کردند که در ادامه خلاصه این سخنرانی‌ها را می‌خوانید:



### دوگانه‌های فلسفه افلاطونی

سید امیر اکرمی: با طرح آراء فیلسوفان پراگماتیستی چون دیوئی و رورتی، امکان فلسفه‌ورزی غیر متافیزیکی، که در آن با فرا رفتن از دوگانه‌های فلسفه افلاطونی می‌توان به تنوع، آزادی و آینده بهتر، که از مقومات اندیشه پراگماتیسم است و می‌تواند سعادت و رضایت بیشتری را برای آدمی به ارمغان آورد و اندیشه فلسفی را به مسائل، مشکلات و دغدغه‌های انسانی مرتبط سازد.

### ضرورت بازگشت فلسفه به زندگی ایرانیان

ظاهره کمالی‌زاده: اگر فلسفه را به معنای شناخت حقیقت امور و اشیاء به جای گمان نسبت به آنها بدانیم، از سرآغاز تفکر فلسفی تا امروز، فلسفه همواره جزئی از زندگی بشری و همراه این زندگی بوده است. در میان فیلسوفان مسلمان نیز نسبت میان فلسفه و زندگی حداقل تا دوران قاجار، رابطه‌ای نزدیک و پیوندی مستقیم بوده است.



در روند تفکری که از فارابی آغاز شده و به سبزواری ختم می‌شود، در هر سه مکتب فلسفی دغدغه‌ی فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه، مسئله محوری و یا ایده بسیاری از تأملات فلسفی آنها بوده است. در دوران قاجار که سرآغاز ورود امواج تجددگرایی به ایران و مواجهه اندیشمندان ایرانی با افکار جدید غرب است، باوجود رونق چشمگیر فلسفه اسلامی و حضور فعال آن در کنار علم فقه در محافل حوزوی و مدارس عالی، تعاملی سازنده بین این دو جریان فکری رخ نمی‌دهد. در این دوره فلسفه اسلامی در مواجهه با فلسفه‌ی مدرن غرب، فعال و مسئله‌مند نبوده و تعامل با آن به‌عنوان

مسئله جدی برای اهل فلسفه مطرح نشده است و این سرآغاز گسست فلسفه اسلامی ایرانی از میراث پیشینیانی است که همواره با رویکرد جامع‌گرا از اندیشه‌های نو به‌عنوان یک مسئله جدی استقبال می‌کردند. این جریان که از دوره‌ی قاجار تا امروز کما بیش استمرار یافته است، به شبهه عدم قابلیت و ظرفیت فلسفه اسلامی و ایرانی برای مواجهه با مسائل دنیای مدرن دامن زده است. شبهه‌ای که موجب انزوای فلسفه در فضای فکری و عمومی جامعه ایرانی شده است (باوجود توسعه چشمگیر آن در محافل علمی حوزوی و دانشگاهی). داستان فلسفه در ایران اسلامی چگونه بوده و چگونه به چنین سرنوشتی رسید و راهکار چیست؟ به نظر راهکار مؤثر در این زمینه نه لزوماً غربی‌شدن است و نه در جا زدن، راهکار مؤثر بازگشت به سنت و پیشینه پرافتخاری است که فلسفه‌ی اسلامی را به یکی از مهمترین ارکان تمدن اسلامی در دوران اوج خود تبدیل کرده بود.

### پرسش از نسبت میان فلسفه و قدرت

مه‌دی بنایی جهرمی: پرسش از نسبت میان فلسفه و قدرت، نه صرفاً ناظر به مواضع فیلسوفان نسبت به قدرت و نه محدود به حدود فلسفه سیاسی در معنای مصطلح خود، بلکه آن در مرتبه‌ای مهم‌تر، راه‌گشای صورتی از بازاندیشی به حقیقت خود فلسفه است. این مهم



را می‌توان وجهی از وجوه اهمیت تاریخ فلسفه نیز به شمار آورد، چراکه آن در واقع بستر مراتب و مسیر گام‌های «فلسفه آگاهی» در پاسخ به پرسش تاریخی فلسفه چیست است. مفهوم فلسفه حاصل از خود فلسفه و تکوین یافته در درون تاریخ فلسفه است. در مسیر کشف و فهم همین مفهوم است که می‌توان به بازاندیشی و درکی تازه از نسبت میان فلسفه و قدرت رسید.



### فلسفه در زمانه دگرگونی



مهدی اصفهانی: دشوار نیست مشاهده این که زمانه ما، زمانه زایش و گزار به دوره‌ای تازه است. روح با جهان سابق هستی متعین خویش و [با شیوه] درک کردن و شکل دادن خویش پیوند گسسته است، و بر آن است که آن را در گذشته غرق سازد و در «کار» تغییر قالب خویش است. ... روح در کار بیرون کشیدن نهاد خود آرام آرام و به طرز خاموش در قالب تازه به پختگی می‌رسد، [هر] ذره از بنای جهان سابق خویش را بعد از ذره دیگر از هم می‌گشاید، [جهانی که] تزلزلش فقط از طریق نشان‌های مجزای درد به تلویح مشخص می‌شود؛ سبک سری و ملالی که در امر مستقر پاره‌پاره می‌شود و دل‌گواهی یک امر ناشناخته، منادیان این [واقیت] اند که چیز دیگری در شرف وقوع است. این اضمحلال تدریجی‌ای که چهره «کل» را تغییر نداده است از طریق طلوعی دچار گسست می‌شود که، [همانند] آذرخش،

در یک آن سازه جهان تازه را به دید می‌آورد. آن چه هگل در بند ۱۱ پدیدارشناسی روح هگل حدود ۲۰۰ سال پیش نوشته است هنوز هم نمونه‌ای عالی برای درک نسبت تأمل فلسفی و درک دگرگونی است. در سخنان کوتاهی که بنده به مناسبت روز جهانی فلسفه تقدیم خواهم کرد به تأملی در بندهای ۱۱ تا ۱۴ پدیدارشناسی روح خواهم پرداخت تا از خلال آن تأملی درباره نسبت فلسفه و دگرگونی‌های زمانه حاصل شود.

### فلسفه اسلامی (حکمت) به چه کار می‌آید؟



هادی وکیلی: فلسفه یک رشته الهام‌بخش و نیز یک تمرین روزمره است که می‌تواند جوامع را متحول کند. فلسفه با امکان کشف تنوع جریان‌های فکری در جهان، گفت‌وگوی بین فرهنگی را مورد تشویق قرار می‌دهد. فلسفه با بیدار کردن ذهن‌ها نسبت به تمرین تفکر و رویارویی منطقی با دیدگاه‌ها، به ساختن جامعه‌ای بردبارتر و آرام‌تر کمک می‌کند. بنابراین، فلسفه با ایجاد شرایط فکری برای پذیرش هرگونه تغییر و تحولی، به درک و پاسخ به چالش‌های عمده معاصر کمک می‌کند. همان‌گونه که فویرباخ گوشزد کرده است بین فلسفه‌ای که وجودش را مدیون یک نیاز فلسفی است (مثلاً، فلسفه فیشته در نسبت با فلسفه کانت) و فلسفه‌ای که با نیاز بشر مطابقت دارد تمایزی اساسی دیده می‌شود. به‌طور خلاصه، بین فلسفه‌ای که به دلیل تعلقش به تاریخ فلسفه فقط به‌طور غیرمستقیم به نوع بشر مربوط می‌شود

و فلسفه‌ای که به‌طور مستقیم به تاریخ بشریت مربوط می‌شود، یک دنیا تفاوت وجود دارد (Feuerbach, The Fiery). آن چه اکنون با عنوان «فلسفه اسلامی» از آن یاد می‌شود مسیری طولانی و صعب‌العبور را پیموده است تا فلسفه از معنای واقعی اولیه خود دگرگون شود و در همین راستا اسمش از فلسفه به حکمت و رسمش از وجودشناسی به الهیات وجودشناختی تغییر کند. اگر معتقد شویم که فلسفه اسلامی حاضر از عهده مأموریت‌هایی که در بالا بدان اشاره کردیم بر نمی‌آید، در نتیجه در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا تغییر، اصلاح یا باززایی در فلسفه اسلامی لازم است؟ اگر چنین است، این اصلاح یا باززایی چگونه می‌تواند یا چگونه باید باشد؟ آیا این تغییر در روح و معنای فلسفه‌ای که تاکنون وجود داشته است صورت می‌گیرد یا اینکه این تغییر، معنایی جدید دارد؟ آیا باید به دنبال فلسفه‌ای مشابه با فلسفه‌ای که تاکنون داشته‌ایم باشیم یا در پی فلسفه‌ای اساساً متفاوت برویم؟ پرسش‌هایی، که پرسش‌های پیشین نیز به آن وابسته هستند، این است: آیا ما خود را در آستانه عصری یا دوره‌ای جدید در تاریخ بشریت می‌یابیم، یا هنوز در همان بلا تکلیفی قدیمی هستیم؟ اگر به دنبال فلسفه‌ای اساساً متفاوت باشیم باید از حکمت عبور کنیم و دوباره در مسیر واقعی فلسفه یا در مسیر فلسفه واقعی حرکت کنیم.

یادداشت به مناسبت هفته کتابخوانی:

## نقش کتابداران در مدیریت و توسعه محتوای دیجیتال پژوهشی



دکتر حمیدرضا رادفر  
عضو هیأت علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا

مهمترین و حیاتی‌ترین عنصر مورد درخواست و دارای ارزش در فضای مجازی محتواست. فناوری‌ها، نرم‌افزارها، ربات‌ها و سایر پدیده‌های پیشرفته که این روزها در فضای مجازی دیده می‌شوند، جهت راحتی، افزایش دقت و سرعت دسترسی به محتواست. مشتریان سازمان‌ها نیز در ورای تمامی این فناوری‌ها و نرم‌افزارها و امکانات خوش رنگ و لعاب و متنوع در پی دستیابی به محتوا هستند. آنچه از آن به‌عنوان محتوای دیجیتال یاد می‌شود و امکان دستیابی به آنها از طریق فضای مجازی، سایت‌ها، برنامه‌های کاربردی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و سایر فناوری‌ها میسر شده است، نقش بسیار تعیین‌کننده، ارزشمند و مهمی در تصمیم‌گیری‌ها، افزایش آگاهی‌ها، اطلاع‌رسانی و پژوهش‌ها دارند، به‌صورتی که بسیاری از افراد (حقوقی یا حقوقی) برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود تنها به محتوای دست‌یافته از این فضای مجازی بسنده می‌کنند و حاصل کار آنها می‌تواند تأثیرات مهم و سرنوشت‌سازی بر جامعه بگذارد.

مزیت رقابتی\* در فضای مجازی از یک سو، بازاریابی برای منابع و خدمات از دیگر سو و غلبه بر مشکلات و محدودیت‌های مکانی و زمانی در ارائه خدمات به کاربران، بخشی از امکانات و تسهیلاتی است که فضای مجازی در اختیار سازمان‌ها قرار داده است. در این برهه زمانی بیشتر کاربران و مشتریان منابع و خدمات یک سازمان ابتدا برای رفع نیازهای خود از طریق سایت یا سایت‌های مرتبط با سازمان ذیربط و خارج از قیود مکانی و زمانی در فضای مجازی اقدام به جستجو و مطالبه‌گری می‌کنند. عدم کسب اطلاعات و محتوای مناسب با نیازها و خواسته‌های کاربران، سبب نارضایتی آنان، کاهش مشتریان سازمان، بی‌استفاده ماندن محتوای آن و در نهایت انزوا و رکود سازمان خواهد شد؛ به‌خصوص در زمانی که سایر سازمان‌ها و مراکز (به ویژه رقبا) جهت ارائه خدمات و محتوای خود در فضای مجازی از اصول علمی و فناوری‌های پیشرفته و به‌روز استفاده می‌کنند. مهم‌ترین و حیاتی‌ترین عنصر مورد درخواست و دارای ارزش در فضای مجازی محتواست. فناوری‌ها، نرم‌افزارها، ربات‌ها و سایر پدیده‌های پیشرفته که این روزها در فضای مجازی دیده می‌شوند جهت راحتی، افزایش دقت و سرعت دسترسی به محتواست. مشتریان سازمان‌ها نیز در ورای تمامی این فناوری‌ها و نرم‌افزارها و امکانات خوش رنگ و لعاب و متنوع در پی دستیابی به محتوا هستند. آنچه از آن به‌عنوان محتوای دیجیتال یاد می‌شود و امکان دستیابی به آنها از طریق فضاهای مجازی، سایت‌ها، برنامه‌های کاربردی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و سایر فناوری‌ها میسر شده است،

نقش بسیار تعیین کننده، ارزشمند و مهمی در تصمیم‌گیری‌ها، ارائه آگاهی‌ها، اطلاع‌رسانی و پژوهش‌ها دارند، به‌صورتی که بسیاری از افراد (حقیقی یا حقوقی) برای به سرانجام رساندن امور خود تنها به محتوای دست‌یافته از این فضای مجازی بسنده می‌کنند و حاصل کار آنها می‌تواند تأثیرات مهم و سرنوشت‌ساز بر جامعه بگذارد. سازمان‌ها و نهادهای پژوهشی به‌لحاظ ماهوی و طبیعی تولیدکننده محتوا هستند. این سازمان‌ها بنابر مأموریت‌های خود موظف هستند تا برای رفع نیازها، مشکلات و مسائل جامعه هدف خود، پژوهش کرده و نتایج حاصل از آن را در قالب انواع گونه‌ها و محمل‌های محتوایی ارائه و منتشر کنند. نتایج یک پژوهش می‌تواند در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، مقاله، سخنرانی، مصاحبه، گزارش طرح، ثبت اختراع، نرم‌افزار یا برنامه کاربردی، یادداشت و سایر گونه‌ها اشاعه یافته و منتشر شود. اصولاً مشتریان یا مخاطبان بالفعل پژوهش‌ها به سرعت و راحتی به نتایج دست پیدا می‌کنند، ولی بسیاری از مخاطبان بالقوه این پژوهش‌ها شاید نتوانند از این منابع استفاده کرده و حتی مطلع از این محتوای تولید شده شوند. سازمان‌های پژوهشی و آموزشی با توجه به ماهیت وجودی‌شان تولیدکننده یا توسعه‌دهنده انواع محتوای آموزشی، پژوهشی و عمومی و اداری هستند. این محتوا می‌تواند بسیار ارزشمند و قابل استفاده و تأثیرگذار هم درون سازمان و هم بیرون سازمان (حتی بیشتر از درون سازمان) باشد. بنابراین بسیار اهمیت دارد که انواع محتوای موجود در یک سازمان برای استفاده مؤثر و رفع نیازهای متخصصان و علاقه‌مندان، به نحو مناسبی دسترس‌پذیر باشند. از این رو بایستی محتوای موجود در سازمان‌ها پس از سازماندهی مناسب از طریق ابزارها و خدمات مختلف اطلاع‌رسانی اشاعه یابند تا در کوتاه‌ترین زمان و بهترین شکل در اختیار نیازمند یا علاقه‌مند به آن محتوا قرار گیرند. همزمان با توسعه محتوا و منابع دیجیتال، متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی در پی یافتن راه‌هایی برای سازماندهی مؤثر و دقیق این منابع بوده‌اند و اقدامات ارزشمندی نیز صورت گرفته است. در صورتی که محتوای دیجیتال در یک سازمان به‌صورت مناسب و هدفمندی سازماندهی نشود، نه تنها حجم محتوای تهیه و تولید شده توسط آن سازمان ارزشمند و قابل استفاده نخواهد بود، بلکه سبب اتلاف هزینه و زمان و باعث افزایش سردرگمی و نارضایتی اعضای آن نیز خواهد شد.

حضور قدرتمند و با برنامه در فضای مجازی، شناسایی مخاطب و مخاطب‌سنجی، توسعه مجموعه منابع دیجیتال و دیجیتال‌سازی اسناد و مدارک و سایر محتواهای موجود در سازمان، هم از لحاظ حفظ و نگهداری، هم از لحاظ تسهیل در استفاده و هم از لحاظ همگامی با فناوری‌های روز، می‌تواند بسیار مهم و سودمند باشد. در عصر فناوری اطلاعات و بهره‌گیری گسترده سازمان‌ها و مراکز از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، نه تنها بخش اعظم محتوای تهیه، تولید یا توسعه‌یافته به صورت دیجیتالی است، بلکه امکان اشاعه دیجیتال این محتوا نیز فراهم و بسیار مورد استقبال است. اشاعه اطلاعات و محتوا به ارائه و انتقال اطلاعات به‌ویژه اطلاعات جدید و به‌روز پرداخته و نیازمند آگاهی از مخاطبان و علایق و نیازهای آنان است تا با توزیع به موقع و مناسب محتوا، نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده سازد. همچنین اشاعه محتوا سبب صرفه‌جویی در وقت و هزینه و بازیابی محتوا جهت درآمدزایی نیز می‌شود.

محتوا و به‌خصوص محتوای دیجیتال نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات علمی و فرهنگی دارند و برای سازمان‌ها منبع اعتبار و قدرت محسوب می‌شوند. اهمیت و ارزش محتوا با استفاده از آن تعیین می‌شود و معنی می‌یابد، اشاعه محتوا با دسترس‌پذیر ساختن آن امکان استفاده از محتوا را تسهیل و تسریع می‌کند.

مدیریت محتوای دیجیتال در یک سازمان پژوهشی، از تهیه، تولید و توسعه محتوا؛ سازماندهی محتوای مستند بنابر مناسب‌ترین شیوه‌های سازماندهی اطلاعات و منابع اطلاعاتی، تا ارائه خدمات اطلاعاتی و اشاعه محتوای دیجیتال در قالب‌ها و روش‌های کاربرپسند و توسعه کاربردپذیری، مشاهده‌پذیری و دسترس‌پذیری محتوا از جمله مهارت‌ها و توانمندی‌هایی هستند که متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی از آن برخوردارند. بنابراین کتابداران و اطلاع‌رسانان از گزینه‌های مناسب برای مدیریت محتوای دیجیتال در سازمان‌ها به‌شمار می‌آیند.

\*مزیت رقابتی:

competitive advantage شامل مجموعه عوامل یا توانمندی‌هایی است که همواره شرکت یا سازمان را به نشان دادن عملکردی بهتر از رقیب قادر می‌سازد.

یادداشت به مناسبت روز بیهقی:

## تاریخ بیهقی و چند نکته



دکتر علی سالاری شادی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درباره تاریخ بیهقی تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که در این یادداشت کوتاه به مواردی از «لون دیگر» پرداخته خواهد شد. در واقع بیهقی در صدد ارائه نثر ادبی نیست بلکه بیان تاریخ برای وی اهمیت داشته و تاریخ را دستمایه ادبی خود نکرده است. علاقه به بیان تاریخ باعث شد که او بدون انشاءپردازی و حاشیه‌نویسی معمول برخی ادیب‌مورخان که اغلب در صدد ارائه نثر ادبی و مسجع بوده‌اند، بیشتر نثری نمایشی و قابل فهم که فضای واقعی رخداد را نشان دهد، به کار می‌برد. «والدمن» می‌نویسد نثر تاریخ بیهقی بسیار پخته، سلیس و یکی از شاهکارهای ادب فارسی است. و در ادامه آورده است که آن نه مثل دیگر تواریخ مشتی اسم و سنه است و نه مثل کتاب‌های اخلاقی خشک و تحکم‌آمیز (والدمن، ۱۰۱). بنابراین تاریخ برای وی اهمیت داشته است و حتی بیان فن نمایشی او در راستای تبیین واقعه و رخداد تاریخی می‌باشد. بیهقی اهل مطایبه و طنز نیست اما به شدت اهل کنایه و تعریض است. خدا آن روز را نیاورد که کسی در معرض کنایه و تعریض وی قرار گیرد که مانند بوسهل زوزنی بس بیچاره خواهد شد.

اما موضوع زمان برای بیهقی اهمیت زیادی دارد. او نگاهی پویا و رو به جلو به تاریخ دارد و در صدد آن نیست که خواننده را شیفته عصر خود کند و در آن مقطع خاصی نگاه دارد. بنابراین او تاریخ را ایستا نمی‌بیند بلکه آن را امری پویا قلمداد می‌کند و لحظه‌لحظه تاریخ برای وی اهمیت دارد. وی در ابتدای بردار کردن حسنک و زبیر می‌نویسد: «امروز که من این قصه آغاز می‌کنم در ذی‌الحجه سنه خمسين و اربعمائه ...، از این قوم که من سخن خواهم راند یک دو تن زنده‌اند، در گوشه‌ای افتاده و خواجه بوسهل زوزنی چند سالی است تا گذشته شده است و به پاسخ آن که از وی رفت گرفتار و ما را با آن کار نیست. هرچند مرا از وی بد آمد به هیچ حال، چه عمر من به شصت و پنج آمد و بر اثر وی می‌باید رفت (بیهقی، ۱۳۵۶، ۱۹۰). بوسهل چون این واجب نداشت و دل بر وی خوش کرد به مکافات نه بوسهل ماند و نه حسنک (بیهقی، همان، ص ۹۰). در این فراز بیهقی، با احساس خاصی گذر زمان و تغییر آن را بیان می‌کند که خواننده را متوجه عمق زمانه و گذر روزگار کند و به زعم وی در حالی که امثال بوسهل و حسنک آن را درنیافتند. آری! این زمانه در حال گذر (زمان تاریخی) به جوهره تاریخ او تبدیل شده است، موضوعی که شاید بیشتر مورخان به آن توجهی نکرده‌اند یا بسان بیهقی (موضوع زمان) را احساس نکرده‌اند. این نکته مهمی است که درک زمانه کار هر کس نیست و چه بسیار بوده‌اند و خواهند بود که درک درست و عمیقی از زمانه و تغییرات آن ندارند، بلکه در همان طلیعه نخستین فرو مانده‌اند و زمان از آنها جلو افتاده است و همچنان در لحظه بانگ خروس سحرگاهی غنوده‌اند و هیاهوی عصر را درک نمی‌کنند.

از این جهت گاهی بیهقی به فضای مقدمه «ابن خلدون» نزدیک می‌شود که می‌گفت گویی زمانه از بن تغییر یافته است (ابن خلدون، ج ۱/۵۹). اما بیهقی نه به تکرار تاریخ، بلکه به مشابهت تاریخ اعتقاد دارد، و هر از چندگاهی مواردی را از بابت تجربه و عبرت بیان می‌کند (بیهقی، ۱۳۷۷، ۱/۲۴۰، ۲۲۵، ۳/۱۱۸).

بیهقی با خواننده ارتباط تنگاتنگی برقرار می‌کند. گویی بدون جلب توجه مخاطب نمی‌تواند مطلب را بنویسد و سعی می‌کند خواننده را همراه خود سازد. تأکید بر حفظ چنین ارتباطی با خواننده نشان از آن دارد که بیهقی می‌خواهد مقطع و دوره خود را با آنها در میان بگذارد و اما مهم آنکه سعی می‌کند خواننده را با خود هم‌رأی سازد و متقاعد کند. او خواننده را به محضر خود و خرد (مورد نظرش) دعوت می‌کند و تلاش دارد که گفت‌وگو و دیالوگی را هر چند یک‌طرفه شکل دهد. در واقع گویی احساس می‌شود که بیهقی به خواننده اعتماد ندارد که حرف‌های وی را باور کند و در صدد قانع‌سازی وی است که هرچه می‌گوید، درست و غیرقابل تردید است (بیهقی، همان، ۱/۲۲۶، ۲۰۳). او در موضعی حق انحصاری پاره‌ای از اخبار را از آن خود و استادش «بونصر مشکان» شمرد و نوشت: «و این لافی نیست که می‌زنم و بارنامه‌ای نیست که می‌کنم بلکه عذری است که به سبب تاریخ می‌خواهم، که می‌اندیشم نباید که صورت بنده خوانندگان را که من از خویشان می‌نویسم و گواه عدل برین چه گفتم، تقویم‌های سال‌هاست که دارم با خویشان. همه به ذکر احوال ناطق و هر کس که باور ندارد به مجلس قضای خرد حاضر باید آمد تا تقویم‌ها پیش حاکم آیند و گواهی دهند و ایشان را مشکل حل شود. والسلام» (بیهقی، ۱۳۵۶، ۵۲۲-۵۲۱).

قانع‌سازی خواننده برای بیهقی از چنان اهمیتی برخوردار است که موضوع را به مرحله خطرناک دعوا، دادگاه و شکایت و ارائه مدرک می‌کشاند؟! این اصرار او بر متقاعد کردن خواننده حتی مایه بذله‌گویی مورخی چون جوینی شده است (جوینی، ۱۳۷۰، ۲/۴۵). صرف‌نظر از آن، این حکایت از اهمیت و منزلت تاریخ برای بیهقی دارد که آن را بسیار جدی گرفته است. ای کاش! این رویکرد بیهقی در میان مورخان بعدی نیز وجود داشت. از هرچه بگذریم، اینکه بیهقی برای خواننده و متقاعد کردن وی تلاش می‌کند، یک تفکر به نسبت عالی بود که بعدها به فراموشی سپرده شد.

این بیهقی نام کاملش ابوالفضل محمدبن حسین از دیوانیان و منشیان دیوان رسایل غزنوی بود. او در سال ۳۸۵ هـ / ۹۹۵ م در حارث آباد بیهق متولد شد (بیهقی، ۱۳۷۷، ۲۶۶/۱؛ ابن فندق، ۱۳۶۱، ۱۷۵). بیهقی تحصیلات خود را در نیشابور گذراند و به زبان عربی و فارسی تسلط یافت. او جذب دیوان غزنویان شد و در دیوان رسایل تحت امر ابو نصر مشکان، دبیر مشهور، به امر دیوانی مشغول شد. اشتغال در دیوان رسایل او را به یکی از مطلع‌ترین افراد در سیستم اداری غزنوی تبدیل کرد، چرا که امر همه دیوان‌ها نهایت به دیوان رسایل ختم می‌شد (بیهقی، ۱۳۷۷، ۳/۸۶۶). او در دوره سلطان مسعود زنده، محترم و عزیز شمرده می‌شد اما بعد از وی زندگانی اداری او دست‌خوش فراز و فرود فراوان شد و به تعبیر خودش «کار دیگر شد»، هر چند مدتی هم در عصر «سلطان عبدالرشید» ریاست دیوان رسایل را برعهده گرفت، اما دیگر هرگز ایام شادکامی عهد سلطان مسعود و بونصر مشکان برای او تکرار نشد. شاید همین فراز و فرود است که او را متوجه عمق تغییر زمان کرده است. بعد از آن مدت ۲۰ سال دچار رنج و حرمان شد (همان، ۳/۹۳۳). در حکومت مستعجل طغرل مدتی گرفتار زندان شد (شعبان ۴۴۳ هـ / ۱۰۵۱ م). او بالاخره در سال ۴۷۰ هـ / ۱۰۷۸ م درگذشت (ابن فندق، ۱۷۷-۱۷۸).

در واقع تاریخ بیهقی با طول و تفصیل و با شرح جزئیات به بیان وقایع سیاسی، نظامی و اما بیشتر اداری و دربار سلاطین غزنوی می‌پردازد و از منظری دیگر آن، گویی خاطرات و مشاهدات اوست. ساختار تاریخ بیهقی در وهله اول بر اساس توالی سلاطین غزنوی و هر بخشی از آن را به نام یا لقب سلطانی نام‌گذاری کرده است یا دیگران آن را چنین تغییر کرده‌اند. در درون این تقسیم‌بندی مطالب بر اساس حوایات (سال به سال) ادامه می‌یابد. بیهقی سعی کرد، مطالب خود را منظم و بادقت و جزئیات بیان کند؛ گویا برای بیهقی بیان مفهوم و مقصود، بدون توضیح جزئیات میسر نیست.

اما کتاب تاریخ بیهقی گویا مشتمل بر ۳۰ جلد، صرف‌نظر از ابهام در حجم آن، بوده است که جلدهایی ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ قسمتی از جلد ۱۰ آن موجود است. تمام کتاب اکنون در دست نیست، لذا ذکر چند نکته در این باره ضروری است. اول آنکه، همشهری وی «زید بن علی» مشهور به «ابن فندق»، هم‌ولایتی او یک قرن بعد در همان شهر بیهق و ایالت خراسان به تمام مجلدات آن دسترسی نیافته است، بلکه خاطر نشان کرده که بعضی از آن را در کتابخانه سرخس بعضی در کتابخانه مدرسه خاتون مهد عراق بوده است (ابن فندق، ۲۰، ۱۷۵). دوم اینکه، آیا بهراستی بیهقی تمام کتاب را نوشته یا طرح واره در دست اقدام وی بوده است که ابتدا همین بخش را تدوین کرده و دیگر بنا به شرایطی سایر مجلدات را نتوانسته است به رشته تحریر درآورد. اگر این نوشته‌ای در دست از جلد ۵ تا قسمتی از جلد ۱۰ باشد، بنابراین مجلدات ۱ تا ۵ در تشکیل سلطنت غزنوی و احوال سبکتکین و محمود است. البته به نظر

می‌رسد آن بسیار خلاصه و کلیاتی بیش نبوده است. مجلدات ششم تا دهم نیز درباره سلطان مسعود است که آن هم موجود و در دست است، حال این ادعا که کتاب ۳۰ جلد بوده است باید الباقی آن یعنی ۲۰ جلد بعدی، درباره پس از مسعود باشد که کمی در پرده ابهام است، اما نکته مهم دیگر اینکه بیهقی کتاب خود را ذیل کتاب محمود وراق (مشمتمل بر تاریخ غزنویان تا حوادث سال ۴۰۹) قرار داده است که از این کتاب جز همین اشاره بیهقی اطلاعی در دست نیست یا من اطلاعی ندارم، اما مهم اینکه کسانی که درباره بیهقی نوشته‌اند این ادعاهای وی را بسیار جدی انگاشته‌اند که نوشته است: «غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنائی بزرگ افراشته گردانم چنان‌که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند سخنی نرانم تا خوانندگان این تصنیف گویند شرم باد این پیر را (بیهقی، ۱۳۷۷، ۱۴۹/۱). با اینکه: «در تاریخی که می‌کنم سخنی نرانم که آن به تعصبی یا تزیدی کشد و خوانندگان این تصنیف گویند شرم باد این پیر را بلکه آن گویم که خوانندگان با من اندرین موافقت کنند و طعنی نزنند» (بیهقی، ۱۳۵۶، ۱۹۰).

اینکه تاریخ پایه‌ای بنویسم تا حدی مبهم است که منظور از تاریخ پایه‌ای چیست؟ او آن را تعریف نکرده است که آن چه مشخصات و ویژگی‌هایی دارد. با این حال ویژگی خاص و چشمگیری در نوشته او وجود ندارد که ما نیز با ادعای وی همراه شویم که تاریخ بیهقی، تاریخ پایه‌ای است. درست است امتیازات و محسناتی دارد اما نه در این حد که او ادعا کرده باشد. او در موضعی دیگر می‌نویسد: «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسان‌تر گرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند اما من چون این کار پیش گرفتم می‌خواهم که داد این تاریخ به تمامی بدهم و گرد زویا و خبایا برگردم تا هیچ چیز از احوال پوشیده نماند» (بیهقی، ۱۳۵۶، ۴۹-۵۰). چنانچه این بخش سخنان بیهقی را جنب سخن پیشین او درباره نوشتن تاریخ پایه‌ای ادعایی او قرار دهیم، احتمالاً همین جزئی‌پردازی‌ها را تاریخ پایه‌ای خوانده است، چرا که مورخان دیگر چنین طول و عرضی را به کار نگرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند. در این فراز بیهقی ادعای بزرگتری را مطرح کرده است: «داد این تاریخ به تمامی بدهم» که ادعایی بس بزرگ و اغراقی تمام است. اینکه بسیار تأکید دارد که در سخنان وی تعصبی نیست و گرد آن نمی‌گردد، حداقل با توجه به متن موجود، نوشته‌اش بسیار متعصبانه است. تعصب او در حق «بونصر مشکان» اظهار من الشمس است که حتی کتابی به نام مقامات بونصر مشکان دارد که گویی شاید قدیس است، در حالی که در دورنمای کلی بونصر مشکان چندان تفاوتی از نظر منفعت‌جویی شخصی و ایجاد دسته‌بندی با بوسهل زوزنی ندارد. عکس آن، به‌همان نسبت بیهقی از هرگونه بدگویی، کنایه و تعریض مکرر در حق بوسهل زوزنی خودداری نکرده است. او چنان حساسیتی در حق بوسهل زوزنی دارد که گویی در همه جا و در همه احوال در هر خرابی و ناملایماتی دست و سایه او را می‌بیند. با این حال همیشه حق به جانب هم ادعا دارد که گرد تعصب نمی‌گردد. البته توقع زیادی از بیهقی نیست، اما او با ادعاهای اغراق‌آمیز این توقع را ایجاد کرده است. در نهایت بیهقی در پیرانه سر با حوصله و با رندی و زیرکی یک دیوان‌سالار حرفه‌ای با تعریض و کنایه‌های مکرر و با فضا سازی، بیشتر در صدد القای روایت مطلوب خود به خواننده است.

#### منابع

- ابن فندق، علی بن زید بیهقی (۱۳۶۱) تاریخ بیهق، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمینار، تهران، کتاب‌فروشی فروغی.
- بیهقی محمد بن حسین، (۱۳۵۶)، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۷۷) تاریخ بیهقی، مقدمه و شرح خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات مهتاب.
- جوینی، عطا ملک (۱۳۷۰)؛ تاریخ جهان‌گشای جوینی، بسعی و اهتمام محمد قزوینی، انتشارات ارغوان.
- والد من، مرلین (۱۳۷۵)؛ زمانه، زندگی و کارنامه بیهقی، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ابن خلدون، ولی‌الدین عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۹)؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۲ جلد.

یادداشت به مناسبت روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه؛

## علم چگونه می‌تواند در خدمت صلح باشد؟



مهدی کریمی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«صلح نه از طریق زور و اجبار بلکه از طریق درک متقابل، حفظ می‌شود...»  
آلبرت انیشتین

روز ۱۹ آبان ۱۳۷۸ برابر با ۱۰ نوامبر ۱۹۹۹ از طرف یونسکو و شورای بین‌المللی علوم به‌عنوان «روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه» نام‌گذاری شده است. مرور کلی رؤس این برنامه نشان می‌دهد که بر دو جنبه اصلی تأکید دارد: اول، به‌کارگیری علم در توسعه پایدار و بالاخص پایداری زیست محیطی؛ دوم، اهمیت گسترش علم در جامعه. اگر بر اساس این برنامه اعلام شده پیش برویم، مجموعه‌ی علمی که می‌توانند در خدمت صلح و توسعه باشند، محدود خواهند بود. به‌همین دلیل، در این یادداشت سعی خواهیم کرد تا چشم‌انداز وسیع‌تری از نقشی که علم در صلح و توسعه می‌تواند داشته باشد، ارائه شود. در جهت رسیدن به این چشم‌انداز نیاز به درکی جامع‌تر از واژگان علم و صلح داریم.

فراتر از مناقشات درباره علم و چیستی آن، علم به مجموعه گزاره‌ها و اطلاعاتی گفته می‌شود که دانشمندان در کاوش‌های علمی حول یک موضوع یا برای تأمین یک هدف جمع‌آوری می‌کنند و با زبان علمی در مورد آنها گفت‌گو صورت می‌گیرد. آنچه مشخص است، منظور و مقصود برنامه مورد اشاره از علم، مجموعه علوم مختلفی است که ماهیت رشته‌ای یا بین‌رشته‌ای دارند. ما نیز همین تعریف را پذیرفته و مبنای این یادداشت قرار دادیم. واژه دومی که بیش از همه‌چیز مناقشه‌برانگیز است، صلح است. مفهوم صلح از فقدان جنگ بین ملت‌ها تا دسته‌بندی صلح مثبت و منفی گالتونگ و اخیراً با لحاظ کردن مؤلفه محیط زیست در تعریف صلح (آهیسما یا همان صلح با طبیعت) تحول یافته است. در عین اهمیت و جایگاه هر یک از این تعاریف، ما صلح را نوعی «شرایط زندگی می‌دانیم که حاصل هماهنگی بین انسان‌ها و بین انسان و محیط زیست است». این تعریف به خودی خود مفهوم توسعه پایدار را نیز پوشش می‌دهد. پس توسعه جدای از صلح نیست و نمی‌تواند نیز باشد. همچنین، این تعریف به خوبی به ما نشان می‌دهد که علم چگونه می‌تواند در خدمت صلح باشد، اما متأسفانه همیشه بین بایدها و هست‌ها فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد.

نگاهی به تاریخ علم نشان می‌دهد که به استثنای برخی علوم و آن هم در موارد بسیار جزئی، علم خواسته یا ناخواسته هماهنگی موجود بین انسان‌ها و بین انسان و محیط زیست را برهم زده است: از کشاورزی تا شیمی و از زیست‌شناسی تا فیزیک و ریاضیات و علوم سیاسی و اجتماعی. شاید این نگاهی بدبینانه باشد، اما هر ذهن انتقادی به‌شروط کناره‌گیری از تعصبات علمی و منفعت‌طلبی فردی و گروهی این مسئله را خواهد پذیرفت. جالب‌تر آن است که برخی دانشمندان و متخصصان ابتدا خود در جنگ‌افروزی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش ایفا کرده‌اند و بعدها در قالب جنبش‌های صلح‌طلبی برای صلح‌آفرینی فعالیت کرده‌اند. شاید بارزترین نمونه در این زمینه خود آلبرت انیشتین باشد. انیشتین در سال ۱۹۳۹ در نامه‌ای خطر احتمال دست‌یافتن آلمان به بمب اتم را به رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، فرانکلین دلانو روزولت، گوشزد کرد. در همین سال آلمان به لهستان حمله کرد و جو اروپا بسیار متشنج بود. کمی پس از رسیدن نامه انیشتین به رئیس‌جمهور، جلسه کمیته بریگز به‌منظور بررسی واکنش اورانیوم تشکیل شد. پس از تحولات مختلف، این کمیته اولین بمب اتم را ساخت و بمب اتم برای اولین بار در سال ۱۹۴۵، علیه ژاپن مورد استفاده قرار گرفت. انیشتین این اقدام دولت ایالات متحده را تقبیح کرد و همراه با همکاران خود «جنبش صلح‌طلبی مبارزه با تسلیحات اتمی» را شکل داد، اما وی از یک مسئله غافل بود و آن اینکه انسان عصر حاضر تشنه خشونت و سلطه‌طلبی است و پیش‌شرط هرگونه استفاده مسالمت‌آمیز از تحولات علمی، مدنی‌سازی جوامع از طریق تعلیم و تربیت واقعی است.

مرور هست‌ها، اهمیت باید‌ها را به ما نشان می‌دهد. با الهام از تعریف صلح که در بالا اشاره شد، می‌توان به این سؤال که علم چگونه می‌تواند در خدمت صلح باشد؟ پاسخ داد. مجموعه عوامل متعددی تهدیدکننده صلح در مقیاس‌های مختلف هستند که علوم مختلف با توجه به حوزه فعالیت خود می‌توانند در رفع این عوامل مفید واقع شوند و بستر ساز صلح پایدار باشند. این عوامل عبارتند از: یکسان‌سازی عقیدتی و فرهنگی، نژادپرستی، فاشیسم و شوونیسم، برخورد ایدئولوژی‌ها، تخریب محیط زیست، نابرابری‌های اقتصادی، نزاع برای دستیابی به منابع انرژی و آب، نزاع به‌خاطر غذا، تسلیحات هسته‌ای، تروریسم و اختلافات ارضی و مرزی. هر دانشمند یا متخصصی که بتواند در رفع این عوامل در هر مقیاسی (فردی/محلی/ملی/منطقه‌ای/جهانی) نقش‌آفرین باشد، در واقع توانسته است در ایفای صلح نیز گام بردارد. همچنین، دو ابزار اساسی برای تحقق صلح پایدار قابل‌تصور است: ۱. نظام حقوقی مناسب؛ ۲. نظام تعلیم و تربیت. تعلیم و تربیت نقش زیربنایی و نظام حقوقی مناسب نیز نقشی روبنایی در تحقق صلح پایدار دارند. نظام حقوقی مناسب و نظام تعلیم و تربیتی باید ریشه و پایه در «نیازهای مادی و معنوی همه آحاد جامعه» داشته باشند. حذف یا نادیده‌انگاری نیازهای هیچ فرد یا گروهی و حتی یک فرد نیز در آرمان‌های صلح‌طلبی پذیرفته شده نیست. بالطبع، این‌ها، باید‌ها هستند و ممکن است از طرف برخی‌ها پذیرفته نشوند.

در پایان با توجه به اهمیت ارائه راهکارها در هر مسئله پژوهشی یک راهکار ساده اما سخت پیشنهاد می‌شود. «داشتن وجدانی آگاه و سالم». برای هر متخصصی داشتن، وجدانی آگاه و سالم می‌تواند علم را وسیله‌ای برای تحقق صلح و آرامش سازد و نه ابزاری برای خدمت به قدرت و منفعت شخصی و گروهی. انیشتین در عین خدمت به علم فیزیک و البته جامعه بشری با هموار کردن مسیر ساخت بمب اتم موجب کشته‌شدن هزاران نفر شد. هر اندیشمندی باید مواظب و حساس باشد تا در چنین کشتارهایی نقشی نداشته باشد، ولو با طرح یک ایده کوچک برای توجیه یا زمینه‌چینی برای این چنین اعمالی. بسیاری از مشاوران سیاسی (به مانند هاشوفر، مشاور هیلتر) با ایده‌های خود و نه با ساخت بمب اتم موجب کشته‌شدن میلیون‌ها انسان بی‌گناه شدند.

به امید جهانی صلح‌آمیزتر

پاییز ۱۴۰۱





دیدار رئیس پژوهشگاه  
با حجت السلام والمسلمین حسن طارمی، معاون علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی



دیدار دکتر موسی نجفی  
با مهندس شفیعی و سرکار خانم اولادی، معاون عمرانی آموزش عالی سازمان برنامه و بودجه





دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه،

دکتر ابراهیم التجائی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی اقتصاد کلان و پولی»،

دکتر معصومه تقی‌زادگان را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی ارتباطات، فرهنگ و سیاست»،

دکتر آتوسا رستم‌بیگ تفرشی را به‌مدت دو سال به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی زبان‌شناسی

همگانی»،

دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای و

توسعه اقتصادی»،

دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی پژوهش‌های ادبی»،

دکتر صفورا برومند را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران»،

دکتر زینه عرفت‌پور را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی نقد و نظریه و مطالعات میان‌رشته‌ای»،

دکتر محمد هاتفی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی ترجمه و کاربردهای اجتماعی ادبیات»،

دکتر محمدامیر احمدزاده را به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ فکری و فرهنگی ایران»،

دکتر امیر طبیب‌زاده قمصری را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی گویش‌شناسی»،

دکتر مهدی اصفهانی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی فلسفه دین»،

دکتر اسماعیل ناصری را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی روانشناسی و مشاوره»،

دکتر اصغر اسمعیلی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی علوم انسانی»،

دکتر آلاء وحیدنیا را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی مطالعات زبان‌شناسی قرآن مجید»،

دکتر الهام ابراهیمی را به‌عنوان سرپرست «گروه پژوهشی مدیریت»،

دکتر زهرا محققیان را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی مطالعات تاریخی و فرهنگی قرآن مجید»،

دکتر لیلا سادات زعفرانچی را به‌مدت دو سال به‌عنوان «رئیس پژوهشکده اقتصاد»،

دکتر لیلا سادات زعفرانچی را به‌مدت چهار سال به‌عنوان مدیرمسئول نشریه «پژوهش‌نامه زنان»

منصوب کرد.

## تبریک رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرکار خانم دکتر آتوسا رستم‌بیک تفرشی

عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه

با سلام

بدینوسیله ارتقاء سرکارعالی از مرتبه استادیاری به دانشیاری که نشان از توانمندی، شایستگی‌ها و تجارب ارزشمند علمی و پژوهشی شما می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم.

سرکار خانم دکتر حوریه احدی

عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه

با سلام

بدینوسیله ارتقاء سرکارعالی از مرتبه استادیاری به دانشیاری که نشان از توانمندی، شایستگی‌ها و تجارب ارزشمند علمی و پژوهشی شما می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم.

جناب آقای دکتر فرج‌الله علی قنبری

عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه

با سلام

بدینوسیله ارتقاء جنابعالی از مرتبه استادیاری به دانشیاری که نشان از توانمندی، شایستگی‌ها و تجارب ارزشمند علمی و پژوهشی شما می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم.

جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی فر

عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه

با سلام

بدینوسیله ارتقاء جنابعالی از مرتبه استادیاری به دانشیاری که نشان از توانمندی، شایستگی‌ها و تجارب ارزشمند علمی و پژوهشی شما می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم.

جناب آقای دکتر سید جواد میری منیق

عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه

با سلام

بدینوسیله ارتقاء جنابعالی از مرتبه دانشیاری به استادی که نشان از توانمندی، شایستگی‌ها و تجارب ارزشمند علمی و پژوهشی شما می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم.

## مراسم بزرگداشت و یادبود استاد ناصر تکمیل همایون

مراسم بزرگداشت و سوم دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۹ آبان ماه در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار شد.

در این مراسم که با حضور جمعی از استادان، فرهیختگان و خانواده زنده‌یاد تکمیل همایون برگزار شد، پیام دکتر مهدی گلشنی و دکتر رضا داوری اردکانی برای حضار قرائت شد. همچنین دکتر حمید تنکابنی، دکتر احمد کتابی، دکتر باقر ساروخانی، دکتر آندرانیک سیمونیان، دکتر احمد سمیعی گیلانی، دکتر محمدسالار کسرابی و دکتر الله یار خلعتبری سخنانی را در وصف ویژگی‌های شخصی و جایگاه علمی استاد مطرح کردند.





## یادداشتی در بزرگداشت مقام علمی استاد فقید دکتر ناصر تکمیل همایون

دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که به دلیل ایست مغزی در بیمارستان طالقانی تهران بستری شده بود، متأسفانه صبح روز ۲۵ آبان‌ماه، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

مراسم وداع با استاد تکمیل همایون روز پنج‌شنبه، ۲۶ آبان‌ماه با حضور شخصیت‌های مختلف علمی و مورخین تأثیرگذار در پژوهشگاه برگزار و نماز میت زنده‌یاد تکمیل همایون توسط حجت‌الاسلام محمدصادق ابوالحسنی فرزند مرحوم علی ابوالحسنی (منذر) خوانده شد. همچنین پیکر ایشان روز جمعه در زادگاهش، شهر قزوین، به خاک سپرده شد و...

یادداشت در وصف مقام علمی استاد فقید، ناصر تکمیل همایون:

ناصر تکمیل همایون، دوم آذر ماه ۱۳۱۵ در یک محله سنتی در قزوین متولد شد. در سال ۱۳۲۵ بود که دانش‌آموز مدرسه توفیق در غرب آن موقع شهر تهران شد و بعد به دبیرستان علامه رفت. از کلاس هشتم به بعد شخصیت و مشی سیاسی و فرهنگی او که تا حدی شکل گرفته بود، آشکار شد؛ نوجوانی وطن‌دوست و مسلمان به تدریج با «حزب ملت ایران» و مرحوم داریوش فروهر آشنایی یافت و جذب آن شد که از ارکان جبهه ملی ایران به رهبری مرحوم دکتر مصدق بود. در دبیرستان علامه با برخی از بزرگان همچون دکتر محسن ابوالقاسمی و محمود کیانوش و دیگران هم‌کلاسی و دوست شد. در آن زمان عضو سازمان دانش‌آموزان جبهه ملی شد و در شانزده سالگی به دلیل شرکت در مبارزات ملی شدن شیلات ایران به زندان افتاد، اما به علت صغر سن پس از دو هفته آزاد شد. پس از کنار گذاشته شدن از مدرسه علامه، در دبیرستان ملی به نام مهیار ثبت‌نام کرد که در آنجا با مرحوم مرتضی ممیز هم‌کلاس بود. سپس در همان مدرسه که اسم آن «بامداد» شده بود، به تحصیل در رشته ادبی پرداخت. پس از اخذ دیپلم و شرکت در کنکور، در سال تحصیلی ۳۳-۳۴ وارد دانشگاه تهران و به تحصیل در رشته فلسفه و علم تربیتی مشغول شد. در این دوران به عضویت در جبهه ملی درآمد. از اساتید او در این دوران می‌توان از دکتر صدیقی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر رضازاده شفق، دکتر عیسی صدیق، دکتر علی‌اکبر سیاسی، مرحوم آسید محمدکاظم عصار و مرحوم فاضل تونی نام برد و دکتر رضا داوری اردکانی از جمله هم‌کلاسی‌هایش بود.

در دوره دانشجویی از لحاظ فکری هم به اسلام عرفانی گرایش یافت و هم به جامعه‌شناسی توجه پیدا کرد. عنوان تز دوره لیسانس وی «علل رشد و توسعه تصوف در قرن چهارم و پنجم هجری در ایران» بود. سپس مدتی در بخش جامعه‌شناسی دانشسرای عالی با دکتر احسان نراقی شروع به کار کرد و بعد از آن وارد دوره فوق لیسانس علوم اجتماعی شد و در حین تحصیل در دوره فوق لیسانس، در دوره لیسانس نیز تدریس می‌کرد.

پس از آنکه شرایط برای ادامه تحصیل و اخذ دکتری در فرانسه برای او فراهم شد به آنجا رفت و در دانشگاه سوربن موضوع «مدرنیسم‌یون ایران در دوره قاجار» را به عنوان موضوع رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی انتخاب کرد. از آنجا که اعتقاد داشت، جامعه‌شناسی بدون ارتباط با تاریخ نمی‌تواند شکل بگیرد کما اینکه تاریخ هم بدون ارتباط با جامعه‌شناسی نمی‌تواند شکل بگیرد، ابتدا در رشته تاریخ به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۲ با دفاع از رساله خود با عنوان «تاریخ‌نگاری دوره قاجار» به اخذ دکترای در رشته تاریخ نائل شد. سپس به ادامه تحصیل در مقطع دکتری جامعه‌شناسی پرداخت و با توجه به برخی مسائل و تغییر در عنوان رساله دکتری، موضوع «تغییرات سیاسی در ایران عهد قاجار» را به عنوان موضوع رساله دکتری برگزید و در سال ۱۳۵۶ از رساله خود دفاع و موفق به اخذ دکترای جامعه‌شناسی شد.

با وجود موافقت دانشگاه سوربن برای استخدام رسمی، به ایران بازگشت و در مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی زیر نظر احسان نراقی به فعالیت پرداخت. ایجاد بخش ایران‌شناسی در این مؤسسه؛ تدریس درس جامعه‌شناسی در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی)؛ انجام سخنرانی‌های انقلابی بر ضد رژیم و احضار به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به دلیل فعالیت‌هایش ضد رژیم شاه از جمله وقایع حیات او در این دوران بود. در سال ۱۳۵۷ از مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی به دلیل مخالفت ساواک با فعالیت‌های وی اخراج شد. در دانشکده علوم اجتماعی مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی و مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی (دانشگاه علامه فعلی) با اسم مستعار عباس توفیق به تدریس پرداخت ولی از دانشگاه ملی و مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه علامه فعلی) به دلیل مخالفت‌های ساواک اخراج شد.

پس از انقلاب، تصدی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و هنر و تصدی دبیر شورای عالی فرهنگ و آغاز تدریس در دانشگاه شهید بهشتی (ملی) با درجه دانشیاری از سوابق فعالیت‌های او در سال ۱۳۵۸ بود. سپس مدتی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به توصیه دکتر احمد تفضلی به صورت نوشتن مدخل به فعالیت پرداخت و در سال ۱۳۶۶ به دعوت مرحوم محمود بروجردی فعالیت خود را در مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی فعلی) آغاز و در سال ۱۳۶۷ در این مؤسسه استخدام شد. اگرچه دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۸۵ بازنشسته شد، اما تا اواخر عمر پربار خود به عنوان عضو بازنشسته (در قالب تدریس در تحصیلات تکمیلی، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان) با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی همکاری داشت.

از استاد ناصر تکمیل همایون آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله به یادگار مانده است. نخستین کتاب ایشان با عنوان «میهن‌دوستی در ایران؛ انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها» در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. مرزهای ایران در دوره معاصر؛ سرگذشت دریای مازندران؛ خلیج فارس؛ گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین؛ تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری؛ سلطانیه؛ آموزش و پرورش در ایران؛ و تاریخ ایران در یک نگاه از جمله آثار او هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه به مناسبت درگذشت دکتر ناصر تکمیل همایون

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی پیامی درگذشت دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد پژوهشگاه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه را تسلیت گفت.  
متن پیام به شرح ذیل می‌باشد:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

درگذشت دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد پژوهشگاه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه را به خانواده، دوستان، دانشجویان آن مرحوم و به‌ویژه همکاران ایشان در پژوهشگاه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه تسلیت عرض می‌کنم.  
از درگاه خداوند متعال برای روح آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر در این مصیبت را مسئلت دارم.

موسی نجفی  
رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



## یادی از استاد برجسته فلسفه سیاسی غرب دکتر سیدمحمد رضوی

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به مناسبت درگذشت دکتر سیدمحمد رضوی، استاد برجسته فلسفه سیاسی غرب، یادداشت کوتاهی نوشته است که در ادامه از نظر تان می‌گذرد:

سال ۱۳۶۲ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، استاد برجسته فلسفه سیاسی غرب، استاد دکتر سیدمحمد رضوی بود؛ تا جایی که به ایشان لقب «سقراط اساتید» داده بودند؛ ایشان در این درس ریشه برخی از اصطلاحات را به زبان انگلیسی و معادل فرانسوی و سپس لاتین بیان می‌کرد.

خود من توفیق داشتم چند دوره کامل در درس ایشان حاضر شوم و تقریرات درس ایشان را از یونان تا قرون وسطی و سپس تا قرن نوزدهم بنویسم. سال‌ها بعد متوجه شدم این جزوه درسی بسیار باارزش است، لذا با متفکر برجسته شادروان مرحوم دکتر محمد مددپور و برخی دیگر از دوستان سلسله مباحثی را در بررسی و نقد آن انجام داده و سپس با برخی موارد مشابه در اندیشه سیاسی ایران تطبیق دادیم؛ حاصل این متن و پاورقی که در حقیقت بررسی و نقد فلسفه سیاسی غرب بود به صورت کتاب «گفتار فلسفه سیاسی غرب» به چاپ رسید.

غرض از ذکر مطلب این بود که دکتر رضوی از سال ۱۳۸۴ بازنشسته شدند و در این مدت متأسفانه کمتر کسی از این شخصیت علمی سراغی گرفت. چند سال قبل هم مراسم بزرگداشتی در تجلیل از ایشان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی برگزار شد. استاد دکتر محمد رضوی در سن ۹۰ سالگی دارفانی را وداع گفت.

روحش شاد و یادش گرامی باد

## یادداشت دکتر فوزی در تجلیل از استاد مرحوم علیرضا صدرا

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعُلَمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.

اهل علم، تا دنیا هست زنده‌اند. پیکرهایشان از میان می‌رود، امّا یادشان در دل‌ها تداوم خواهد یافت. [نهج البلاغه: الحکمة ۱۴۷].

ارتحال زود هنگام استاد فرهیخته و اندیشمند عرصه فلسفه سیاسی اسلامی «دکتر علیرضا صدرا» را به جامعه‌ی علمی ایران تسلیت می‌گوییم. تلاش‌های علمی، ذهن پویا و خلاق ایشان در حل مسائل نظری امروز جامعه ایران علی‌الخصوص فعالیت‌های علمی ایشان برای طرح سیاست متعالیه و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و تربیت و پرورش جمع زیادی از شاگردان در این حوزه و حضور عملی وی در عرصه سیاست به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی از جمله اقدامات ماندگار ایشان است.

احیای آثار حکما و فقهای متأله هم‌چون: فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمآلهین، علامه نائینی و امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، از جمله دیگر فعالیت‌های ماندگار علمی ایشان است. تسلط ایشان به مبانی اسلامی و بنیان‌های علم سیاست و دارا بودن دغدغه‌های معطوف به حل مسائل امروز ایران اسلامی در کنار ویژگی‌های اخلاقی برجسته وی، شخصیتی دوست داشتنی و اثرگذار از ایشان خلق کرده بود. خداوند متعال وی را غریق رحمت و واسعه خود فرمایند.

یحیی فوزی  
معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه

# همایش ملی

## آموزش تفکر محور

### زمنه ساز تمدن نوین اسلامی



کد اختصاصی: ۰۲۱۳۱ - ۰۶۷۳۲

**دوم اسفند ماه ۱۴۰۱**

آخرین مهلت ارسال چکیده مقاله: ۷ دی ماه ۱۴۰۱  
 اعلام نتایج چکیده مقاله: ۱۵ دی ماه ۱۴۰۱  
 آخرین مهلت ارسال مقاله کامل: ۱۵ بهمن ۱۴۰۱  
 اعلام نتایج مقالات: ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

**محورهای همایش**

- مبانی نظری تفکر، یادگیری و یادگیرنده در سنت اسلامی
- نقش تفکر در شکل گیری و ماندگاری تمدن‌ها
- مؤلفه‌های آموزش تفکر محور
- ضرورت و چیستی و فلسفه تفکرورزی
- مفهوم کودکی در تمدن نوین اسلامی
- چالش‌های آموزش تفکر محور در جامعه ایران

**تفکر در افق تمدن نوین اسلامی**

- تبیین چارچوب فکری نظام آموزشی در تمدن نوین اسلامی
- جایگاه آموزش تفکر محور در سنت اسلامی
- استدلالات آموزش تفکر محور در تمدن نوین اسلامی
- الزامات و بایسته‌های آموزش تفکر محور
- نقشه راه دستیابی به تمدن نوین اسلامی مبتنی بر اندیشه‌ورزی

**نظام آموزشی و تمدن نوین اسلامی**

- غایت نظام آموزشی و تفکر محور
- برنامه درسی در آموزش تفکر محور
- نقش و معنای فلسفه‌ورزی در آموزش تفکر محور
- اسناد بالادستی و آموزش تفکر محور
- نقش آموزش و پرورش رسمی در تمدن سازی مبتنی بر تفکر محور

**رویکردهای آموزش تفکر محور**

- تفاهله / خلاقانه / مراقبتی
- دیالکتیکی (گفتگو محور)
- مشارکتی / کدو کاو محور
- مباحثه‌ای (حزوی)
- آموزش فلسفه اسلامی به کودکان و نوجوانان

**تمدن نوین اسلامی: نظام‌ها و مکاتب فکری**

- نظام اخلاقی و محیط زیست
- نظام سیاسی (حکمرانی) / اقتصادی
- نظام فرهنگی / علمی

**تفکر محوری در سنت اسلامی**

- تفکر محوری در مکاتب فلسفه اسلامی
- تفکر محوری در عرفان اسلامی
- تفکر محوری در فقه اسلامی

وبگاه همایش:  
<https://www.ihcs.ac.ir/tbleic/fa>  
 ایمیل همایش: [tbleic@ihcs.ac.ir](mailto:tbleic@ihcs.ac.ir)

**دبیر علمی همایش: دکتر هادی وکیلی**  
**دبیر اجرایی همایش: دکتر سعید ناجی**

آدرس دبیرخانه همایش:  
 تهران، بزرگراه کردستان، خ دکتر آینه بند (۶۴ غربی)  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه اخلاق و تربیت گروه مطالعات فکری برای کودک و نوجوان  
 مقالات برتر برای انتشار در مجله تفکر و کودک مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah